



مجموعه فرهنگی هنری عبرات

۰۹۱۲۸۳۸۵۱۸۴

هیأت

پایگاه اطلاع رسانی هیأت رزمندگان اسلام

eHEYAT.com

لا اله الا الله
محمد رسول الله

گزیده سماعی

مجموعه اشعار و سرودهای
مناسبت‌های ماه شعبان

لا اله الا الله
محمد رسول الله

گردآورنده:
محمدجوادپژوه

Telegram CH:
@Rahrovaneabbas
@Abarat



هیأت رزمندگان اسلام

ترانه عاشقی

کتاب الکترونیکی "ترانه عاشقی" ویژه ماه شعبان با هدف گسترش شعائر و اشاعه فرهنگ اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام و همچنین بهره مندی شاعران و ستایشگران این عرصه تهیه و توزیع گردیده است.

این کتاب شامل دو بخش اصلی می باشد:

۱ - اشعار برگزیده و منتخب: این قسمت با گزینش اشعار شاعران برگزیده کشوری، ویژه مناسبت های ماه شعبان، آماده سازی شده است. این قسمت بر گرفته از اشعار شاعرانی همچون:

غلامرضا سازگار-محمود ژولیده-علی اکبر لطیفیان-حسن لطفی-قاسم صرافان-مهدی رحیمی-سید مجتبی شجاع-سید هاشم وفایی-حسین ایزدی-محمدعلی قاسمی-امیرعظیمی-جوادغفاریان
و دیگر شاعران اهل بیت عصمت و طهارت

۲ - گلچین مجالس و محافل مداحان شاخص کشوری: این قسمت برگزیده ای از مجالس مداحان شاخص کشوری ویژه مناسبت های ماه شعبان تهیه گردیده است. مجالس مداحان همچون:

۱ - حاج منصور ارضی ۲- حاج سعید حدادیان ۳ - حاج حسن خلیج ۴ - حاج مهدی سلحشور ۵ - حاج محمود کریمی ۶ - حاج محمد رضا طاهری ۷ - حاج احمد واعظی ۸ - حاج سید مهدی میرداماد ۹ - حاج سید مجید بنی فاطمه ۱۰ - حاج روح الله بهمینی ۱۱ - کربلایی حنیف طاهری ۱۲ - کربلایی محمد حسین پویانفر ۱۳ - کربلایی حسین سبب سرخی ۱۴ - کربلایی حسین طاهری و...



مجموعه فرهنگی هنری عبرات

۰۹۱۲۸۳۸۵۱۸۴

هیات

پایگاه اطلاع رسانی هیات رزمندگان اسلام

eHEYAT.com

گردآورنده:
محمدجوادپژوه

Telegram CH:
@Rahrovaneabbas
@Abarat

قابل توجه شاعران و سبک سازان آئینی

از تمامی علاقمندان دعوت می‌گردد جهت
تولید بسته شعر و سبک های
ویژه ماههای قمری جاری
آثار خود را جهت درج در این مجموعه
به نام صاحب اثر
به آدرس تلگرام @javadjm یا ایمیل
Pjavad16@gmail.com ارسال نمایند



هیات رزمندگان اسلام



مجموعه فرهنگی عبرت
۰۹۱۲۸۳۸۵۱۸۴

هیات

پایگاه اطلاع رسانی هیات رزمندگان اسلام

eHEYAT.com



گردآورنده:
محمدجوادیپژوه

Telegram CH:
@Rahrovaneabbas
@Abarat

بخش اول؛ میلاد امام حسین (علیه السلام)

فصل اول؛ اشعار منتخب

سید مجتبی شجاع

امشب حسنات می فرستد زهرا
برشيعه برات می فرستد زهرا
درهای بهشت وا شده پس حتمن
دارد صلوات می فرستد زهرا

سید هاشم وفایی

بر عرش دوباره زیب و زین آمده است
محبوب رسول ثقلین آمده است
از کنگرهٔ عرش به ذکر صلوات
گفتند حسینیان حسین آمده است

محمود ژولیده

شعبان مه با صفای خاتم باشد
میلاد سه آزادهٔ عالم باشد
نذر قدم حسین و عباس و علی
ذکر صلوات ما دمامد باشد

ابوسعید ابوالخیر

یک نیم رخت، آلت منکم بیعید
یک نیم دگر ان عذابی لشدید
بر گرد رخت نوشته یحیی و یمیت
مَن مات من العشق فقد مات شهید

علی سپهری

امشب ز دل میکده پیمانہ رسیده
جبریل خبر کرده که دردانه رسیده
هر کس که به پشت در میخانه رسیده
از زیر لبش ناله ی مستانه رسیده:

جز ساقی خود با همه بیگانه ام امشب

"زنجیر بیارید که دیوانه ام امشب"

هر کس که شده عاشق دلدار بیاید
هر غمزده ی بی کس و بی یار بیاید
گویید به هر عبد گنهکار بیاید
ابلیس طمع کرده که این بار بیاید!
فطرس به تمنای نگاهی شده راهی
پر سوخته تا درگه شاهی شده راهی

تا دیده نبی آن رخ تابنده و مه رو
گل کرده به روی لب او نغمه ی یاهو!
دل برده پسر از پدرش با خم ابرو
از یمن قدومش شده در عرش هیاهو
او مظهر تابنده ی احسان قدیم است
الحق که حسین است! رحیم است و کریم است

عاشق همه جا ذکر لبش نام حسین است
ورد سحر و نان شیش نام حسین است
چشمش که بگرید سبیش نام حسین است
اصلا همه ی تاب و تبش نام حسین است
با اسم حسین است که دردم شده درمان
با ذکر حسین است شفا بحر مریضان

هم در حرمش ذکر و دعا مست کننده است
هم تربت قبرش به خدا مست کننده است
عطر حرم کرب و بلا مست کننده است
مثل سحر صحن رضا مست کننده است
مستانه بخواید که دلدار رسیده
عشقی نبی و حیدر کرار رسیده

حسین ایزدی
فصل نوش شراب انگور است

سایه ی غم ز قلب ها دور است
کوری چشم دشمنان علی
بزم شادی شیعیان جور است
نه فقط فاطمه، علی و رسول...
آسمان، عرش، قبله، مسرور است
چقدر نور دارد این خانه...
خانه حیدر است یا طور است؟
همه ی کائنات ساجدشان...
پاسبان حریمشان حور است
چشم بد دور باد از این خانه
نگه منکر علی شور است
شب قدر است سوم شعبان
پس رسیدن به عرش مقدور است
شب میلاد حضرت ارباب
کوله بار گناه مغفور است
روی دست علی است حضرت عشق
همه گفتند: نور علی نور است
ما و درک مقام او هیبهات
سر پروردگار مستور است
خسته دل ها، کجا...؟ برگردید
او برای نجات مأمور است
نه فقط ساکنان روی زمین
فطرس و هر کسی که رنجور است...
چشمشان خیره سمت گهواره است
رحمت او چقدر مشهور است
پر شده کاسه من از برکات
حضرت عشق آمده صلوات

شب میلاد حضرت عشق است
روزی ما به برکت عشق است
ره صد ساله را رویم امشب
این عجب نه، که عادت عشق است

خاک کوی تو را به زر ندهیم
تا که در سینه غیرت عشق است
یک زیارت برات، صد حج است
این تقارن به قدرت عشق است
کس و کارم همه حسینی اند
این هم انگار نعمت عشق است
از ازل شیعه مست ارباب است
در گل ما عنایت عشق است
تا تو را دید فاطمه فرمود:
این پسر اوج عزت عشق است
این که ایران نماد شیعه شده
همه اش پای دولت عشق است
ما ز دوری کربلا مردیم...
دوری از دوست، محنت عشق است
دل ما بی قرار ارباب است
روز محشر کنار ارباب است

دل ما تا همیشه حیرانت
قلب جبرئیل هم پریشانت
ما بدون حسین می میریم
رشته ی عمر ما به دستانت
مهر تو مایه ی هدایت ما
شیعه انگار شد مسلمانان
آرزوی بهشت را نکند...
هر کسی دیده است ایوانت
ما سر سفره ات بزرگ شدیم
لب ما خو گرفته با نانت
گریه بر تو مرا نجات دهد
به فدای شکوه بارانت
دل ما غرق خشکسالی شد
دست خالی ما و احسانت
کمرم را غم تو خم کرده

روزی صدبار من به قربانت
حکمتش چیست بوسه های رسول؟
بوسه بر حنجرت و دندانانت؟
کربلا نیزه ها بجای رسول
همه کردند بوسه بارانت
خواهرت سر به محملش میزد
تا که بشنید صوت قرآنت
تا توان هست روضه می خوانیم
تا قیامت به پات می مانیم

محمد علی قاسمی
آمد از جانب حق سبط پیمبر امشب
عرش و فرش از قدمش گشت منور امشب
کوری هرچه حسود است به پیغمبر ما
آمده آیه ای از سوره ی کوثر امشب
رحمتِ واسعه اش کون و مکان را پر کرد
حاضر من به هوایش بدهم سر امشب
عاشقان میکده باز است بیایید اینجا
همگی سجده نماییم به دلبر امشب
انبیا از جلوات نگهش مست شدند
ساقی میکده باشد گل حیدر امشب
نام او حک شده در گوشه ی عرش الرحمن
نام او جلوه کند در همه جای قرآن

حضرت خضر شده خادم دربار حسین
عالمی مست شده از گل رخسار حسین
نام او مایه ی آرامش قلبم شده است
دلَم از عالمِ دَر بوده گرفتار حسین
ز ازل هر که شده عاشق زهرا ، بوده ...
..... نوکر و ریزه خور و عبد علمدار حسین
گرچه عمری است که در خانه ی او سربارم
دلخوشم من که شدم خار به گلزار حسین

امشب از یمن وجودش همه را می بخشند
آمده توبه کند بنده ی فرار حسین
ذکر و تسبیح ملائک همه جا هست حسین
ذکر العفو ، در این ماه خدا هست حسین

هرکسی بر اثر گریه به او بدبین است
بر خود حضرت ارباب قسم بی دین است
روز و شب عاشق او اهل بُکاء است بر او
روز با گریه که آغاز شود شیرین است
امشب از زمزمه ی اهل سماء فهمیدم
آن که من را دم میخانه کشیده این است...
...در دلم خوب نظر کردم و با خود گفتم
عشق من بر پسر فاطمه از دیرین است
به خدا گوشه ی شش گوشه ی او جان دادم
آنقدر حال و هوای حرمش سنگین است
عاشق صحن و سرای حرم اربابم
به همه فخر کنم بر کرم اربابم

بر درِ خوان کرم زوزه کشان می گردیم
فارغ از همه‌ی آدمیان می گردیم
مُرده ایم از گنه اما شب میلاد حسین
مثل فطرس همگی در پی جان می گردیم
هرچه خیر است فقط از طرف ارباب است
روز و شب محضر او سجده کنان می گردیم
به خدا رازق ما نیست به جز دختر او
آب در کوزه و ما تشنه لبان می گردیم
هرکسی طعنه به ما زد دم محشر بیند
دور ارباب همه سینه زنان می گردیم
آفریدند مرا تا که گدایش باشم
آفریدند سگ صحن و سرایش باشم

امیر عظیمی

باز هم شعر سر شور و تغزل دارد
دفتر من چقدر رایحه ی گل دارد
به نگاه تو قلم دست تو سل دارد
جلوه ی ذات خدایی، لک لیبک حسین
دلبر کربلایی، لک لیبک حسین

بر گل شیعه نوشتند شما اربابی
ای گل شیعه نوشتند شما اربابی
به دل شیعه نوشتند شما اربابی
دارد این زمزمه از عرش خدا می آید
لفظ "ارباب"، خدایی به شما می آید

ای که شد زائر تو، شمس و قمر، ارض و فلک
ای که هستی به سر سفره ی هر شیعه نمک
لعن شیعه: لَعَنَ اللهُ قَوْمَ قَتْلِكَ
روز میلاد شما، روز عطا و کرم است
پر قنداقه ات ارباب، گنه پوش همه است

آی ارباب، بیا پای به دنیا بگذار
روی چشمان زمین، عرش خدا، پا بگذار
سر خود را به روی دامن زهرا بگذار
جرعه ی معرفت از سینه ی کوثر، تو بنوش
شیر توحید ز انگشت پیمبر، تو بنوش

غمت ارباب، دلیل تب پیغمبرهاست
نام تو ذکر نماز شب پیغمبرهاست
لب تو بوسه سرای لب پیغمبرهاست
زینت دوش نبی، آینه دار ثقلین
تو حسینی، تو حسینی، تو حسینی، تو حسین

دست خالی من از لطف تو پر برکت شد
قلب من، خاتمه ی مهر تو شد و هیأت شد

در عبادات من این سینه زنی عزت شد
بی حسین بن علی، دل چو خسی در باد است
با حسین بن علی، سینه حسین آباد است

شیعه از روز ازل بوده نمک گیر حسین
بنده ی دلشده ی پای به زنجیر حسین
مادرت خواسته نوکر بشود پیر حسین
کار زهراست که شد شیعه ی تو، نوکر تو
من جوانیم شده، نذر علی اکبر تو

عرش نوکر، بخدا سقف همین هیأت هاست
هر کجا شیعه ی مولاست، حسینیه بیاست
داعشی کور شود، پرچم آقا بالاست
هیأتم بخشی از استان حسین است، حسین
کشورم، کشور ایران حسین است، حسین

تو که خود تشنه لب کربلایی ارباب
عطش نوکر خود را به زلالی دریاب
این که گفتند شده مهریه زهرا، آب
پس چرا نام شما تشنه لب کربلاست؟
حرم حضرت عباس چرا از تو جداست؟

جواد غفاریان

وقتی که آمدی به جهان عشق پا گرفت
آزادگی و عزت و غیرت بها گرفت
روزی که شمس طلعت رویت طلوع کرد
نورش تمام ارض و سما را فرا گرفت
وقتی قدم به عرصه ی گیتی گذاشتی
هستی ز یمن مقدم پاکت صفا گرفت
از برکت ولادت تو ای امیر جود
فطرس دوباره بال و پری از خدا گرفت
وقتی قرار شد که شود نام تو حسین

شهر مدینه عطر و بوی کربلا گرفت
روح الامین ز دیده ی خود اشک شوق ریخت
وقتی که بوسه از لب تو مصطفی گرفت
تصویری از محبت و عشق و علاقه بود
آندم که روی دست، تو را مرتضی گرفت
وقتی که ماجرای غم و غربت شنید
روز ولادتت دل خیر النسا گرفت
تا عرشیان به محضرت عرض ادب کنند
قناده ی شریف تو در عرش جا گرفت
آنروز غرق شور و شمع عالمین بود
ذکر لب ملک همه دم یا حسین بود

ای نور چشم ام اییها خوش آمدی
ای مظهر شجاعت و تقوی خوش آمدی
ای پور هل اُتی پسر کوثر نبی
یاسین و کهف و فاطر و طاها خوش آمدی
بر سر در بهشت نوشتند قدسیان
صلِّ علیک سید و مولا خوش آمدی
آید صدای حضرت حق از فراز عرش
کای صاحب اختیار دو دنیا خوش آمدی
ای جبرئیل خادم صحن و سرای تو
شش گوشه ی تو کعبه ی دلها خوش آمدی
اعجاز انبیا همه با اذن از تو بود
ای مقتدای موسی و عیسی خوش آمدی
نام تو در زمان بلا ذکر نوح شد
یوسف چو دید روی تو را قبض روح شد

ای بحر لطف و جود تو بی انتها حسین
شرمنده ی عطای تو شاه و گدا حسین
ای شاهکار خلقت و خورشید بی غروب
ای منجلی ز روی تو نور خدا حسین
آنکس که وا کند گره از کار عالمی

با یک نگاه خویش تو هستی تو یا حسین
ای در جزا و روز حساب تمام خلق
سوی تو چشم سلسله ی انبیا حسین
آنانکه در عزای تو عمری گریستند
خوانند یکصدا همه آنجا تو را حسین
امشب بیا و دست دعا را بلند کن
بهر ظهور مهدی آل عبا حسین
در سینه شوق تربت شش گوشه ام بود
کی می بری مرا تو به کربلا حسین؟
این آرزوی هر شب و روز غلام توست
در وقت جان سپردن و مرگم بیا حسین
ای نام اعظمت به زبانم علی الدوام
«ما جاء غیر اسمک فی منتهی الکلام»

تو آمدی و دلبر اهل وفا شدی
آموزگار مکتب صبر و رضا شدی
بوسه گرفت از لب تو ختم الانبیا
دار و ندار حضرت خیر النسا شدی
کم داشت خانواده ی زهرائیان تو را
تو آمدی و خامس آل عبا شدی
پیش از زمان آمدنت هم امیر عشق
خلوت نشین مادر آئینه ها شدی
آری تو با درخشش شمس جمال خویش
خورشید روز و ماه شب تار ما شدی
هر چند در مدینه دلی خوش نداشتی
اما چه شد که راهی کربلا شدی

غلامرضا سازگار
مه منور شعبان مه رسول خداست
مه مبارک میلاد سیدالشهداست
به رهروان هدایت ز حق رسیده خبر
که روی دست محمد عیان چراغ هداست
تمام دین به روی دستهای ختم رسل

و یا کتاب خدا روی سینه زهراست
به عدل و عزت و آزادی و کمال و شرف
خلاقند همه تشنه، فیض او دریاست
ملک به حسن تماشائیش، شده مبهوت
که این امام حسین است یا رسول خداست
نسیم خلد برین می وزد ز اطرافش
که بوی عطر خدا در مشام باد صباست
اگر تمام ملائک ز گاهواره او
پر دوباره چو فطرس طلب کنند رواست
نبی به طلعت زیباش خنده کرد و گریست
خدا به یمن قدمش بهشت را آراست
ز گاهواره به گودال خون نگاهی کرد
به خویش گفت که میلاد ما شهادت ماست
تمام خلقت یک لحظه بی حسین مباد
که بی حسین زمین بی کس و زمان تنهاست
به حلق تشنه و لب های خشک او سوگند
که خون او به گلستان وحی، آب بقاست
گرفت جام بلا را ز دست حضرت دوست
از آن تمام بلاها به چشم او زیباست
مگو چرا ز همه هست خود گذشت حسین
خدای داد به او هست و هست او را خواست
اگر ز بار غمش آسمان خمید چه باک
که گشت قامت اسلام با قیامش راست
وضو گرفت ز خون، پیش تیر قامت بست
که تا قیام قیامت از او نماز به پاست
همیشه حج به وجود حسین می‌بالد
که کربلاش صفا بود و مروه شام بلاست
نماز و روزه و حج و جهاد می‌گویند
حیات ما همه مرهون سیدالشهداست
به پور هند جگر خواره چون گشاید دست
کسی که رشد و نموّش به دامن زهراست
زهی جلال که در روی خون گرفته او
به چشم اهل نظر صورت خدا پیدااست

مگر نه خوردن خاک آمده به شرع حرام
چه حکمتی است، چرا تربت حسین شفاست؟
به تحت قبّه او کن بلند دست نیاز
بگیر حاجت خود را که مستجاب دعاست
همه به حشر صدا می‌زنند یا زهرا
ولی ز فاطمه آید ندا، حسین کجاست
اگر چه سوم شعبان جمال خویش گشود
بدان ولادت او ظهر روز عاشورا است
قسم به ذات خداوند قادر بی چون
که خونبهاش خداوندگار بی همتاست
تمام اهل قیامت به چشم می‌بینند
حسین با تن بی سر شفیع روز جزاست
هنوز نعمه قرآن او بلند ز نی
هنوز نعره هیهات او به اوج سماست
هنوز خنجر قاتل ز خون اوست خجل
هنوز از عطشش، شعله در دل دریاست
هنوز ناله هل من معین اوست بلند
هنوز رأس منبرش به نیزه راه نماست
هنوز پرچم گلگون او به قلعه عرش
هنوز پیکر صد چاک او به دوش شماست
حسین رهبر آزادگان به هر عصری
حسین راه نمای تمام نهضت هاست
حسین مشعل تابنده هدایت خلق
حسین مصحف نور است و آیت عظماست
حسین جان دعا، جان ذکر، جان نماز
حسین روح حرم، روح مروه، روح صفاست
گواه زنده من، ارجعی الی ربک
که بر حسین همانا خدا مدیحه سراست
حسین سوره فجر و حسین آیه نور
حسین نجم فروزان حسین شمس ضحا است
حسین زنده حق و حسین کشته حق
حسین بر همه باطل ستیزه ها مولا است
به وصف او که خدایش ثنا کند میثم

قصیده تو بود نارسا اگر چه رساست

فصل دوم؛ گلچین محافل اساتید

ترک 01- شعر^۱

چشم تو گشت و از همه ما را خطاب کرد^۲

لطفش بلند باد که کار ثواب کرد

هر کس که بندگی تو را انتخاب کرد

او را نگاه مادرت عالیجناب کرد

گفتیم بعد حضرت زهرا حسین جان

آشفته زلفم و شب طوفانم آرزوست

کنعانم آرزوست، سلیمانم آرزوست

یک بار از لب تو حسن جانم آرزوست

با خون رقم زخم که دو سلطانم آرزوست

امشب بیا بزن رگ ما را حسین جان

مست است آن که بر در میخانه ایستاد

مرد است آنکه تا ته پیمانہ ایستاد

سر نیست آن سری که روی شانه ایستاد

بر پای عشق جز تو که مردانه ایستاد

کو نیست غیر زینب کبری حسین جان

تو می رسی و با تو خبرها یکی یکی

لبخند می زنی به پسرها یکی یکی

افتاده اند پیش تو سرها یکی یکی

با ماه هاشمیت قمرها یکی یکی

عباس نوکرم شب فردا حسین جان

شعرم رسیده است به ابیات آذری

هر کیم الر محضر اقام نوکری

¹. با نوای: حاج محمود کریمی

². حسن لطفی

زهرا الر خادم عباس مادری
زینب واری نقد ابالفصل یاوری
نقش اولدی روی بیرق سقا حسین جان

ما پیر می شویم شبیه حبیب تو
امشب سلام ما به لب بی نصیب تو
ما را که کشته است صدای غریب تو
شبهای جمعه ایم پر از بوی سیب تو
جان خواستی به چشم بفرما حسین جان

ترک 02- شعر^۳

ای همه پیغمبران کنید از جا قیام^۴
نهید رو با شغف به بیت خیرالآنم
همه به ذکر و دعا همه به عرض سلام
که روی دست نبی حسین دارد مقام
مسیح در هر نفس کلیم در هر کلام
زنند دم از حسین به اشتیاق تمام
شب سرور خداست جهان پر از این نداست
ظهور نورالهدی است حسین روحی فداست

جهان اسلام بود در آرزوی حسین
رسول اکرم زند خنده به روی حسین
ام ابیها کشد شانه به موی حسین
گشوده شیر خدا دیده به روی حسین
گرفته دین آبرو از آبروی حسین
نهند پیغمبران جبین به کوی حسین
حسین فوزالعظیم حسین نور مبین
حسین عین الحیوه حسین حق الیقین

³ . با نوای: حاج محمود کریمی

⁴ . غلامرضا سازگار

نهاد پا در جهان امام عفو و کرم
ز مقدمش آمده مدینه رشک ارم
صورت زیبای او سوره ی نون و القلم
به آبرویش قسم به خاک کویش قسم
که ما نبودیم و او به ملک دل زد قدم
به هر دلی ساخته خدا برایش حرم
حسین یار دل است گل بهار دل است
به مهر او دل خوشم که عشق کار دل است

نفس از او دم از او نشاط از او غم از او
او ز رسول خدا رسول اکرم از او
تمام او از خدا تمام عالم از او
حیات عالم از او نجات آدم از او
حسین خود قلب ماست قلوب ما هم از او
منم که تا روز حشر تمام هستم از او
قعود یعنی حسین قیام یعنی حسین
سجود یعنی حسین سلام یعنی حسین

ترک 03_ شعر^۵

ای آسمان عصمت شمس الضحی مبارک
ای وسعت دو عالم نور خدا مبارک
ای انبیاء مبارک ای اولیاء مبارک
ز هرا، علی، محمد، عید شما مبارک
حق الیقین خوش آمد نورالهدی خوش آمد
بر پیکر ولایت، خون خدا خوش آمد

لبریز شد ز کوثر پیمانہ ی محمد
با دست حق شکفته ریحانه ی محمد
تابیده از دو دریا دردانه ی محمد
قرآن نهاده صورت بر شانه ی محمد
مرآت داور استی جان پیمبر استی

چشم بد از رخس دور انگار حیدر استی

آیینہ ی الہی از عرش اعظم آمد
مسجود پیش از آدم از صُلب آدم آمد
برخاتم نبوت الحق کہ خاتم آمد
روح مصور آمد جان مجسم آمد
**امشب رسول صورت از اشک شوق شوید
در موج اشک و لبخند جانم حسین گوید**

این است آن کہ خوانند پیغمبران امامش
این است آن کہ گوید ذات خدا سلامش
این است آنکہ قرآن زنده است با قیامش
این است آنکہ در عرش مشهور بود قیامش
**دوش رسول جایش بر چشم عرش پایش
کار خدا سنایش جان جهان فدایش**

اشک محبت اوست آب حیات امت
خوانند از الستش باب نجات امت
مقبول با ولایش حج و ذکات امت
مردود بی نگاهش صوم و صلاة امت
**گل بوسه های احمد گل کرده بر وجودش
عرش خدای رحمان بالیده بر سجودش**

تنهای عالم است او عالم همه سپاهش
خورشید وام گیرد از بنده ی سپاهش
پیغمبران به محشر محتاج یک نگاهش
بر کعبه می کند ناز زوآر بارگاهش
**نیل و فرات و زمزم لب تشنه ی لب او
تا حشر آفرینش مدیون زینب او**

ای رحمت هماره ای بحر بی نهایت
تو کیستی کہ داری بر انبیاء ولایت

هم کشتی نجاتی هم مشعل هدایت
از ما همه توسل از تو همه عنایت
هر چند لحظه ای دل از تو جدا نکردیم
حق ولایت را هرگز ادا نکردیم

هر چشمه پر ز اشک است یک بحر رحمت او
تا صبح روز محشر هر روز نهضت او
حور و ملک تبرک جوید ز تربت او
حتی شهادت او باشد ولادت او
اطراف حائر او می گردد استجابت
از خاک زائر او روید گل اجابت^۶

هم وجه کبریایی هم جان مصطفایی
هم جان مصطفی هم جانان مصطفایی
هم روی دست و سینه قرآن مصطفایی
هم بین حق و باطل فرقان مصطفایی
رخ وجه کبریایت آئینه ی خدایت
در عالم غریبی خلقند آشنایت

بی مهر تو عبادت غیر از زیان ندارد
بی خون حنجر تو ایمان روان ندارد
بی زخم پیکر تو اسلام جان ندارد
گر تو سخن نگویی قرآن زبان ندارد

ترک 04 - شعر^۷

تا آبشار زلف تو را شب نوشته اند^۸
مارا اسیر خال روی لب نوشته اند
در اعتکاف گیسوی تو سال های سال
مشغول ذکر و سجده و یا رب نوشته اند

^۶ .السلام علی من الاجابه تحت قبته، السلام علی شفاعه فی تربته، السلام علی من الائمه من ذریته... این سه تا سلام مخصوص ابا عبدالله است، به هیچ کس دیگه نمی شود اطلاق کرد، این سه ویژگی را خدا فقط به حسین علیه السلام داده.

^۷ . بانوای: حاج مهدی سلحشور

^۸ . غلامرضا سازگار

در محضر نگاه الهی تو مرا
در خیل نوکران مهذب نوشته اند
شبهای جمعه که دل من مست کربلاست
از اشتیاق وصل لبالب نوشته اند
با یک نگاه مادرت اینجا رسیده ایم
با این دلی که فاطمه مذهب نوشته اند
«از هرچه بگذریم سخن دوست خوش تر است»⁹
مارا فدای دلبر زینب نوشته اند
من را که بی قرار حرم می کنی بس است
اصلا مرا غبار حرم می کنی بس است

شرط نزول کوثر رحمت دعای توست
اصلاً تمام خلقت عالم برای توست
بالاتری ز درک تمام جهانیان
وقتی که انتهای جهان ابتدای توست
بی حب تو کسی به سعادت نمی رسد
رمز نجات اهل زمانه ولای توست
آسوده خاطران هیاهوی محشریم
وقتی رضای حضرت حق در رضای توست
فردوس ماست تا به ابد روضه الحسین
تنها بهشت اهل ولا کربلای توست
در آستانه تو کسی نا امید نیست
صحن امیر علقمه دارالشفای توست
از ابتدای صبح ازل فضل می کنی
ما را گدای دست اباالفضل می کنی

وقتیکه هست دوش نبی آسمان تو
یعنی تو از پیمبری و او از آن تو
فرزند خویش را به فدای تو کرده است
بسته ست جان حضرت خاتم به جان تو

⁹. مصراع ایراد وزنی دارد؛ ضمناً این مصراع، «تضمین» بیت شیخ اجل، سعدی است که به دور از اصل امانت‌داری و با تصرفی ناشایسته در آن، به این شکل در آمده است! شکل درست مصراع، چنین است: از هرچه می‌رود سخن دوست خوش تر است.

معلوم کرد نزد همه حرمت تو را
با بوسه های دم به دمش بر دهان تو
فرمود هفت مرتبه تکبیر عشق را
تا بشنود ترنم عشق از زبان تو
آوای «من أحب حسینا» وزیده است
هر روز پنج مرتبه از آستان تو
ما از در حسینیه جایی نمی رویم
هستیم تا همیشه فقط در امان تو
هر شب نشسته فطرس اشکم به راه عشق
آنجا که صبح می گذرد کاروان تو
این اشکها برای دلم توشه می شود
اذن طواف مرقد نشش گوشه می شود

از همان روز که از دامن مادر زادم
بود زخمت به جگر نعمت مادر زادم
بوده ام هیچ و همه بود و نبودم از توست
آن زمانی که نبودم به غمت دل دادم
سالها بود که در بند تعلق بودم
از زمانی که اسیر تو شدم آزادم
هرچه دارم همه از پاکی مادر دارم
رحمت حق به روانش که حسینی زادم
پیش از آنی که پدر جانب مکتب بردم
الف قامت عباس تو شد استادم

ترک 05 - سرود^{۱۰}

آی گرفتارا باز شبهه عشقه خبر بدین اربابمون میاد
دل پر از شوره، باز چه بی تابه خون خدا از آسمون میاد
عالم میمیره واسه گوشه نیگاش
دنیا یه طرف یه طرف کربلاش
اربابمه

مجنون نوشتن منه دیوونه رو هستم غلامش آخه اربابمه

تا روز محشر تو دلم جا داره خیلی میخوامش آخه اربابمه

این پسر عشقه آسمونی هاست گهواره خوابش عرش خداست
از همه برده دل با لبخندش حسینه و عشق دیوونه هاست
لطف آقامه دلسپردش شدم
صاحب کرمه کشته مردش شدم
تکلیف عاشق همیشه روشنه دل شد به نامش آخه اربابمه
سلطان عشقه همه عالم فداش خیلی میخوامش آخه اربابمه

ترک 06 - سرود^{۱۱}

بالاخره معلوم شد امشب، کی اربابمه چی بگم از عشقت، که ولله رگ خوابمه
جان آقام جان آقام من سن قربان آقام
بی سر و سامان توام یا حسین
دست به دامان توام یا حسین
آب حیات، کشتی نجات، میمیرم برات
گوش به فرمان توام یا حسین
یا حسین یا حسین

همه بدی ها قرار شد، که از بین برن تو رو آفریدن خلاق، زیر دین برن
دست مارم بگیر امیری نعم الامیر
دریای رحمت تو بی ساحله
توبه آدمم بی تو باطله
خدای تو، خون بهای تو، پس به پای تو
عرشم اگه بریزه نا قابله
یا حسین یا حسین

شلوغیه محشر که وضع همه بد میشه نوکر شما مثل برق از، صراط رد میشه
هر کی دیده میگه مثل حسین نیس دیگه
هر کی میخواد کاراش رو غلتک باشه
فقط باید حسینی مسلک باشه

¹¹. با نوای : حاج محمد رضا طاهری

خون خدا، مصباح هدی، شاه کربلا
آقا تولدت مبارک باشه
یا حسین یا حسین

ترک 07 - سرود^{۱۲}

جبرائیل گهوارتُ تکون میده عزارئیل برا تو آقا جون میده
اسرافیل میگه قیامت شده تا میکائیل صورتتُ نشون میده
گر همه صورتگران، صورت زیبا کِشند
صورت ارباب ما، از همه زیبا تر است
محتاج دعای تو می گیرم عبای تو
می میرم برای تو ارباب
دنباله صدای تو میخونه گدای تو
ای جانم فدای تو ارباب
صلی الله علیک یا ابا عبدالله

ابراهیم خلیل عاشقات شده اسماعیل ذبیح بچه هات شده
یعقوبم شوریده جمال تو یوسف هم دیوونه نگات شده
رد شدن از میکده، مست کند باده را
جام ولای حسین، از همه گیرا تر است
ای عشق خدای ما وقف تو صدای ما کوی تو
مینای ما ارباب
عشق تو برای ما اسم تو دوی ما
خاک تو شفای تو ارباب
صلی الله علیک یا ابا عبدالله

وقتیکه تو کربلا عَلم زدی با عشقت عالمی رو به هم زدی
تو قلب تموم اولیاء با اسمت اومدی و حرم زدی
مدعیان گر زنند، دعوی بالاتری
پرچم ارباب ما، از همه بالا تر است
ای دار و ندار ما ای عشق تبار ما
تا آخر کنار ما ارباب

¹². با نوای : حاج سید مهدی میرداماد

کربلا مدار ما کربلا قرار ما

کربلا مزار ما ارباب

صلی الله علیک یا ابا عبدالله

ترک 08 - سرود^{۱۳}

داره میاد بوی گل شقایق شده شب دیوونه های عاشق
منم و دل دم ساحل دریا دو سه شبه منتظر یه قایق
قایقی که مارو به دریا می کشونه ما رو به کشتی نجات می کشونه
حضرت صدیقه ی طاهره نذرت آقا وان یکاد آیه الکرسی می خونه
دارم پر رهایی تو دلم غم نداره جایی
به دور تو پر حور و پری همه مشغول گدایی
آروم و قرارم حسین بن علی ماه شب تارم حسین بن علی
دار و ندارم حسین بن علی

دارم همه ش یه آرزو تو سینم دوباره اون حرمت بینم
می خوام ازت تا که پیام ای آقا رو به روی ضریح تو بشینم
قبله نگو قبله ی من ایوون طلایه آخر آسمون همون پایین پاته
هرکی میره خونه ی بخت خوشبخت شه اما خونه ی بخت من فقط کرب و بلایه
با شهپر فرشته روی قلبم خدا نوشته
کرب و بلا نگو بگو خود خود خود بهشته
آروم و قرارم حسین بن علی ماه شب تارم حسین بن علی
دار و ندارم حسین بن علی

ترک 09 - سرود^{۱۴}

نفس بکش، تو این هوا
تو این هوای آشنا نفس بکش
مته یه سائل، که بازه دستاش
به زیر بارون دعا نفس بکش
حالا که بوی سیب، پیچیده تو فضا
تو هم بیا نفس بکش

13. بانوای: حاج سید مهدی میرداماد

14. با نوای: حاج سید مجید بنی فاطمه

ستاره بی قراره، محو یاره، تو گهواره
قمر مگه چش از حسین زهرا بر میداره
به جای گل از آسمون ببین که دل می باره
ببین چه صورتی داره
حسین جانم آقام آقام آقام

قدح بده، تو ساقیا
ز خمِ عشرت و طرب قدح بده
تو این شلوغی، به یمن نور
عزیز هاشمی نسب قدح بده
فقط نه امشب، که شب به شب میام
تو شب به شب قدح بده
همیشه حوض مهربونی تو ماهی داره
گدای خونه شما عقیق شاهی داره
رسیدنه به شهر عشقتون یه راهی داره
اونم خودِ علمداره
حسین جانم آقام آقام آقام

پرم بده، امیر من
با گوشه نگات بیا پرم بده
مئه کبوتر، تو آسمونت
بیا من تو رو خدا پرم بده
منم یه فطرسم، که پیشت اومدم
تو بیا کربلا پرم بده
شب تولدت زمین لباس نو می پوشه
یه امشب جهنم از ولادتت خاموشه
دلا چه عاشقونه پرکشیده از هر گوشه
پایین پای شیش گوشه
حسین جانم آقام آقام آقام

ترک 10 - سرود^{۱۵}

تموم کار و بارم سکه از کرم حسینیه سراغ خونم از من نگیر حرم حسینیه
ما رو عشقش آسمونی میکنه عاشقش شیرین زبونی میکنه
پیر غلاما تو حرم خوب می دونن آدم احساس جوونی میکنه
دم ذاکرش گرم، دم شاعرش گرم، دم زائرش گرم
احلا و سهلا مرحبا ایولا به کرب و بلا
حسین اربابم حسین اربابم حسین اربابم حسین جان

تموم دنیا رو گشتم نبود هیچکسی شبیه اش چی می شد که الان منم بودم کنار ضریحش
مادرم واست کنیزه یا حسین نوکریت واسم عزیزه یا حسین
خوش بحال اونیکه کفش جفت کنه یا تو هیئت چایی ریزه یا حسین
تو میخونه هستم، پیاله بدستم، از عشق تو مستم
احلا و سهلا مرحبا ایولا به کرب و بلا
حسین اربابم حسین اربابم حسین اربابم حسین جان

غلامیه حسینیه اره بر همه چی مقدم الهی زنده باشم تا شب اول محرم
عشق تو دائم به دادم میرسه از همه دنیا تو رو دارم بسه
اره من قربون رجز خونیش برم پی مرد تو نوکری چون عابسه
فدای مرامش، منم من غلامش، یه دنیا می خوامش
احلا و سهلا مرحبا ایولا به کرب و بلا
حسین اربابم حسین اربابم حسین اربابم حسین جان

ترک 11 - سرود^{۱۶}

شاهی و منم گداتم عاشقم و مبتلاتم
چجوری دیگه بگم من دیوونه کربلاتم
از تو بهتر تو عمرم ندیدم
عشقت به یه دنیا نمی دم
عشقته جوونم آقا، هیئته خونم آقا
مزه نوکریتته، زیر زبونم آقا
یا حسین جان

نون و نمکت رو خوردم خودم بهت سپردم

تا که اومدم به دنیا اسم تو رو من آوردم
آخرش حاجتم رو می گیرم
یا حسین میگم و بعد می میرم
تو زندگییم یه عمره، فقط به تو می نازم
عمری بده ببینم، مُحرمت رو بازم
یا حسین جان

می بینی که مستم آقا تو چه حالی هستم آقا
الهی به شیش گوشه ات باز برسه دو دستم آقا
سنگ تو می زنیم ما به سینه
حرف هرچی جوونه همینه
به داد من رسیدی، موقع احتیاجم
نوکریته حسین جان، منصب و تخت و تاجم
یا حسین جان

ترک 12 - سرود^{۱۷}

با چشماش دلامون صفا داد تو دنیا حسینش رو به ما داد
ایول الله عجب حالی به ما داد
بنازم قدرت خدا رو، که آفریده کربلا رو، بیره دل نوکرا
ارباب ای ارباب
شش گوشه داری و دلبری، دستای خالی رو میخری، نوکر کربلا میبری
ارباب ای ارباب
عشقت از روز اول ارباب داده هستی ما را بر باد
وقتی که مادر من آقا با اشک روضه ها شیرم داد
یا حسین یا حسین ثارالله
یا حسین یا اباعبدالله

با شوقِ دلم مجنونه امشب باز چشمام پُره بارونه امشب
حالم رو خدا میدونه امشب
شب شب دیوونه شدن و، راهی میخونه شدن و، خمار پیمونه شدن و
ارباب رسیده

بوی حسین داره میرسه، جونمه عشقمه نفسه، نوکرا غصه دیگه بسه

ارباب رسیده

امشب باز با خدای عالم می خونم از دل بی تابم

در بین همه مخلوقات ممنونم نوکر اربابم

یا حسین یا حسین ثارالله

یا حسین یا ابا عبدالله

ترک 13 - سرود^{۱۸}

امشب تو بین الحرمین خبر عشقه فاطمه مادر و علی پدر عشقه

اگه دست به دعا بگیریم قول کرب وبلا بگیریم

مثل فطرس شفا بگیریم

بخدا چی بهتر از این که زیارت بشه تضمین

زیارت شاه کربلا آرزومه آرزومه آرزومه

خدا می دونه اسم شما تو گلومه تو گلومه تو گلومه

اسفند می سوزونه برایش زینب عقيله ساقی ما رو دوست دارن از هر قبيله

بزنید نغمه ی یا هو بکشید کوچه رو جارو

شفا می خوام علمش کو

علم فرزند حیدر شیر نر مانند حیدر

الهی به زیر قدمات من بمیرم من بمیرم من بمیرم

توی ضریح قاب چشات جا بگیرم جا بگیرم جا بگیرم

از کربلا پر بگیریم راهی شیم مدینه امامی که معروف به قبله نشینه

ذکر هر روزت عشقه سحر و سوزت عشقه

نماز و روزه ات عشقه

دلّم پرنده کردی وقتی به من خنده کردی

نوای دل دیوونه ام ذکر عرفانی یا زین العباده

آرزومه یک سحر پیام تا مدینه یک سفر پای پیاده

ترک 14 - سرود¹⁹

دیوونه ی دیوونم می خونم نغمه دل آگاه السلام عليك یا ابا عبدالله

18. بانوای: کربلایی احد قدمی

19. بانوای: کربلایی حنیف طاهری

از زمین تا به ثریا تا دل سفید ابرا دشت و کوه دامن و صحرا
خشکی و جنگل و دریا هرچی که هست توی دنیا
حال مجنون حال لیلا
انگار امشب یه جور دیگند همه دارن ذکرت میگوین
گلایی که تو گلدونه صدا دونه های بارونه دل دیوونه ها می خونه
یا حسین یا حسین
دوباره شب مهتابه نور خدا داره می تابه شب تولد اربابه
یا حسین یا حسین
حسین حسین بخدا دل تو دلم نیست
حسین حسین عاشقم دست خودم نیست

دیوونه ی دیوونم می خونم نغمه ی دل آگاه السلام علیک یا ابا عبدالله
برای دلای شیدا اومده حضرت آقا به روی دامن زهرا دمیده خورشید مولا
اومده شفای دلها نغمه و دعای دلها
به هوای دیدن دلبر مرغ روح ما می زنه پر
مدینه چه گل بارونه لبای علی خندونه قناری داره می خونه
یا حسین یا حسین
نوای شب می خونه ساغر و لب پیمونه باده توی خم می خونه
یا حسین یا حسین
حسین حسین سیر نیمه نگاتم
حسین حسین من همون غلام سیاتم

ترک 15- سرود^{۲۰}

اسم تو از زبون مادرم شنیدم اربابی من به خوبی شما ندیدم^{۲۱}
نوکری تو به کل عالم نمیدم
دل دیوونه مستته که زندگیم تو دستته خاطرت برام عزیزه
غلام خونه زادتم روز و شبم به یادتم مادرم برات کنیزه
تو سر و سامونمی برکت خونمی عزیز تر از جونمی اربابم اربابم
حسین آقام آقام آقام

جوونیمو دادم و عشقتو خریدم مزه ی عشق^۲ سر سرفرتون چشیدم

20. بانوای: کربلایی حسین سیب سرخی

21. با حذف یک بند

نوکریتُ به کل عالم نمیدم
سینه زناتُ دوست دارم گریه کناتُ دوست دارم بخدا صفاتُ عشقه
هرکسی که عزیزته اونی که چای ریزته همه نوکراتُ عشقه
پائیزم بهارمی تو دار و ندارمی یه عمره کنارمی اربابم اربابم
حسین اقام اقام اقام اقام

ترک 16 - سرود ۲۲

مجنون برای لیلا، بی طاقته همیشه از تو جدا بمونم، یک ثانیه همیشه
وقتیکه قیامت بشه، من تو صف دیوونه هام
کم نمیزاره واسه من، دستم میگیره اقام
جان اقام

این تاب و تبه عشقه، می سوزم و می دونم آتیش به من حرومه، چون پای تو می مونم
روی دل من حک شده، بین همه دنیا تکی
حرف دلم می زنم، تو یکی خدا هم یکی
جان اقام

از هیبت نگاهش می لرزه تن لشکر تاریخ دیگه ندیده مثل پسر حیدر
شب شبه مراده دله، سفره کرم کامله
از خدا چی میخوایم دیگه، عشق من ابوفاضله
جان عباس

ترک 17 - شور ۳۳

بازم شب و ستاره، هوا مئه بهاره دلا پُره شراره، چشا همه خماره
میتابه از پشت ابراه، ماهِ تموم شبای من میریزه قطره قطره می از لبهای من
لبریزه اشکِ شوق امشب
از چشمای من ای آقای من دین و دنیای من
دریاب منه بی دست و پا رو ارباب بیا ببر دلا رو
مهتاب نورانی کن شبا رو ستاره ها رو

²². با نوای : کربلایی حسین طاهری

²³. با نوای : حاج محمود کریمی

بازم شب و سپیده، بازم شبه اُمیده بوی خدا رسیده، گل علی دمیده
قلب پیغمبر بیتابه برا قدم یه دُردونه توی چشمای اهل خونه جشنِ بارونه

روی نوزادی که مثل

زهرای می مونه وقتی خندونه جلوه خاتونه
بارون بیا بیار بهار و مجنون صدا کن عاشقا رو
گردون بیا ببین خدا رو جمال یار و

ترک 18- شور ۲۴

مست می ناب شدم دوباره بی تاب شدم
امشب اون شیئی که صاحب ارباب شدم
شاه و سرورم حسین صاحب کرم حسین
کاش تا نفس دارم تنها بگم حسین
منت رو سرم بذار ارباب من یه بار
تو بین نوکرا اسم منم بیار
اربابم تولدت مبارک اربابم اربابم

حضرت والا حسین عزیز زهرا حسین
میشه عاقبت بخیر هرکی باشه با حسین
اسم تو مقدسه عشقت برام بسه
حرف دلم همون حرفای عابسه
ای آب و گل و سرشت معنی سرنوشت
شیش گوشه ی توئه شیش گوشه ی بهشت
اربابم تولدت مبارک اربابم اربابم

اول و آخر حسین شفیع محشر حسین
کاش از باب قبله من سلام بدم بر حسین
کاش مارُ نگاه کنی حاجت روا کنی
باز زینبیه رُ راهش رُ وا کنی
رو دستام یه پرچمه چشمام یه زمزمه
امشب دلم پی رزق محرمه
اربابم تولدت مبارک اربابم اربابم

فطرس و ببین داره پر می گیره برگ آزادی از این در می گیره
منم از گناه پرام سوخته شده چشم من به دست تو دوخته شده

ترک 19 - شور ۲۵

من اويس قرنم دل به دریا میزنم
اهل عالم بدونن من هم اهل یمنم
شبِ میلادِ تو غوغا میکنه خدا گره هامونُ وا میکنه
کویر دلا رو دریا میکنه عالمُ به نام زهرا میکنه
دنیامون چراغونه لبهامون غزل خونه
دلهامون زیر بارونه

حق با عشق تو سرشت یا حسین آب و گلم
تا که اسم تو میاد زیر و رو میشه دلم
مسیر هدایتت دلبریه نگین ولایتت حیدریه
کار دل ما همین نوکریه نوکری دره خونت سروریه
جون من فدای تو میمیرم برای تو
بی تاب کربلای تو

قبله ام سوی حسین مستم از بوی حسین
حاجت من تو بهشت دیدن روی حسین
تا تو رو داره دلم غم نداره با تو دل ما چیزی کم نداره
دردای ما بی تو مرحم نداره مته تو رو دیگه عالم نداره
ما قطره تو دریایی ما مجنون تو لیلایی
ما مرده تو مسیحایی

ترک 20 - شور ۲۶

ای عشق شور انگیز ای شور آتش خیز
مجنون مجنونم مستونه می خونم
من با تو آرومم بی تو سرگردونم

25. با نوای : حاج محمود کریمی

26. بانوای: حاج محمود کریمی

ای عشق شور انگیز ای شور آتش خیز
تو یاس و یاسینی من محتاج و غمگین
تو ذکر جان بخش من دست بی جونم

ای عشق شور انگیز ای شور آتش خیز
تو دلدار ناز آهنگ پرواز
من بی دست و پا و درگیر زندونم

ای عشق شور انگیز ای شور آتش خیز
تو مثل بارون و من مثل پاییزم
تو مثل رویا من از حسرت لبریزم
من افتاده از پا لطفی تا برخیزم

ترک 21- شور ۲۷

امشب که شب دلدادگی و مستورگی مجنون شده
امشب ستاره از عشق حسین تا دم صبح چشمک می زنه
رو دامن طاها خوابه گل مولا لالایی زهرا یابن علی لالا
بین آسمونا بی تابن پریا میخونن یه صدا
حرومه عاشقی به جز برا حسین پیچیده تو بهشت صدای یا حسین

بی همگان به سر شود بی تو به سر نمی شود
عشق تو دارد این دلم جای دگر نمی شود
من همه دار و ندارم تویی آقا اونی که زیر پاش سر می ذارم تویی آقا
خدای عاشقا امیر عالمین خوش اومدی حسین
حسین حسین حسین
حرومه عاشقی به جز برا حسین پیچیده تو بهشت صدای یا حسین

کم کم که داره از یاد لبش حسرت به دلش زمزم می زنه
نم نم رو گلا از رایحه لبخند حسین شبنم می زنه
نور خدا اومد ذکر شفا اومد ذکر جنون ما دیوونه ها اومد
ای سرمنزله عشق شکل کامل عشق تنها ساحل عشق

دوباره شد سرم هوایی حسین رو سینه حک شده فدایی حسین

تا روز حشر رهبر آزادگیست خون جوانان او جوهر آزادگیست
خاک شهیدان او مظهر آزادگیست قامت عباس او محور آزادگیست
قتلگه ش تا ابد سنگر آزادگیست پیکر صد چاک او منظر آزادگیست
پیرو او کیست کیست کسی که آزاد زیست بنده ی درگاه او جز به خدا بنده نیست
حرومه عاشقی به جز برا حسین پیچیده تو بهشت صدای یا حسین

من مجنونم تو لیلایی من رو خاکم تو بالایی
تو زهرا و تو مولایی تو طاهرا و تو آقایی
بی تو زندگی حرومه بی تو کار من تمومه با تو بودنم تمومه
آبرومه آرزومه
خدای عاشقا امیر عالمین دوست دارم حسین
حرومه عاشقی به جز برا حسین پیچیده تو بهشت صدای یا حسین

تویی که خدای دلهایی تویی که برای همه عاشقا دنیایی
تویی که آبروی همه ماها جلوی علی و زهرایی
تویی که غمای ما رو می دونی تویی که دلای ما رو می خونی
تویی که برای ماها می مونی تویی که تویی که تویی که آقایی
خدای عاشقا امیر عالمین دوست دارم حسین
حرومه عاشقی به جز برا حسین پیچیده تو بهشت صدای یا حسین

شاه عرفات کشتی نجات جانم به فدات عالم به فدات
رو کرده خدا هرچی که داره رحمت می باره پیش قدمات
بی تو گرفتارم ماه شب تارم قلبم پریشونه از بس دوست دارم
عشق تو رو دارم سمت تاج سرم آقایی تو برم
حرومه عاشقی به جز برا حسین پیچیده تو بهشت صدای یا حسین

ترک 22 - شور 28

حسین حسین اربابم

شب میلاد تو شد در خونت بیتابم حسین حسین اربابم
تو اگه ساقی میخونه باشی شادابم حسین حسین اربابم

شه و شه زاده ای و یه نوکر نایابم حسین حسین اربابم
شبا با یاد ضریح خوشگلت میخوابم حسین حسین اربابم
حسین حسین اربابم

لایق عنایت نوکری شما شدم حسین حسین اربابم
شامل دعای خیر مادرت زهرا شدم حسین حسین اربابم
بین این خوب و بدا از کرمت سوا شدم حسین حسین اربابم
دره خونه شما راهی کربلا شدم حسین حسین اربابم

شب و روز خیره به اون عکس میونه قابم حسین حسین اربابم
تو شبای تار زندگی تویی مهتابم حسین حسین اربابم
شده کج رو به ضریح کربلا محرابم حسین حسین اربابم
خیلی آرام میگیره با اسم تو اعصابم حسین حسین اربابم

ترک 23 - شور^{۲۹}

محاله دیگه واسه ما عاشقا شبیه امشبیه پیدا بشه
واسه یه نوکر چه شبی بهتر از شب تولد اربابشه
عجب شب مبارکی تو قلب ما تو مالکی
خدا یکی، اربابم یکی
آی گرفتار حسین اومد
آی گنهکارا حسین اومد
آی گرفتار، گنهکارا حسین اومد

آتیش به من حرومه تا وقتیکه آتیش عشق تو توی سینمه
محبتت ضامن خوشبختیه عشق تو هم دنیا، هم دینمه
سر میزارم بیای تو زندگیمه برای تو
خونه من کربلای تو
تو کی هستی تو نمی دونم

من فدائیت از دل و جونم
تو دل آرومم میشی وقتی پریشونم

نمی دونم چی داره اسمت حسین شنیدنش چقدر دل می بره
تو دنیا که هوامُ داشتی آقا توی قیامت یادت نره
جونم فدات بازم کمه عشقت اگه تو قلبمه
همش بوده کار فاطمه
ای تو کشتی نجات ما
ای حیات ما، ممات ما
ای حسین جانم بده امشب برات ما

ترک 24 - شور ۳۰

حرارت توی قلبم داره میگه حسین حسین اربابم
حکایت مستی من داره میگه آقا بیا دریابم
موج دریا میخونه حسین امشب دنیا میخونه حسین
مجنون از شوق توی رویاهاش میشه لیلا میخونه حسین
تو رو دارم، چی کم دارم
دیوونه وار، سرمُ رو تربت میذارم

فرشته ها توی دنیا داد میزنن خبر خبر میلاده
توی دل پیر و جوون محبت آقای ما افتاده
شادی و غم میگه یا حسین هردو عالم میگه یا حسین
مَنْ لِي غَيْرُكَ میگه نوکرت قلبم هر دم میگه یا حسین
یه دیوونه ام، یه مجنونم
تا عمر دارم، همیشه از عشقت میخونم

آینه بندونه امشب عرش خدا چه خبره تو عالم
شب ولادت حسین بگو حسین بگو حسین ای جانم
من مستونه میخونم برات کشته من رو گوشه نجات
ای صاحب همه زندگیم من میذارم سرُ زیر پات

هوایی تم، فدایی تم
یه عمره من، که مشغول گدایی تم

ترک 25 - شور 31

دوباره دلای ما رفته سمت کربلا
کاشکی جونم بدم یه روزی برا آقا
از تموم دنیا، دل بریدم آقا تا غلامت هستم رو سفیدم آقا
دستای قلبم باز، در زده خونت رو یه نگاهی بنداز، حال دیوونه ات رو
اشکای چشمم، گوهر نابه
لیلی مجنونه، اسم اربابه

تو دلیل رحمتی آخر محبتی
میخری خوب و بد کشتی هدایتی
اومدی دل بردی، از تموم دنیا تو رو دوست دارن همه انبیا
خیلی ساله دنیا لطف می بینه همه این میگن اسم تو شیرینه
یا ابا الحرار، سید الابرار
به تو می نازه، حیدر کرار

حا و سین و یا و نون ذکر اهل آسمون
اینه تنها رجز لشکر صاحب زمون
یاد شیعه دادی، مرد غیرت باشه پا رکاب مهدی تا شهادت باشه
سر بلند آقا هر کی با تو مونده مکتب تو قلب دشمنان لرزونده
با تو ما جون، تازه می گیریم
با تو می مونیم، با تو می میریم

ترک 26 - شور 32

آی دل دیوونه و سر مست و خراب افتاده دل میون گناه از تب و تاب افتاده
دل تا همیشه تو بند عذاب افتاده
کشتی نجات به آب افتاده
با تو من طعنه بر بهار می زنم تو عشقت دنیا رو کنار می زنم

³¹. با نوای : کربلایی حنیف طاهری

³². با نوای : کربلایی محمد حسین پویانفر

شب تا صبح اسمت رو هوار می زنم
ارباب ارباب ارباب
تلاطم دارم، تبسم دارم
با هرکی میگه یا حسین، تفاهم دارم
ارباب ارباب ارباب

آی دل شوریده و شیدای عزیز زهرا دلی که کسی رو دوس نداره غیر از سقا
داره میرسه ندا بازم از عرش اعلی
احب الله من احبَّ حسینا
حک شد رو پیشونیم غلام حسین محترمم به احترام حسین
سر قفلی بهشت بنام حسین
ارباب ارباب ارباب ای جانم
عزیزم بوده، عزیزم کرده
طیب عالم با عشقش، مریضم کرده
ارباب ارباب ارباب ای جانم

ترک 27 - شور

صدای بارش بارونه یه بلبل روی گل میخونه
تپش های دل دیوونه یا حسین مولا
من از شوق می بارم یار و دلدارم
تو رو دوست دارم یا حسین مولا
اومدی بی شمار برام مزیت داری شاه والا مقام چقد تو عزت داری
آقا ارباب شدن خیلی برازندته به هزار ماشاالله چقدر رعیت داری
أنا حقیر أنت امیر یا حسین یابن زهرا

تموم کار دلبر اینه که عشق بشونه تو سینه
با اسمت کام من شیرینه یا حسین مولا
به کشتیت محتاجم غرق امواجم
تو هستی معراجم یا حسین مولا
اعتباری که نوکرت تو مردم داره واسه اینه که پای تو تلاطم داره
اگه عاشق به عشق تو نباشه دچار انگاری همیشه یه چیزی رو کم داره
أنا حقیر أنت امیر یا حسین یابن زهرا

با اینکه جام تو نشکستم ولی به عشق تو وابسته ام
میزاری دست تو تو دستم یا حسین مولا
عزیزم دلبندم با تو می خندم
به دوستیت پایبندم یا حسین مولا
پسر فاطمه است چقدر آقام ناز داره فطرس از لطفش او چه بال پرواز داره
هرچی میخوای بگیر عقب نمونی رفیق که حسین یه بابای دست و دلباز داره
أنا حقیر أنت امیر یا حسین یابن زهرا

بخش دوم؛ میلاد حضرت ابوالفضل (علیه السلام)

فصل اول؛ اشعار منتخب

ولی الله کلامی زنجانی
تو عارف اولیا شناسی عباس
تندیس وفا، صفا شناسی عباس
در گوشه پرچمت نوشتی با خون
عبدالصالح، خداشناسی عباس

ناصر شهرداری

عطری از سمت خدا دل را بهاری می کند
چشمه های نور را در سینه جاری می کند
نور فوق کل نور چهره ی خورشید و ماه
دارد امشب سینه را آینه کاری می کند
حضرت خورشید امشب ماه کامل دیده است
تا بخندد ماه او لحظه شماری می کند
بر روی این ماه سیما از برای کربلا
حضرت خورشید سرمایه گذاری می کند
تا که در دستان این زیبا پسر گیرد قرار
ذوالفقار از شوق دارد بیقراری می کند

حضرت خورشید خود را در جمال ماه دید

مرتضا شیر خدای دیگری در راه دید

محو روی دلربایش آسمانها و زمین
نیست چون او خلق را از اولین تا آخرین
نیست جای هیچ تردیدی که اندر خلقتش

آفرین باید که گفتا بر علمدار آفرین
 گر ترک بردارد امشب کعبه جا دارد بلی
 باز حیدر آمده این بار بر ام البنین
 گر یداله فوق ایدیهم علی شیر خداست
 بر یدالله است او دست خدا در آستین
 با جمالش نرخ یوسف از بها افتاده است
 او کجا و جلوه ی نور امیر المومنین
به به امشب بر حسین بن علی یار آمده
بر سپاه یوسف زهرا علمدار آمده
 خنده را آورده امشب روی لبهای حسین
 می شود آرامش امروز و فردای حسین
 نور او روشنگر راه حسین بن علیست
 اوست در هر عالمی مهتاب شبهای حسین
 از بنفسی انت مولا می شود فهمید که
 اوست مجنون اوست شیدا اوست لیلای حسین
 کربلا عشق است آری کربلا اوج است هان
 کربلا را غیر او کس نیست دریای حسین
 دیدن روی خدایی ابوالفضل علی
 کاشف الکریبست بر روی دلارای حسین
با نگاهی او دو عالم را سلیمان می کند
کافران را با نگاهی جمله سلمان می کند

غلامرضا سازگار

ای روح ائمه در وجودت	ای از همه انبیا درودت
فرزند علی! ابوالفضائل!	عالم همه بر در تو سائل
سر تا به قدم حسین دیگر	شمشیر حسین و شیر حیدر
خود میرسپاه آل هاشم	رخسار تو ماه آل هاشم
خون از رخت آبرو گرفته	عشق از نفست وضو گرفته
هر روز تو را شب ولادت	اوصاف تو بهترین عبادت
توحید و نبوت و امامت	پاینده ز توست تا قیامت
دانش زده بوسه بر لب تو	ایشاره، چراغ مکتب تو
با شیر به سینۀ تو جاری	شد علم ز دور شیرخواری

تا عرش خدا زمینه داری	تو علم پدر به سینه داری
آینه کبریا جبینت	ای دست علی در آستینت
مصباح سفینه النجاتی	تو تشنه و آب را حیاتی
زهرها شب جمعه زائر تو	ای قلب حسین حائر تو
نازد به تو علقمه ابالفضل	فرزند دو فاطمه ابالفضل
تو پشت ولی کبریایی	تو آینه خدانمایی
هر روز بود هزاره تو	عالم همه یادواره تو
این قدر و شرف مبارکت باد	مدح تو کند امام سجّاد
با خیل ملک در آسمانها	پرواز تو در همه زمانها
سرمشق همه بصیرت تو	توحید، تمام سیرت تو
لبخند به تشنگی گشودی	وقتی که میان آب بودی
در وصف تو آب، این چنین گفت	دریا به وفات آفرین گفت
لب تشنه تشنگی در آبی	حقا که تو نجل بوتراپی
داغ لب تو به قلب آب است	دریا ز غمت به پیچ و تاب است
یک لحظه ز جان و سر گذشتی	تنهانه ز آب درگذشتی
تقدیم به حجت خدا شد	دست و سر و چشم تو فدا شد
وی صحن و سرات، قبله طور	ای سوره آیه آیه نور
قرآن ورق ورق تن تو	دست همگان به دامن تو
ارث ادب بود ز مادر	میراث شجاعتت زحیدر
بگرفت ز حيله راه تو تنگ	دنیا به هزار رنگ و نیرنگ
کز جان جهان کند جدایت	آورد خط امان برایت
در یاری دوست جان فشاندی	او را ز درت به خشم راندی
تا حشر بر او برادرستی	پیوسته حسین را تو دستی
دست و سرت از بدن جدا شد	هرچند که هستی ات فدا شد
بر خلق، ره فرج گشاید	روزی که امام عصر آید
آن روز تویی بر او علمدار	می بینمت ای حسین را یار
صاحب علم امام عصری	آن روز تو با لوای نصری
از خاک تو آبرو گرفته	"میثم" به ثنات خو گرفته

غلامرضا سازگار

ای بام صبح، خورشید، ای شب، سحر مبارک

در دامن ستاره، قرص قمر مبارک

بر گلین ولایت یاس دگر مبارک

طوبی ثمر مبارک، دریا گهر مبارک
میلاذ ماه آمد، خورشید راه آمد
یوسف ز چاه آمد، میر سپاه آمد
شمشیر آل هاشم، شیر حسین و حیدر

دریای معرفت را در کف گهر ببینید
بعد از طلوع خورشید قرص قمر ببینید
شیر خدا علی را، شیر دگر ببینید
در ماه روی عباس، روی پدر ببینید
روح فتوت است این، جان محبت است این
دریای غیرت است این، سقای عترت است این
دادند بوالحسن را امشب حسین دیگر

گلبوسه ولایت، بر چشم و فرق و دستش
ناخورده شیر، دادند، پیمانۀ الستش
شد در نگاه اول، وقف حسین هستش
از اشک شوق لبریز، شد جام چشم مستش
از عشق رنگ و بو داشت، در مهد های و هو داشت
با یار گفتگو داشت انگار آرزو داشت
ناخورده شیر، گردد، قربانی برادر

امّ البنین گرفته، در دست ماهپاره
ای آسمان بیفشان، در مقدمش ستاره
آغوش یار بر او، گردیده گاهواره
گوید هزار نکته، چشمش به یک اشاره
من جان نثار یارم، سر روی دست دارم
این قلب بی قرارم، این چشم اشکیارم
از گاهواره روحم، در کربلا زند پر

در هر نی وجودم، آوای نی نوایی است
شورم همه حسینی، عشقم همه خدایی است
جانم، تنم، وجودم، دستم، سرم، فدایی است

عالم همه بدانند، عباس کربلایی است
ایثار دین و دینم، زخم است زیب و زینم
مرگ است نور عینم، من عاشق حسینم
کو مرگ تا بگیرم، او را چو روح در بر

دریای سرخ غیرت، روح وفاست عباس
خون حسین یعنی، خون خداست عباس
عشاق جان به کف راه، فرمان رواست عباس
باب الحوائج خلق، مشکل گشاست عباس
مهر و وفاش عادت، دلدادهاش عبادت
از لحظه ولادت، تا لحظه شهادت
عشق حسین در دل، شور حسین در سر

ناخورده شیر مادر، زد ساغر بلا را
در مهد ناز می‌دید، صحرای کربلا را
خوشر ز شیر نوشید، صهبای سرخ لا را
از لحظه ولادت، بشنید این صلا را
تو کشته ولایی، تو عاشق بلایی
عطشان بحر لایی، سقای کربلایی
زیبید که بوسدت دست، شیر خدا مکرر

تا حشر می‌درخشد، در موج بحر، نامت
در عین خشک کامی، دریاست تشنه کامت
حسرت برند عشاق، در حشر بر مقامت
از اولیا درودت، از انبیا سلامت
خون برادر تو، جوشد به پیکر تو
از پای تا سر تو، زهراست مادر تو
بهر شفاعت آرد، دست تو را به محشر

ای تشنه لب تو، آب حیات، عباس
باب المراد عباس، باب النجات، عباس
گردیده دور قبرت، آب فرات، عباس

خون خدات فرمود، جانم فدات، عباس
خوی حسین خویت، روی حسین رویت
چشم حسین سویت، میثم گدای کویت
لطفتم نمی گذارد، او را برانی از در

غلامرضا سازگار

صفحات امکان به هلال شعبان	ز نگاه رضوان شده دلربا تر
ز تبسم گل ز نوای بلبل	خبرم رسیده ز بهار دیگر
دو پسر عطا شد به دو مام والا	دو قمر خدا داد به رسول و حیدر
دو یم عنایت دو مه هدایت	دو بزرگ آیت دو نکو برادر
صلوات حیدر صلوات احمد	صلوات قرآن صلوات داور
به جلال هر دو به جمال هر دو	به کمال هر دو شب و روز و هر دم

به زمین اگر چه به سما اگر چه	سخن از حسین است و ولادت او
به نگاه دیگر به دو دست حیدر	بنگر به عباس و ارادت او
به اخوت او به فتوت او	به بزرگی او به سیادت او
به محبت او به مودت او	به شهامت او به رشادت او
به حقیقت او به ولادت او	به عبادت او به شهادت او
صلوات خالق صلوات مخلوق	صلوات عالم صلوات آدم

ثمر ولایت به ریاض قرآن	به گل و بهاران به شجر مبارک
به سما ستاره کند این اشاره	که طلوع خورشید به سحر مبارک
به سما مبارک به زمین مبارک	به ملک مبارک به بشر مبارک
شب عید عباس به حسین تبریک	گل روی فرزند به پدر مبارک
به ادب مبارک به وفا مبارک	به جهاد تبریک به ظفر مبارک
ادب و وفا و ظفر و جهادند	هم از او مشرف هم از او مکرم

به کدام مضمون به کدام منطق	لب خود گشاییم به ثنای عباس
نه در است قابل نه گهر مقابل	خجلم که ریزم چه به پای عباس
همه های و هویم که شده هوایی	دل بی هوایم به هوای عباس
همه کربلایم ز بلای عشقش	همه نینوایم به نوای عباس
به صفای عباس به وفای عباس	به ندای عباس به خدای عباس

که مودتش را ندهم به عالم

که محبتش را که ولایتش را

همه عمر چشمم به خیال رویش
چه شود که جامی ز نم از سبویش
من و های و هویش من و عطر و بویش
به صفای خلقش به خصال و خویش
به بهار حسنش به شکنج مویش
اگر او نگاهی فکند به من هم

همه لحظه گوشم پی گفتگوش
چه شود غباری ببرم ز خاکش
من و خاک کویش من و آب جویش
به شرار قهرش به نگاه مهرش
به جبین و دستش به دو چشم مستش
نگهم دهد جان به تمام امکان

به جهان حسین دگرت بخوانم
به کدام جرأت قمرت بخوانم
ادب و شهامت پدرت بخوانم
به رسول و زهرا پسرت بخوانم
به علی فروغ بصرت بخوانم
کمر شجاعت به تو گشته محکم

هله ای که زبید ز مقام و رفعت
تو که به زمهری، تو که به ز ماهی
به خدا که زبید به وفا و عشق و
لب خود بشویم به گلاب و آنکه
به حسین یاور به حسن برادر
شرف و ولایت ز تو جلوه کرده

تو ابوالفضائل تو گره گشائی
تو به جسم جانی تو به دل صفائی
تو شفیع امت به صف جزائی
تو محیط مهری تو بیم وفائی
تو عزیز حیدر تو پناه مائی
ز تو شعله لاله ز تو نار خرم

تو علی شمایل تو حسن خصایل
تو جهان فروزی تو به سینه سوزی
تو سپهر غیرت تو امید عترت
تو بزرگ مردی تو دوی دودی
تو امیر لشکر تو شهید داور
ز تو درد درمان ز تو زخم مرهم

که به سینه شوق حرم تو دارم
ز صفای خاک قدم تو دارم
چه غم از جحیمم که غم تو دارم
به خدا ز لطف و کرم تو دارم
دم مدح خوانی ز دم تو دارم
که برون ز کویت نروم مسلم

به خدای منان به تمام قرآن
اگرم که بر رو بود آبروئی
چه غم از نشورم چه غم از صراطم
شرف عیان را شرر نهان را
دل آسمانی گهر معانی
به ریاض حسنت به بهشت رویت

به نماز زهرا به خلوص حیدر
به صفا و مروه به منی و مشعر

به جلال داور به دل پیمبر
به حطیم و کعبه به مقام و زمزم

به حسین و عباس به زهیر و یحیی به حبیب و مسلم به علی اکبر
به سرشک طفلان به فرات خونین به رباب محزون به علی اصغر
اگرم برانی اگرم بخوانی نروم از این کو، نروم از این در
به تو سر سپردم به تو دست دادم به تو رو نهادم ز تو می زخم دم

تو که می بری دل تو که می دهی جان گهی از تبسم گهی از نگاهت
تو که روز محشر شهدا سراسر بیرند حسرت به مقام و جاهت
تو که خلق عالم شده هم گدایت شده هم غلامت شده هم سپاهت
چه شود که منت به سرم گذاری ز غبار کویت ز تراب راهت
ز کرم بخوانی من بینوا را که شی نهم رو سوی بارگاهت
بگشا خدایا ره کربلا را چه به روی عالم چه به روی (میثم)

غلامرضا سازگار

گل زهرایی باغ ولایت ، یاس آوردی
صفای بیت خیر الناس خیر الناس آوردی
تعالی الله که امشب یک جهان احساس آوردی
عروس فاطمه بنت اسد عباس آوردی
ز دریا گوهر آوردی ، به گیتی محشر آوردی
ز حیدر حیدر آوردی ، حسین دیگر آوردی
نبی فطرت علی غیرت حسن سیرت حسین سیما

به چشم دل نگاهش کن که تفسیر حسین است این
سراپا پای تا سر کل تصویر حسین است این
بنازم هیبت عباسی اش شیر حسین است این
دو تیغ ابرویش گوید که شمشیر حسین است این
جهاد و تیغ سرمستش ، جوانمردی است پابستش
علم دلداده ی دستش ، نثار راه حق هستش
نمی بندد دمی چشم از جمال یوسف زهرا

ادب را زیب و زین است این مبارک باد میلادش
پناه عالمین است این مبارک باد میلادش
علی را نور عین است این مبارک باد میلادش
علمدار حسین است این مبارک باد میلادش

ملاحظه محو گفتارش ، سماحت عکس رخسارش
شجاعت مست پیکارش ، عبادت کلّ رفتارش
جمال چارده معصوم در ماه رخس پیدا

گل عباسی است و بوی ختم المرسلین دارد
شهامت ، دست ، بازو از امیرالمؤمنین دارد
ارادت را ، ادب را ، ارث از امّ البنین دارد
بحق دست امیرالمؤمنین در آستین دارد
کرامت سائل کویش ، مروّت آبی از جویش
وفا توصیفی از خویش ، علی چون گل کند بویش
ببوسد چشم و رخسار و جبین و بازوی او را

دل از فرزند زهرا برده چشم نیم باز او
سرافرازان عالم تا قیامت سرفراز او
سروش نینوا دارد نوای دلنواز او
پیام ظهر عاشورا در آهنگ حجاز او
به لب شیر و به کف جانش ، نگه بر روی جانانش
شفاعت عهد و پیمانیش ، شهادت عید قربانش
زمام مهده ناز او به دست زینب کبری

زهی عزت زهی غیرت زهی اجلال و آقایی
نگردد جمع جز در او علمداری و سقایی
ز دریا تشنه لب آید برون با چشم دریایی
تو گویی آب هم می کرد در چشمش دل آرایی
که ای عباس من آبم ، مرا دریاب بیتابم
که کامی از لبِت یابم ، ببین از خجلتت آبم
بریز از لعل لب آبی به قلب آتش دریا

بنازم تشنه کامی را که با لبهای خشکیده
به دریا از سرشک دیده ی خود آب بخشیده
درون موج ، تصویر امام خویش را دیده
نه دست از آب شسته از حیاتش چشم پوشیده

ببین رسم اخوت را ، تماشا کن فتوت را
فتوت را مروت را ، وفا ایثار غیرت را
که دیده تشنه لب از بحر پا بیرون نهد سقا

درود آب بر عباس و بر ایثار و ایمانش
سلام بحر تا صبح جزا بر کام عطشانش
به خشم بحر توفنده ، به چشم ابر بارنده
که تا هستی است پاینده ، از او دریاست شرمنده
زهی غیرت ، زهی غیرت ، زهی ایمان ، زهی تقوا

مگر در عالم هستی دوباره حیدری آید
و یا در این جهان ام البنین دیگری آید
که چون عباس ، ثاراللهیان را رهبری آید
برای کربلا میر شجاعت پروری آید
پدر مدحت گرش گردد ، فلک دور سرش گردد
ملک خاک درش گردد ، ولایت رهبرش گردد
امامت متکی بر او شود در ظهر عاشورا

زهی هاشم که چون تو در بنی هاشم قمر دارد
امیرالمؤمنین نازد که مثل تو پسر دارد
ز ایثار تو پیش از صبح میلادت خبر دارد
بهشت وحی می نازد که با خود این ثمر دارد
کلامت آیت محکم ، پیامت منجی آدم
حریمت قبله ی عالم ، مزارت کعبه ی «میثم»
جمالت تا صف محشر چراغ روشن دلها

جواد حیدری
الا ای مادر باب الحوائج
تویی تاج سر باب الحوائج
تویی سرچشمه جود و سخاوت
که هستی مصدر باب الحوائج
بیا امشب که چشمت گشته روشن

ببر ما را بر باب الحوائج
بخوان ما را در این میلاد عباس
غلام و نوکر باب الحوائج
**بگو از این عزیز آل حیدر
بگو در مقدمش از حال حیدر**

علی بار دگر زیور گرفته
عطا از حضرت داور گرفته
بیوسد دستهای نازنیش
چو این نوزاد را در بر گرفته
اگرچه نیست زهرا هست زینب
برادر را بغل خواهر گرفته
حسین و مجتبی مدهوش اویند
که دل از هر دل و دلبر گرفته
**کریمی حسن در دستهایش
که او را ذوالکرم کرده خدایش**

کسی همپایه آن با وفا نیست
کسی مانند او اهل دعا نیست
به پیشانی نشان سجده دارد
دلی چون او گرفتار خدا نیست
به کامش ریخته علم لدنی
اگر چه اوج علمش بر ملا نیست
بدون نام او سوگند بر عشق
که نامی از حسین و کربلا نیست
«ز بس از خود نشان داده کرامت
دلیم باور ندارد او خدا نیست
**خدایی خدا در دست عباس
تمام ماسوی سرمست عباس**

مقامش در سما باب الحسین است
برای انبیاء باب الحسین است
تمام اختیار عشق با اوست

که از سوی خدا باب الحسین است
اگر از حضرت زهرا بپرسی
بگویند پور ما باب الحسین است
ز خاک علقمه گردیده معلوم
که او در کربلا باب الحسین است
چو سقا بود اما تشنه آب
«بنفسی انت» بر او گفته ارباب

حماسه آفرین کربلا اوست
امیر دومین لافتی اوست
نشد شمشیر در دستش بگیرد
عیان سازد همان شیر خدا اوست
حریم علقمه در یاد دارد
عزیز حضرت خیرالنساء اوست
بگوید مشک پاره پاره با ما
عطش گوید به عالم با وفا اوست
به وصفش این کلام آخر بیان است
عموی حضرت صاحب زمان است

فصل دوم؛ گلچین مجالس مداحان **میلاذ حضرت اباالفضل (علیه السلام)**

ترک 01 - شعر ۳۳

با نسیم سحر برای پدر می رسد این خبر برای پدر
خبر از مادری که آورده پسری گل پسر برای پدر
پسری با وجود مثل خودش با جنم با جگر برای پدر
غیر از این شیر زن که میآرد مثل این شیر نر برای پدر
چند خورشید دارد و حالا میدمد یک قمر برای پدر
مثل یک قرص ماه می ماند
خواهرش این یکاد می خواند

محو این عشق نا تمام حسین اولین حرف او سلام حسین
قصد دارد میان گهواره پیش پایت کند قیام حسین
اولین حرف مادرش این بود دین و دنیات یک کلام حسین
گفت ام البنین که آقا جان تو امیری و او غلام حسین
لبش انگار می کند تکرار ذکر لبیک یا امام حسین
به خدایش سپرده ام بنین
إِنَّه خَیْرٌ وَ نَاصِرٌ وَ مُعِیْنٌ

بی نظیر است این وزیر حسین بی نظیر است بی نظیر حسین
پای عهدی که بسته می ماند با تو تا آخر مسیر حسین
هر کجا هست سر بلند است و در کنار تو سر به زیر حسین
رو به تو در رکوع می گوید لک لبیک یا امیر، حسین
هر نفس از تو اذن می گیرد
تو بگویی بمیر می میرد

این مسیحا چقدر با ادب است ادبش ریشه دار در مثل است
جلوه دارد به طرز رفتارش هر چه آداب خیر و مستحب است
از زمین چشم بر نمی دارد تا کنار عقیده العرب است
همه جا همراه حسین است و دائماً یک قدم از او عقب است
هم غصب دارد هم آرامش جمع ازداد، جمع روز و شب است
مکه و بیت و زمزم و عرفات
کاشف الکر، کاشف الکربات

شیل مولا ابالحسن حیدر بطل است و دلیر و جنگ آور
بوده لالایی اش به کودکی اش قصه فتح قلعه خیبر
مستقر می شوند پشت سرش همه رزمنده اند او سنگر
مکتبی دارد و مریدانی جعفر و قاسم و علی اکبر
پهلوانی که از هر اسطوره یک سر و گردن است بالا تر
به پدر رفته اشجع الناس است
لا فتی سهم الارث عباس است

در صف اول مصاف است او تیغ پولاد بی غلاف است او
مرد میدان و مرد محراب او مرد شبهای اعتکاف است او

مَحْرَم زینب است و مُحْرَم او حاجی دائم الطواف است او
پرده کعبه چادر زینب پاسداری در این مطاف است او
گفته اند عالمان علم رجال که خوده عین و شین و قاف است او
قمر آسمان لاهوت است شرف الشمس و در و یاقوت است
تا که روحم در آب او حل شد
پای تا سر به دل مبدل شد

چشم وا کرد و برد دلها را قصه عاشقی «مطول»^{۳۴} شد
از عنایات فاطمه این که کار عالم به او محول شد
از تب عشق مور مور شدم دلهم آباد و هوش مختل شد
پای رفتن کجا و سرعت نور پای شل شد و عقل معطل شد
در صف زائران بماند که چند ساعت چه کس معطل شد
علم او همین که دست خداست
جایگاه خودش ببین که کجاست

شکر از دولت تو معمورم از غم و غصه امشبی دورم
مست مست و خرابم و از من راه رفتن میخواه معذورم
غیر روی تو را نمی خواهم هیچ کس را نشان مده، کورم
هر چه باشی به فکر من خوب است هر چه باشم به مهر تو جورم
گر بخواهی که از درت بروم گر بخواهم نمی رسد زورم
هر که در عشق خویش مختار است من همینم به عشق مجبورم
امشب ای یار یک عنایت کن
سر من را بگیر و راحت کن

ای فدای قد صنوبری ات در سپاه حسین رهبری ات
در صف حشر می شود معلوم جایگاه رفیع و سروری ات
فاطمی بودن تو پیدا در جلوه های شبیر و شبوری ات
بطل هاشمی فدای تو و برق شمشیر و شیر مادری ات
قبضه ذوالفقار بی تاب پنجه های قوی خیبری ات
ای شهاب زمینی صفین کشته مانده زرد حیدری ات
هر کجا عرصه دلاور هاست

نقش پیشانی تو یا زهراست

ای پناه همه حرم آقا باب حاجت، یم کرم آقا
یا ابالغوث خانه ات آباد سایه ات هست بر سرم آقا
غیر درگاه تو بمیرم هم عرض حاجت نمی برم آقا
شیر شیر خدا ولایت تو بوده در شیر مادرم آقا
یار و مولا و رهبر و عشق و ای عمو جان رهبرم آقا
از تو فرمان و از همه عالم چشم آقا، نوکرم آقا
پینه سجده هات نور بهشت
یا ابالفضل ذکر شور بهشت

می جز از جام بوتراپ نخورد بر رُخ سیرتش نقاب نخورد
با امان نامه آمدند اما او فریبی از آن سراب نخورد
در حرم هیچ کس برای مشک غصه اندازه رباب نخورد
آه.. امکان ندارد... اما او در دل آب رفت و آب نخورد
یاد لبهای خشک اصغر بود آب را روی این حساب نخورد
ماه را غرق در افق کرده
آب را مرقدش قُرُق کرده

گذاشتنش تو دست امیر المومنین شروع کرد، بند قنذاقه رو باز کرد، دستای بچه رو بیرون آورد. هی شروع کرد بوسیدن. می
بوید، هی به حسین و زینب نگاه می کرد. اشاره می کرد دست ها رو ببینید. امیرالمومنین یل می خواست، بطل می
خواست، دلاور می خواست. حالا بچه ام دستاش عیبی داره آقا؟ مگه دستای بچه ام ایرادی داره؟ نه ام البنین، شروع کرد
روضه خوندن. صلی الله علیک یا ابا عبدالله. یه روزی میاد کربلا..

ترک 02 - شعر ۳۵

خدا جلوه دارد به پیشانی تو فدای مناجات پنهانی تو
به لب آورد جان داوودها را نوای تو الحان قرآنی تو
تو بر کوهسار معارف نشستی زمین تشنه دست بارانی تو
حسینیه ای سفره دار حسینی که هر شب بود شام مهمانی تو

فراوانی از تو سلیمانی از تو مسلمانی از تو ادب دانی از تو
دعاهای روحانی از تو

به کعبه رجزخوانی از تو احادیث طوفانی از تو
روایات نورانی از تو عنایات سبحانی از تو
نفسهای رحمانی از تو و سلمانی از تو
علی گویی از تو علی خوانی از تو
دل ما و دربار سلطانی از تو
چه خوش سرفرازی چه خوش سر به زیری
امیری حسین و نعم الامیری

طلوع شکوهت بدایت ندارد کرم خانه تو نهایت ندارد
نگاه تو قبل از دعا داده حاجت به اظهار محتاج عادت ندارد
به جایی که یوسف دریده گریبان دل ما نیازی به غارت ندارد
از این محشری که به پا کرده پیداست که رنگی به پیشت قیامت ندارد

به چشم تو غیرت به تیغ تو صولت به نامت صلابت به دامن سخاوت
به بازوت قدرت به پای تو همت به دستت کرامت پری از رشادت
شهامت سعادت بصیرت محابت فتوت مروت به میدان مسلط رجزها مسمط
که از برق چشمت همه غرق حیرت تو از آل عصمت تو از بیت عترت
تو قامت قیامت علی در هدایت علی در عنایت علی در قداست
علی در مهارت

و ناد علی دارد از تو حکایت بدون تو عطری محبت ندارد
چنان سرفرازی چنان سر به زیری
امیری حسین و نعم الامیری

من از جنس شب های پر التهام که در بند گیسوی پر پیچ و تابم
اگر بر حریم حرم مستجیرم فقط با نگاه شما مستجابم
من و لطف باب الحوائج همین بس بگو با تو باشد حساب و کتابم
دعا کن حرم آیم و بر نگردم که این عشق کرده است خانه خرابم
خرابم خرابم خرابم توایی انتخابم که عالیجنابم
غم بی حسابم ز داغت کبابم و مشکت عذابم
کجایی سحابم کجایی نقابم
دل زینبیه شده قرص با تو که در سایه بیرق آفتابم
تو و سرفرازی تو و سر به زیری
امیری حسین و نعم الامیری

ترک 03 - شعر ۳۶

عشق می داند دلم شیدا تر از این حرفا هاست
دلبری دارم که بی همتا تر از این حرف هاست
حُسن روی او که در بین بنی هاشم تک است
خلق و خوی او ولی زیبا تر از این حرف هاست
من به غیر از مدح او حرفی ندارم با کسی
دشمن بیچاره اش رسوا تر از این حرف هاست
ماه هست و می فشانند نور و سگ عو عو کند
نور سیمای قمر پیدا تر از این حرف هاست
فَوْقَ آیدِیْهِمْ هَمَانِ دَسْتِ عَلمِ گِیْرِیْسْتِ کِه
تا قیامت پرچمش بالا تر از این حرف هاست
ارمنی را هم شفا داده دم اعجاز او
حضرت عباس ما عیسی تر از این حرف هاست
دشمنش از او اگر چیزی بخواهد می دهد
ای جهان آقای ما آقا تر از این حرف هاست
در کنار رود تشنه لب به خاک افتاده است
تا بفهمی که دلش دریا تر از این حرف هاست
روز محشر که شفاعت می چکد از دست هاش
فاش خواهد شد که او سقا تر از این حرف هاست

ترک 04 - شعر ۳۷

بنفسی انت ای سر تا قدم ایثار و آقای
جمالت با نگاه یوسف زهرا تماشایی
حیا را تا صف محشر حیا از گردش چشمت
خجالت می کشد از ماه زیبای تو زیبایی
گرفته در بغل امینیت دم به دم گوید
که عباس من از روز ولادت هست زهرایی
امیرالمومنین نفس نبی بوسیده دستت را

36. با نوای : حاج سید مهدی میرداماد

37. با نوای : حاج سید مهدی میرداماد

که این دست است روز رزم یک لشکر به تنهایی
تو ای سر تا قدم غیرت چه کردی در دل دریا
که بر لبهای خشکت چشم غیرت گشته دریایی
به جز تو ای علی خصلت ندارد هیچ فرمانده
مقام پاسداری و علمداری و سقایی
تو آن ماه دل افروزی که در جمع بنی هاشم
به دنبال سرت خورشید کرده راهپیمایی
تو هم باب المراد عالمی هم اشجع الناسی
تو عباسی تو عباسی تو عباسی تو عباسی

بنفسی انت ای دست علی در آستین تو
شجاعت سجده آورده است بر خاک زمین تو
کی ام من تا فدایی تو گردم ای که در وصف
بنفسی انت فرموده امام راستین تو
از آن رو سجده می بالد به خود تا دامن محشر
که نقشش مانده ای روح عبادت بر جبین تو
سزد بر خود ببالد تا قیامت ظهر عاشورا
به یاد دست و تیغ و حمله فتح المبین تو
امیرالمومنین دست خداوند است و می بیند
که جای بوسه اش مانده به دست نازنین تو
امامت پیش رو خیزد ادب پشت سرت آید
شرافت در یسار تو شجاعت در یمین تو
تو آن عبد خداوندی که در دامان گهواره
تولای حسین بن علی بوده است دین تو
اگر اذن شهادت می گرفتی از امام خود
به دشت کربلا خون می گذشت از صدر زین تو
درود تشنگی بر لب سلام آب بر خاکت
که گردد تا قیامت بحر دور تربت پاکت

سلام الله بر دستی که با آن در صف محشر
شفاعت می کند از شیعیان صدیقه اطهر
اگر زهرای مرضیه تو را فرزند خود خوانده
یقین دارم به فرزندی قبولت کرده پیغمبر

سزد جبریل هنگام نبردت ظهر عاشورا
 بر آرد از جگر پیوسته فریاد هوالحیدر
 تو داری از امیرالمومنین ارث شجاعت را
 تو بردی از همان اول ادب را ارث از مادر
 تو و بابت امیرالمومنین هستی دو ساقی
 تو سقای بیابان بلا او ساقی کوثر
 بغیر از تو که سر نشناختی از آب موج خون
 که یک لحظه به راه دوست داده دست و چشم و سر
 بسا عاشق شنیدم در همه دوران عمر خود
 خدا داند ندیدم عاشقی را از تو عاشق تر
 گرفتی چون علم بر دوش خود انگار می دیدم
 امیرالمومنین آورده رو در قلعه خیبر
 ندیده دیده تاریخ جز روز نبرد تو
 که از یک تن گریزد در صف پیکار یک لشکر
 چگونه حمله آوردی که دشمن شد ثناگویت
 سلام «میثم» بی دست و پا بر دست و بازویت

ترک 05 - شعر ۳۸

کار دارند عاشقان با شب بهترین فرصت تمنا شب
 مزد امشب نماز فردا شب من مناجات می کنم با شب
 شب مناجات می کند با ماه

سر ماه است عمامه خورشید دست ماه است نامه خورشید
 تن ماه است جامه خورشید ماه یعنی ادامه خورشید
 می شود آفتاب شب ها ماه

سر و کارم که با سحر افتاد جگر من به دردسر افتاد
 خواب در چشم ها اگر افتاد بار ما گردن قمر افتاد
 همه خوابیده اند الا ماه

تاکنار حسین ما رفتیم تا که باب الحسین را رفتیم

با اباالفضل کربلا رفتیم هر کجا رفت و هر کجا رفتیم
جلو انداخت کار ما را ماه

همه در محضرش وضو دارند از سر کویش آبرو دارند
و توسل به دست او دارند بعد ازین اهل بیت عمو دارند
چه عمومی بین سرا پا ماه

چشم هایش همان جلالش باد ماه قربان آن جمالش باد
صلوات خدا به بالمش باد شیر ام البنین حلالش باد
کیست عباس؟ کوه، دریا، ماه

بیشتر جلوه می کنی در شب می شود با تو دیدنی تر شب
وقت وصل است وقت آخر شب شب که از راه می رسد هر شب...
ماه را می کند تماشا ماه

کوچه کوچه پی گدا می گشت سنگ در دست او طلا می گشت
سایبان سه ساله ها می گشت آنقدر بین کربلا می گشت
دور زینب به جای زهرا ماه

ترک 06 - شعر ۳۹

ای چارم شعبان ز محمد صلوات
هر روز و شب از خالق سرمد صلوات
از فاطمه و حیدر و احمد صلوات
وز خون خدا آمده بی حد صلوات
دامان تو گلزار دل اهل یقین است
بوی خوشت از دست گل ام بنین است

این یاس که گل کرده به گلخانه حیدر
قرآن حسین است سر شانه حیدر
آری همه سجده به دردانه حیدر
فردوس برد رشک به ریحانه حیدر

از پاره دل برگ گل یاس بیارید
ناز قدم حضرت عباس بیارید

این قلب حسن جان حسین است ببینید
این سوره فرقان حسین است ببینید
این سرو گلستان حسین است ببینید
این ماه درخشان حسین است ببینید
این پیش بالاها سپر یوسف زهرا است
این باب مراد است و در یوسف زهرا است

گرچه صدف ام بنین را گهر است این
بر حیدر و زهرا و پیمبر پسر است این
در محفل ذریه زهرا قمر است این
یا که حسن و یا که حسین دگر است این
این است که حیدر زده گل بوسه به دستش
تقدیم بنی فاطمه گردد همه هستش

ترک 07 - شعر ۴۰

روزی شعر من امشب دو برابر شده است
چون که سرگرم نگاه دو برادر شده است
چون که بانوی کلابیه پسر آورده
چشم وا کن پدر خاک قمر آورده
هر که از قافله فطرسیان جا مانده
نظرش خیره به گهواره سقا مانده
زور بازوی تو بی حد و عدد خواهد شد
بعد از این ام بنین ام اسد خواهد شد
با وجود تو زمین حیدر دیگر دارد
کعبه جا دارد اگر باز ترک بردارد
از در خانه او پا نکشیدم هرگز
چون حسینی تر از عباس ندیدم هرگز

کاشف الکرب تویی خنده ارباب تویی
پدر خاک علی و پدر آب تویی!
ساقی ما چه شرابی چه سبویی دارد
بنویسید رقیه چه عمویی دارد
روی چشم تو بود جای حسن جای حسین
هست ما بین دو ابروی تو بین الحرمین
پیش خورشید و قمر سایه تو سنگین است
و فقط محضر زینب سر تو پایین است
وسط جنگ زمین را به زمان دوخته ای
فن شمشیر زنی را ز که آموخته ای

ترک 08 - شعر ۴۱

چه خوب شد الطاف بالا بیشتر شد
باران گرفت و خشکی لبها تر شد
چه خوب شد این روزهای آفتابی
ذکر لب نیمه شب ما یا قمر شد
دیشب حسین، امشب ابوفاضل و فردا
چه خوب این شبها دل ما در به در شد
امروز اگر با آبرویم دست من نیست
با معجزات عشق شد کاری اگر شد
بعد از نماز مغرب خورشید وقتی
شب رفت و رفت و رفت نزدیک سحر شد
آمد صدای جبرئیل از عرش بالا
ام البنین مژده که فرزندت پسر شد
از این به بعد این مزرعه ها یاس دارد
از این به بعد این روزگار عباس دارد

دیشب نشستم چشمهایت را کشیدم
پائین پایت چند تا دریا کشیدم
روح القدس، ارواح ذهنم را مدد کرد
تا عاقبت تصویری از عیسی کشیدم

پای ضریح دستهایت گریه کردم
روح خودم را تا خدا بالا کشیدم
جمعیت روی زمین را تشنه ی آب
تنها تو را در این میان سقا کشیدم
آقا اگر چه مشک تو آبی ندارد
من بین مشکت چند تا دریا کشیدم
تو از تمام آبها آبی ترینی
ماهی ولی از ماه، مهتابی ترینی

معنا ندارد ماه من بالا نباشی
بالا تر از اندازه های ما نباشی
معنا ندارد ما همه لب تشنه باشیم
عباس ما باشی ولی دریا نباشی
با اینکه نبض نیل در دست تو باشد
اما تو ای مرد خدا، موسی نباشی
تو ماهی و فرمانروای آسمانی
فرقی ندارد اینکه باشی یا نباشی
حالا که با زینب برادر می شوی تو
معنا ندارد بچه ی زهرا نباشی
تو ماهی اما مثل خورشید شبی تو
این افتخارت بس غلام زینبی تو

گفتند دریائی ولی دریا نبودی
گفتند طوبائی ولی طوبا نبودی
تنها نسیمی از نفسهایت مسیح است
گفتند عیسایی ولی عیسی نبودی
تو دستگیر عالمی و ارمنی ها
گفتند موسایی ولی موسی نبودی
دریایی و موسایی و عیسی مسیحی
تو کل اینهائی ولی اینها نبودی
باب النجات عالمین مولا ابوالفضل

یا کاشف الکرّب الحسین مولا ابالفصل

ترک 09 - سرود ۴۲

تو آسمون قمر اربابه ستاره سحر ارباب
به نوکرا خبر بدید تولد برادر اربابه
یه خدا و یه دنیا و یه آقا و یه سقا
پسر ام البنین و پسر خونده زهرا
ای جانم ابالفصل جانانم ابالفصل ضربانم ابالفصل
اگه تو یه نیگا به من کنی سلمانم ابالفصل
ابالفصل ای قمر عشیره
هرکی نمی خواد تو رو باید بره بمیره

یوسف عشق سر بازار اومد غم نخورید دیگه غمخوار اومد
پرچمدارا، علمدارا همه بیاید که علمدار اومد
یه پسر و یه دلبنده و یه دلدار و یه دلخواه
بگو که لا حول ولا قوه الا بالله
ای یارم ابالفصل سالارم ابالفصل کس و کارم ابالفصل
برا دیدن تو لحظه ها رو می شمارم ابالفصل
ابالفصل ای قمر عشیره
هرکی نمی خواد تو رو باید بره بمیره

دلیم زیر منت عباسه حاجت دادن عادت عباسه
دوای دردای همه یک قسم حضرت عباسه
یه حرم و یه لبخند و یه سوگند و یه حاجت
آرزوم اینه که بمیرم وسط زیارت
یکتایی ابالفصل دریایی ابالفصل مولایی ابالفصل
آقا تو حسین روز تاسوعایی ابالفصل
ابالفصل ای قمر عشیره
هرکی نمی خواد تو رو باید بره بمیره

ترک 10 - سرود^{۴۳}

شب مستیم امشب شب خیلی خاصه
هر چی جون دارم امشب تو طبق اخلاصه
شب قدر عاشقای رایه العباسه
سر سال عاشقیمه صد سال به این ساله یاد قدیما می خونم گاهی وقتا
صدای بارون داره میاد یکی غزل خون داره میاد
آی عاشقا خبر خبر یه پهلوون داره میاد
برای شبای دلم ماه اومده بیایید واسه دلا دلخواه اومده
وزیری که به یاری شاه اومده
اونیکه مایه ابرومه آقام ابالفصله
بابا حرف حساب یک کلومه آقام ابالفصله
آقام آقام آقام ابا الفضل

شب مستیم امشب شب خیلی خاصه
هر چی جون دارم امشب تو طبق اخلاصه
شب قدر عاشقای رایه العباسه
سر سال عاشقیمه صد سال به این ساله یاد قدیما می خونم گاهی وقتا
طپشای دل من می خونه شب ولادته پهلوونه
زمین و آسمونا رُ دلای دشمنامونُ اسم ابالفصل می لرزونه
توی شبای تنهایی من ماه دل من ماه بنی هاشمه
خدا می دونه آرزوم اینه برم حرم علمداره علقمه
بنام هیبت ابالفصل بنام غیرت ابالفصل
بنام حضرت ابالفصل می ریم زیارت ابالفصل
قمر عشیره آقام ابالفصل

شب مستیم امشب شب خیلی خاصه
هر چی جون دارم امشب تو طبق اخلاصه
شب قدر عاشقای رایه العباسه
سر سال عاشقیمه صد سال به این ساله یاد قدیما می خونم گاهی وقتا
السلام علی ساقی العطاشا قمر اومده از راه بیاید تماشا
دلُ برده غصه مرده به به ام بنین پسر آورده

⁴³. با نوای : حاج سید مهدی میرداماد

کشته منو کشته منو چشم سیاه ش
از برق نگاهش شیدا شده این دل
سقای حرم شاه کرم حامی زینب ساقی مودب جانم ابوفاضل
مجنون یاریم مایه بذاریم سقا اومده ساقی بشه مشک بیارید
گر بی قرارید پرچم بکارید اومده علمدار حسین علم بیارید

شب مستیم امشب شب خیلی خاصه
هر چی جون دارم امشب تو طبق اخلاصه
شب قدر عاشقای رایه العباسه
سر سال عاشقیمه صد سال به این ساله یاد قدیما می خونم گاهی وقتا
کسی که یاری مثل تو داره بیاره یه سر زلفت تموم عالم نداره
من مست گل یاسم سراپا احساسم
دیوونه ام دیوونه ام دیوونه عباسم

ترک 11 - سرود^{۴۴}

امشب شب دیوونگیه امشب شب عاشق شونده
امشب با ابوفاضلم و شب مستیه منه
قبله من شده پرچم و علم
پای پرچم و علم پرپر می زنم
جشن دلدادگی لحظه شادیه
همه می دونن دیوونگیمون مادر زادیه
من غلام ابوالفضلم مست جام ابوالفضلم
من بنام ابوالفضلم
رفع الله رایه العباس

روشن دیگه دنیای غمه عباس ماه شب های منه
عباس صاحب قلب منه آخه آقای منه
من به عشق نگاش دیوونه شدم
با خیال حرم بی خونه شدم
لحظه عاشقی جشن آزادیه
همه می دونن دیوونگیمون مادر زادیه

من گدای ابالفضلم من فدای ابالفضلم
خاک پای ابالفضلم
رفع الله رایه العباس

امشب دل من پر می زنه مثل سائلا در می زنه
امشب دل مجنون شده به سیم آخر می زنه
تو ابالفضلی و آقای دلم
ماه آسمونم و دنیای دلم
من خراب غمم وقت آبادیه
همه می دونن دیوونگیمون مادر زادیه
من غلام ابالفضلم مست جام ابالفضلم
من بنام ابالفضلم
رفع الله رایه العباس

ترک 12 - سرود^{۴۵}

دنیا با روی آقامون زیباست
امشب میلاده دلدار زهراست
من شیدای روی یارم سر روی پاهاش میزارم
تو سینه از عشق ساقی دل ندارم، دل ندارم
میلاده آقامون ابالفضله ترانه لبهامون ابالفضله
عشقمون، روحمون، دینمون، دنیامون ابالفضله

روزیه عالم تو دست سقاس
نحن محتاجک الدخیل عباس
عمریه مستم از جامش می دونه خیلی میخوامش
اولین چیزی که گفتم بوده نامش، بوده نامش
اشکام و لبخندم ابالفضله دلبر بی ماندم ابالفضله
اول حرفم و آخره سوگندم ابالفضله

ترک 13 - سرود^{۴۶}

⁴⁵. با نوای : حاج سید مجید بنی فاطمه

⁴⁶. با نوای : کربلایی حسین سبب سرخی

گهواره نه جای بچه شیره این نوزاد به سردار و امیره

الانه عَلم دستش بگیریه

نگاهش اسیر علیه، خیره به شمشیر علیه، پسر دلیر علیه

آقام ابالفصل

آرومه روی دست حسین، هوایی و پا بست حسین، فدایی و سرمست حسین

آقام ابالفصل

هرکس شد پا رکاب آقام تا محشر غرق عطر یاسه

یه گوشه از بهشت اعلی مخصوص روضه العباسه

یا حسین یا حسین ثارالله

یا حسین یا اباعبدالله

با عشقش دلم داره سر و کار میگرده فلک دور عَلمداره

می بوسه علی دستاش صد بار

دلادیوونه ساقیه، مست پیمونه ساقیه، قبلمون خونه ساقیه

آقام ابالفصل

یل یل یل حرمی، جلوۀ عطا و کرمی، قوت این بال و پرمی

آقام ابالفصل

بی مثل و بی نظیره عباس بازوهاش تکیه گاه عرشه

روز محشر خدا از عشقش هر چی هیئتیه می بخشه

یا حسین یا حسین ثارالله

یا حسین یا اباعبدالله

ما نسل جهاد و شور و شینیم در خط مسیحای خمینی

تا آخر پای عشق حسینیم

سید علی بده اجازه، شیعه پُره سوز و گدازه، توی بقیع حرم می سازه

آره به والله

برای دلی که بی تابه، عاشق شبای مهتابه، نوکر و جونش و اربابه

آره به والله

پیش خورشید آقای ما نور دشمن مثل فانوسه

این جمله آخرین هشداره شش گوشه برا ما ناموسه

ابالفصل

ترک 14 - سرود^{۴۷}

مشغول مدح پهلوانم بند اومده چرا زبونم می شینه بارون روی گونم

تا شعر حافظ می خونم

شاخ شمشاد قدان خسرو شیرین دهنان

که مژگان شکند قلب همه صف شکنان

یا ابوالفضل ترنم لباس یا ابوالفضل خوده ذکر شفاس

یا ابوالفضل فقط نه ذکر ما دم ارمنیاس

ای اهل جهان سید و سالار رسیده

سقای حسین میر و علمدار رسیده

علمدار رسیده

تو شیر بُران نبردی هر کی میاد تو میگی بعدی می شینه بارون روی گونم

با شعر بی نظیر سعدی

نه خود اندر زمین نظیر تو نیست که نیس

که قمر چون رخ منیر تو نیست که نیس

یا ابوالفضل ترنم لباس یا ابوالفضل خوده ذکر شفاس

یا ابوالفضل فقط نه ذکر ما دم ارمنیاس

ای اهل جهان سید و سالار رسیده

سقای حسین میر و علمدار رسیده

علمدار رسیده

مستم و بی صبر و قرارم بوسه روی علم می کارم مست شراب نخل میثم

مست یه بیت سازگارم

صورت و خال لبش مصحف حُسن ازلی ست

پدرش شیر حق، این شیر حسین ابن علی ست

یا ابوالفضل امیر مه جبین یا ابوالفضل یل ام بنین

یا ابوالفضل بگو از عمق دل بلرزه باز زمین

ای اهل جهان سید و سالار رسیده

سقای حسین میر و علمدار رسیده

علمدار رسیده

ترک 15 - سرود

ماه بنی هاشمیون همینه ماه اومده صورتشُ بینه
تک یل تک سواره همتا نداره حیدر تبارہ یا ابوالفضل
من تشنه تو سقایی تو فرزند زهرایی
به به به چه آقایی
ساقی و علمدار ابوفاضل ابوفاضل ابوفاضل

وقتی ابوالفضل علمش رو دوشه خون علی توی رگاش می جوشه
دل خوشی حرم تو شاه کرم تو تاج سرم تو یا ابوالفضل
عشقت دین و دنیا مه ذکر تو نفسهامه
صحنت توی رویامه
ساقی و علمدار ابوفاضل ابوفاضل ابوفاضل

دلہ به عشق کربلا اسیره
برات از دست شما می گیره
زدم به سیم آخر شیر دلاور عباس حیدر یا ابوالفضل
تو میدون یه سرداره سقا و علمداره
شور حیدری داره
ساقی و علمدار ابوفاضل ابوفاضل ابوفاضل

ترک 16 - سرود^{۴۸}

رو دست دریا تصویر ماهُ بین رو دست حیدر کودک ام بنین
این شبها صدای ارباب آهنگ لالایی شه
می رسه یه روز تو دنیا این آقا سقا میشه
از روز اولم با وفاست عباس عباس عباس
باب الحوائج ما سواست عباس عباس عباس

مثل باباشه پهلوونه عربه پیش داداشش بی همتا تو ادبه
می بینم دل یک خواهر خیلی خوشحاله امشب
غم دیگه نداره وقتی عباس داره زینب
هرکس پر از غم و مشکل عباس عباس عباس

ذکرش فقط ابوفاضل عباس عباس عباس

ترک 17 - شور 49

بگذار سر به سینۀ من تا که بشنوی آوازِ عاشقونه رو
بگذار سر به سینۀ من تا بهت بگم احوال این دوونه رو
گم کردم از مستی امشب راه خونه رو
ای ساقی از دستت میگیرم پیمونه رو
دلبر حسین، یاور حسین، اومده خدای عشق و حیدر حسین
از همه سره، جام کوثره، دست ساقی و امیر لشکر حسین

بگذار پا رو چشمای من تا که خونۀ تاریکم با صفا بشه
بگذار پا رو چشمای من تا که زندگیم از لطفت روبراه بشه
سر تا پام از عطر عشق تو معطره
نجوای قلبم یا عباس ابن حیدره

جون من فدات، می میرم برات، می میرم برای خاک پاک کربلات
ای پناه عشق، تکیه گاه عشق، بادبان استوار کشتی نجات

اشک من نشونۀ عشق چشای من بارون نو بهاریه
عشق من رو دیوار قلبم نشونۀ آثار بی قراریه
از عشقت توی این قلب من قیامته
ایشالله اجر این عشق من شهاده
معنی وفا، چشمۀ بقا، ای وزیر بی نظیر شاه کربلا
ماه علقمه، یا بن فاطمه، رهبر عَلم به دوش راه کربلا

ترک 18 - شور 50

این دنیا قشنگه با تو وقتی میشنوم صدا تو
مردن آرزومه آقا وقتی جون میدم برا تو
یادم دادی عاشقی رو ابالفصل یا مرگ یا تو
اونکه عشق آفرینه با زهرا همنشین

49. با نوای : حاج محمود کریمی

50. با نوای : حاج محمود کریمی

خانوم ام البنینه
 بین عقل و مستی وقتی دل جلوتره مستیمون قشنگتره
 اونکه پرچمش تو اون دنیا بالاتره عباس ابن حیدره
 دائم اسمت میارم سر رو دامت میدارم
 جز مردن برای عشقت راه دیگه ای ندارم
 رمز زندگیم همینه ابالفصل دوست دارم
 دل هامون مبتلاشه مست ایوون طلاشه
 مجنون کربلاشه
 ای لیلای دلها ای خواب و خیال من عشق تو مدال من
 ای یار قدیمی ای تو آرزوی هر روز و ماه و سال من

نورانی شد از تو مهتاب آقای دلای بی تاب
 ای ماه عزیز زینب یار بی نظیر ارباب
 خونت مرکز بهشته ابالفصل مارم دریاب
 امید عاشقایی داروی درد مایی
 از بس که با وفایی
 قلب بیقرارم دلتنگه زیارته عشق تو عبادته
 حتی توی رویا پروازم به اون حرم یک لحظه غنیمت

ترک 19 - شور^{۵۱}

نمی مونه با تو غمی حسین زهرا عشقمی
 خدا تو تقدیرم آقا، غلامی تو رو نوشت
 ضریح کربلای تو، شده شیش گوشه بهشت
 یا حسین فدای پدر و مادر توام به امام رضا همیشه نوکر توام
 یا حسین یابن الزهرا

فدای موج پرچمت چقد بگم دوست دارم
 حسین جان عشق پاک تو، گرفته کل عالم
 خدا عمری بده به من، ببینم باز محرم
 چی میشه که ببینم آقا تو کربلام رو به روم حرمته رو لبم السلام
 یا حسین یابن الزهرا

با یا حسین و یا حسن میریم به یاریِ یمن
به امر رهبرم یه روز، سعودی ها و صهیونیست
با دست انصار الحسین، میشن از دنیا سر به نیست
اونیکه یارِ ولایت‌ه عزیز ماست شهادت فقط گزینۀ رو میز ماست
یا حسین یابن الزهرا

ترک 20 - شور ۵۲

از شرم تو ای مه جبین پشت ابراست ماه زمین
سر زد ماه آل علی چشمش روشن ام البنین
ای خاک پات داروی درد باب حاجات ای مرد مرد
از عشقت عشق شد دوره گرد نور چشمات عین الیقین
چشمت روشن ام البنین

ای سقای فضل و ادب بچه شیر شیر عرب
اومد با تو شمشیر دین چشمت روشن ام البنین
ای فانی در مولای خود ای باقی در اسرای خود
تو مولا و من هم همین چشمش روشن ام البنین

ترک 21 - شور ۵۳

دل من دل‌داده به پای عشق افتاده
دل‌م خرابه اما با ابالفصل آ‌باده
عشق خود خدا اومد پیغمبر وفا اومد
لیلای دل ما اومد
مهتابم ابالفصله اربابم ابالفصله
ابالفصل علمدار یل حیدر کرار

فدای اون اسمی که به درد من تسکینه
زندگی هر چی باشه با ابالفصل شیرینه

52. با نوای : حاج محمود کریمی

53. با نوای : حاج محمد صمیمی

راهش خود سعادتہ اسطورهٔ محبتہ
دلدادہ ولایتہ
تسکینم ابالفصلہ آیینم ابالفصلہ
ابالفصل علمدار یل حیدر کرار

در خونش غوغا شد هرکی اومد آقا شد
یہ قطرہ نا قابل با ابالفصل دریا شد
محتاج کرمش منم مجنون علمش منم
دلتنگ حرمش منم
خورشیدم ابالفصلہ امیدم ابالفصلہ
ابالفصل علمدار یل حیدر کرار

ترک 22 - شور ۵۴

ساقی هر جا فکر آبه روی دستاش دریا خوابہ
ساقی ساقی
زمین و آسمونا همه گرم تماشا
به طواف روی حسینہ قنذاقہ حضرت سقا
میدونم کہ دعا مستجابہ وقت اذن
ملائک می خونن با خدائون تو آسمون
بریزید گل یاس، به گھوارہ ی عباس کہ این یار حسینہ، علمدارہ حسینہ

ترک 23 - شور ۵۵

ارتش حسین به خط، یل اصحاب اومد
یک قدم عقب تر از خود ارباب اومد
دلبر دلبرا ابالفصل بزرگ نوکرا ابالفصل
چه اصیلہ نسبش چه قشنگہ لقبش علویہ غضبش حسنیہ ادبش
یا حسینہ روی لبش
علم کشا سینہ سپر کردن رجز ها رو حماسی تر کردن
میوندارای کربلا امشب، اهل حرم رو با خبر کردن
ای اهل حرم میر و علمدار خوش آمد علمدار خوش آمد

54. با نوای : حاج سید مجید بنی فاطمه

55. با نوای : کربلایی محمد حسین پویانفر

سقای حسین سید و سالار خوش آمد علمدار خوش آمد

یکه تاز عرصه شرف و غیرته
پشت پاش روی زمین سایه عزته
تو هر چی خوبیه نمونه است مثل باباش علی بدونه است
خداییش ام البنین چی میخواد بهتر از این پسری داره چنین
مثل ماه رو زمین
یکه سوار بی بدل عباس فاتح هر جنگ و جدل عباس
وقتی علم به دس میاد میدون، همه میگن صل علی عباس
علی عباس ایول الله علم بالاس ایول الله
چقدر آقاس ایول الله دلش دریاس ایول الله

بخش سوم؛ ولادت امام سجاد (علیه السلام)

فصل اول؛ اشعار منتخب

سید هاشم وفایی
کار تو مدام رینا بود و نماز
در هر نفست عطر دعا بود و نماز
در آینه چشم توای روح دعا
تصویر پر از نور خدا بود و نماز

محمد علی قاسمی
مرغ دل باز هم غزل خوان شد
پنجمین روز ماه شعبان شد
دو سه روزی به کربلا رفت و
حال آمد دخیل سلطان شد
اول آمد سراغ خانه ی او...
...هرکسی از ازل مسلمان شد
هر که سجده نکرده بر در او
آخر از مسلکش پشیمان شد
پینه بسته است روی پیشانیش
سید الساجدین دوران شد
آنقدر کیسه روی دوش گرفت

نیمه شب ها گدا فراوان شد
از ابوحمزه های او بوده
نفس بیمار اگر که درمان شد
امشب آمد گلی به عالم که
مایه ی آبروی ایران شد
کاش بینم بقیع او مثل
بارگاه شه خراسان شد
کار او بود اگر که چشمانم
چشمه گردید و پر ز باران شد
اصلا از گریه های هرشب اوست
که به روی لبم حسین جان شد
تا چهل سال آب را دید و
روضه خوان گلوی عطشان شد
تا چهل سال اگر ذبیحی دید
مشکلش آب دادن آن شد
تا که چشمش به شیرخوار افتاد
یاد طفل رباب گریان شد
گریه های محرم از اوست
شال مشکی و پرچم از اوست

سید پوریا هاشمی
سجاده ایم پهن برای دعا شدیم
نائل به همشین شدن اولیاء شدیم
تاثیر کرد خصلت خوبان به روی ما
از یمن سجده های سحر با خدا شدیم
از دستیاف بودنمان خیر دیده ایم
پاخورده ایم و از شرفش پرپها شدیم
هر نخ زما مطهر انفاس دلبر است
با این حساب هم نفس کبریا شدیم
شکر خدا به طالعمان مهر عشق خورد
پاگیر لطف بی حد و حصر شما شدیم
اصلا چه حاجت است به آب و گلاب ها
ما پاک از طهارت این گریه ها شدیم

وابستگی به یار اثراتش مشخص است
فارغ زما چو یار شد از غصه تا شدیم
هرچند دست جمع زمین خورده ایم ما
گفتند عشق و پیش قدمهایش پا شدیم
سجاده ایم قسمت ما شور و نشین شد
یعنی که پای بوسی ابن الحسین شد

امشب مدینه حال و هوایش معطر است
از شوق چشم منتظر آسمان تر است
باران گرفت و جان دوباره به خاک داد
ابر نگاه تو چقدر سبزه پرور است
کاسه بدست ها همه از راه میرسند
باب المراد عالم و آدم همین در است
امشب به آفتاب قمر فخر میکند
در خانه ی حسین مهی جلوه گرتر است
گهواره را نگاه کنید عشق آمده
زهراست یا حسین حسن یا که حیدر است
پیغمبری چقدر برازنده اش بود
پیشانی اش تجلی نور پیمبر است
طرز نگاه کردنش آینه ی علی است
بر قاب صورتش رخ زهرا مصور است
ما از ازل ملازم خاک ره تواییم
مارا نوشته اند گدا چون مقدر است
تا چند کفر؟ باده ی ایمانیم بده
یعنی که از صحیفه مسلمانیم بده

هرکس ز عشق تاب و تبش شهره میشود
بیش از همه غم و تعبش شهره میشود
زردی رویش از اثر سجده های روز
یا اینکه سجده های شبش شهره میشود
مادر بزرگ زاده و بابا شه قریش
خیلی بجاست گر نسبش شهره میشود

مسکینک فقیرک یاریش آشناست
در بین خلق ذکر لبش شهره میشود
تا روز حشر کار ابو حمزه اش گرفت
هرکس که گشت منتسبش شهره میشود
شمشیر خطبه اش کمر شام را شکست
اینگونه تا ابد غضبش شهره میشود
نخلی که آبیاری دست کریم شد
در شهر مزه ی رطبش شهره میشود
سر میدهیم پای تو عشق است عشق عشق
عاشق دل بلا طلبش شهره میشود
تطهیر آب و ام گرفته ز طهر توست
خورشید آسمان و زمین جای مهر توست

از بس کلام معجزه دار تو نور داشت
خورشید شد هرآنکه به پایت حضور داشت
وقتی که دست و پای تو از سجده آب شد
در عرش خود خدای تو حس غرور داشت
حاجی ناشناخته ی کاروان حج
در قافله به یمن تو نعمت وفور داشت
نزدیک ها که جای خودش لطف ویژه ای
آقای خوب ما به گدایان دور داشت
جبرئیل میرسید به پابوسی اش مدام
وقتی که در نماز دم یا غفور داشت
تو حضرت کلیمی و ادعیه شاهد است
محراب خانه ی تو شباهت به طور داشت
لطف دعای نیمه شب بر همه رسید
از برکت صحیفه ی تو دین زبور داشت
زخم زبان و طعنه اگرچه زیاد خورد
ایوب آل فاطمه قلبی صبور داشت
آماده ایم رخصت افروختن بده
پروانه ایم اذن ز غم سوختن بده

اصلا چه شد که روی تو در آفتاب سوخت؟
هروقت خورد بر لب خشک تو آب سوخت
اصلا چه شد که خیمه ات آتش گرفته بود؟
در بین شعله های جهنم کتاب سوخت
پای تورا به ناقه ی رم کرده بست شمر
از کربلا به کوفه تنت زین عذاب سوخت
در گیرو دار ردشدن همسرت ز شام
آتش سراغ معجرش آمد نقاب سوخت
رجاله ها بصورتتان سنگ میزدند
از طعنه های شهر دلت بی حساب سوخت
برروی زخم گردن تو مرهمی نبود
وقتی که از حرارت سرب مذاب سوخت
دید چگونه چوب به لبهای عشق خورد
دید چگونه از غم این سر رباب سوخت
یعقوب دل شکسته چهل سال آزرگار
چشمت به یاد روضه ی بزم شراب سوخت

**گفتم رباب و روز و شبم رنگ غم گرفت
"بس کن رباب" عمه ی سادات دم گرفت**

سید محمد میرهاشمی

ای خوشا صبحدم و روی نکوی گل سرخ
ای خوشا مستی و صهبای سبوی گل سرخ
ای خوشا اهل دل و اهل مناجات سحر
چشم چون باز نمایید به روی گل سرخ
نیت آن گل شبنم زده را می دانی؟
درس تطهیر دهد آب وضوی گل سرخ
مدعی لاف زد و هیچ نفهمید چرا
بلبل دلشده مست است ز بوی گل سرخ
چشم دل باز کن و گوشه ی محشر بنگر
نافله خواندن عشاق به سوی گل سرخ
**این گل سرخ که دل با غم عشقش شاد است
پسر حضرت عشق است همان سجاد است**

او همان غنچه ی عشق و گل دلخواه دعاست
او همان سالک و رهپوی گذرگاه دعاست
پر تلاطم دلش از واقعه ی کرب و بلاست
پر ترنم لبش از زمزمه و آه دعاست
نور او جلوه نما در همه ی ارض و سماست
شمس رخشان ولایت بود و ماه دعاست
اولین درس دبستان صحیفه این است
رستگاری بشر در گذر راه دعاست
پدرش خون خداوند و خودش عشق خداست
پدرش شاه شهید است و خودش شاه دعاست

خیز از جا و بیا عیدی میلاد بگیر کربلا و نجف از حضرت سجاد بگیر

شب قدر است عجب موی سیاهی دارد!
دل حق برده عجب برق نگاهی دارد!
وه چه دشمن شکن است اشک شبانگاهی او
اشک سرباز وی است ، وه چه سپاهی دارد!
دستگیر دل افتاده به چاه گنه است
چه غمی آنکه چنین پشت و پناهی دارد
هر که شد خادم او اذن دو عالم دارد
هر که شد سائل او منصب شاهی دارد
آنکه شد نوکر سجاد به میزان جزا
چه حساب و چه کتاب و چه گناهی دارد ؟
**ما که دیوانه ی عشقیم و ز غم آزادیم
بنده ایم و همه در ذکر هوالسجادیم**

بشریت به تو مرهون ، پسر ثارالله
معنویت به تو مدیون ، پسر ثارالله
لیلی کرب و بلایی دل عشاق تویی
همه دلها به تو مجنون ، پسر ثارالله
هر که غافل ز تو و عشق تو شد سود نکرد

شده بی یاد تو مغبون ، پسر ثارالله
هر که در راه زیارت بدهد جان ، زده است
جرعه ای زان لب میگون ، پسر ثارالله
در مصیبات تو و عمه ی تو جا دارد
دل مهدی بشود خون ، پسر ثارالله
ما ز درگاه تو تاثیر دعا می خواهیم
فرج منتقم آل عبا می خواهیم

تو همانی که خودت اوج دعا را دیدی
زیر شمشیر شیاطین تو خدا را دیدی
چشم تو چشم خدایی است که در اوج عطش
سر نیزه سر پاک شهدا را دیدی
سوخت قلب تو از آن لحظه که در بارش تیر
دست و مشک و علم شاه وفا را دیدی
بین مقتل گل گلزار بقا را دیدی
بین آتش حرم آل عبا را دیدی
در کنار بدن بی سر شاه شهدا
مو پریشانی ام النجبا را دیدی

حق همین بود که جان سوخته ی تب بودی

زائر روی کتک خورده ی زینب بودی

رضا اسماعیلی

نذر تو کردم دلم را ، مولای من ! بار دیگر
از کوچه باغ دل من ، ای روح آئینه بگذر
امروز ، روز بهشت است ، عطر تو می بارد از عرش
از عطر ناب حضورت ، شد آفرینش معطر
هستی ز نورت جوان شد ، خورشید در آسمان شد
شد فجر صادق شکوفا ، شب شد ز نور تو پرپر
رفت از جهان بوی پاییز ، آمد بهاری دل انگیز
در ذهن خاک سترون ، شد باغ مینو مصور
ما را اجابت کن ای عشق ، ای قبله گاه ملایک!
ما را اجابت کن ای عشق ، سجاد ، نور مطهر

تبریک یاران سحر شد ، خورشید دین جلوه گر شد
نور خدا منتشر شد ، در این جهان بار دیگر

محسن عرب خالقی

نشیب های دل من فراز می خواهد
فراز اشک مرا در نماز می خواهد
مؤید است به روحُ القُدس قلم اما
برای شعر سرودن نیاز می خواهد
برای سفره ی بازش نیامدم اینجا
گدای این در، آغوش باز می خواهد
اگر چه این دو شب از جام کربلا مستم
دلَم دوباره شراب حجاز می خواهد
پیاله ای بدهیدم که دم زخم حق را
دوباره زنده کنم قصه ی فرزدق را

نسیم پنجم شعبان ز راه آمده است
صدای پای بهاران ز راه آمده است
بین بدون پیمبر بدون جبرائیل
دوباره آیه ی قرآن ز راه آمده است
میان بیشه شیران هاشمی امشب
غزال عرصه ی ایمان ز راه آمده است
فقط نه اینکه ز راه آمده عزیز عرب
عزیز دختر ایران ز راه آمده است
شب تولد فرزند شاه دختر ماست
زبان مادری او زبان کشور ماست

کسی که شد ششمین نور سوره انسان
کسی که خسته شد از سجده های او شیطان
کسی که هست تجلی پنج تن در او
کسی که شد پدر هشت قبله ی ایمان
کسی که با نفس یک غلام ساده ی او
نفس گرفته زمین مدینه از باران

کسی که موقع انفاق بین سائل ها
ملقب است دل شب به صاحب انبان
به حق او حجر الاسودی شهادت داد
که جز به حق علی وا نکرده است دهان
به حیرت است کنار حجر دو چشم هشام
ز اهتمام خالایق به احترام امام

بخوان که ضبط کند آسمان صدایت را
صحیفه پخش کند بعد این نوایت را
برای این که بخوانیم «لا تؤدبنی»
بخوان برای ابوحمزه ها دعایت را
تو با زبان خدا حرف می زنی آخر
چگونه یاد بگیریم ربنایت را
بیا و بعد دعا روضه هم بخوان آقا
بیا و شرح بده داغ کربلایت را
بیا بگو چه کشیدی تو در چهل منزل
بگو که بست به زنجیر دست و پایت را
کسی که حرف خدا و کتاب می آورد
کنار یک سر تشنه شراب می آورد

عباس احمدی
نسیم آمد این بار از خوش مسیری
رساند به ما مژده ی دلپذیری
خبر خوش خنک کرد کام زمین را
بهاری شد این خطه ی گرمسیری
به یک خانه ی ساده کنج مدینه
چه زائرسرای چه مهمانپذیری
به دامان شه بانویی آسمانی
چنین مادر پاک و روشن ضمیری
به ارباب دلها خدا هدیه داده
چه شمس الضحایی چه ماه منیری
اماما تو خود زینت عابدینی

پناه و امید صغیر و کبیری
کریمی، عزیزی، امیری، بزرگی
امامی، رئوفی، صبوری، بصیری
تو خود خانه ی کعبه را مستجاری
به درگاه ایزد اگر مستجیری
تو عطر اقاقی در این خاکدانی
تو گرمای عرفان در این زمهریری
تو بُغض غریب دعای کمیلی
تو روح بلند دعای مجیری
مقام رفیع تو را غبطه خوردند
همه کهکشانهای این راه شیری
تو دریای صبری، تو موج وقاری
تو علم لدنی، تو خیر کثیری
تو سبزینه ی برگ شاداب عصمت
تو خود میوه ی بوستان غدیری
دعا را تو یاد ابوحمزه دادی
چه می شد که دست مرا هم بگیری
زبور است آری بر آل محمد
کتاب صحیفه به آن بی نظیری
تو سیراب سرچشمه های دعایی
تو از باده ی سرخ سجاده سیری
معلم تویی؛ از تو آموخت شیعه
ولایت مداری ولایت پذیری
به وقت خطابه بسی سربلندی
به گاه عبادت گهی سر به زیری
جسارت نباشد سؤالی پیرسم
چرا در جوانی بدین مایه پیری
چهل سال گریه تو را پیر کرده
چرا چلّه ی اشک باید بگیری
تویی یادگار غم اهل خیمه
تویی دفتر خاطرات اسیری
تو با دست بسته به همراه زینب
رسالات خون خدا را سفیری

تو تب کردی و صبر کردی و گفتی:
حسینُ امیری و نعم الامیری
نشد تا که در بزم نامردم شام
سر خویش یک لحظه بالا نگیری
به جالوتیان سنگ داود بودی
خوشا این شجاعت، زهی این دلیری
اماما مدد کن به صحرای محشر
ز ما استغاثه ز تو دستگیری
گدای شمایم که تقدیرم این شد
تو را شاهی و نوکران را فقیری

سید هاشم وفایی

ای که خورشید جمالت پرتو افشانی کند
عالمی را جلوه ات زیبا و نورانی کند
تو همان خورشید تقوائی که عرش و فرش را
از فروغ و جلوه تو حق چراغانی کند
جای دارد رهگذارت را ز گلهای بهشت
جبرئیل از عالم بالا گل افشانی کند
ای بهشتی رو عجب نبود اگر رضوان خلد
از جنان گرد سرت اسپند گردانی کند
می زند لبخند بر رویت حسین بن علی
تا تماشا در رخت آیات قرآنی کند
امشب از یمن قدوم با شکوه تو حسین
هر کجا سائل بود دعوت به مهمانی کند
زینت عبادی و شایسته باشد تا خدا
نام زین العابدین را بر تو ارزانی کند
شب همه شب بر دعا و نغمه ات مرغ سحر
گوش جان را می سپارد تا غزلخوانی کند
سر زند از چشم تو تا عرش یک رنگین کمان
هر زمانی دیده ات را اشک بارانی کند
هیچ کس را با چنین تقوا ندیدم غیر تو
سجده های خویش را اینقدر طولانی کند
ای شهید زنده جز تو کیست بعد از کربلا

تا از این گلشن به اشک خود نگهبانی کند
شمع جمع محفل امروز مائی و ز ما
غیر تو فردا چه کس رفع پریشانی کند
کوثر توفیق می خواهد ز درگاه خدا
تا «وفائی» درمدیح تو ثنا خوانی کند

ولی الله کلامی زنجانی

مژده ای شیعه که باشد شب میلاد امشب
پا نهاده به جهان حضرت سجاد امشب
شهریانو بکند فخر به نسوان جهان
که خدا طرفه گلی ناز به او داد امشب
مرحبا پنجم شعبان شد و روز صلوات
زین بشارت دل عشاق بود شاد امشب
ای گدایان به در حضرت زهرا بروید
عیدپانه دهد آن مادر عباد امشب
کاخ ظلم از برکات قدمش ویران امشب
خانه آل امیه شده بر باد امشب
دوش رو بر به سجاد ((کلامی)) می گفت
باد ای ساجد حق خانه ات آباد امشب

علی اکبر لطیفیان

هر دیده ای به دیده ی گریان نمی رسد
فصل خزان به فصل بهاران نمی رسد
در بین گریه حاصل ما رشد می کند
باران بدون سیل به پایان نمی رسد
یک جا اگر تمامی خلقت گدا شود
نقصی به آستان کریمان نمی رسد
روزی ما کم است که مصحف نخوانده ایم
عیب از کریم نیست که مهمان نمی رسد
بفرست سمت دشت غلام سیاه را
یک چند وقتی است که باران نمی رسد
کیسه به دوشی تو اگر کار هر شب است
این پینه های شانه به درمان نمی رسد

ما مستمند کیسه ی خیراتی توایم ذاتاً فقیر آن کرم ذاتی توایم

آقای من! حریم تو از عرش برتر است
با این که خاکی است، بهشت معطر است
عادت نموده ایم به این گنبدی که نیست
حیف از حریم تو که بدون کبوتر است
با تربت حسین به «تسبیح» می رسیم
این تربت حسین عجب بنده پرور است
اول فدایی قدمت مادر تو بود
پس مادرت به تو ز همه با وفاتر است
تو یادگار فاطمه بودی برای او
حالا که شد فدای تو عالم فدای او

یعقوب کربلا! چه قدر گریه می کنی
از صبح زود تا به سحر گریه می کنی
یعقوب را که غصه ی یوسف شکست و تو
داری برای چند نفر گریه می کنی
وقتی که چشم هات می افتد به معجری
حق داری ای عزیز اگر گریه می کنی
از صبح تا غروب فقط نیزه می زدند
داری به «قتل صبر» پدر گریه می کنی
چشمت چرا ضعیف شده بی رمق شده
یعقوب کربلا چقدر گریه می کنی؟!
**با دیدن اسیر کجا می رود دلت؟!
با دیدن فقیر کجا می رود دلت?!

فصل دوم؛ گلچین مجالس مداحان ولادت امام سجاد (علیه السلام)

ترک 01 - شعر ۵۶

باز در بحر ولایت گوهری پیدا شد
ابر یک سو شد و قرص قمری پیدا شد
گلشن عشق و امید پسر فاطمه را
الله الله چه مبارک ثمری پیدا شد
یک صدا خنده زنان اهل سماوات و زمین
همه گفتند حسین دگری پیدا شد
یا حسین ای پسر فاطمه چشمت روشن
ذکر و تسبیح و دعا را پدر پیدا شد
یم توحید به جوش آمد و در دامن آن
صدفی گشت عیان و گوهری پیدا شد
همه خوبان جهان یک سره کردند اقرار
که ز خوبان جهان خوب تری پیدا شد
روی حق، روی نبی، روی امامان یک سر
همه در صورت زیبا پسری پیدا شد
مژده ای اهل تولی شب میلاد آمد
جان بگیرد به کف حضرت سجاد آمد

سوره نور حسین ابن علی سیمایش
دو جهان شیفته حُسن جهان آرایش
چشم مادر به تماشای جمالش روشن
جای گل بوسه بابا به همه اعضایش
نقش فرقان محمد خط و خال و حُسنش
جای پیشانی جبرئیل به خاک پایش
شجر نور بود آیتی از جلوه رخ
ملک العرش بود بنده و او مولایش
این همان سوره طور است و کتاب مسطور
که بود قلب حسین ابن علی سینایش
پای داود پیمبر به زمین می چسبد
گر به هنگام تضرع شنود آوایش
پای تا سر قد و بالای علی را ببند

چشم بابا به تماشای قد و بالایش
 نور بر عرش کند سر ز مناجات شبش
 روح بخشد بر وی با دم روح افزایش
 معنی پنج کتاب است نهان در نفسش
 چهارده سوره نور است رُح زیبایش
 به جلال و شرف و قدر ندارد همتا
 در همه عالم چون خالق بی همتایش
نه عجب عالم اگر گردد فرمان بر او
ابر بارد به مناجات غلام در او

رفت گفت آقا جان. یدونه از غلاما تو می خوام. پول هم آوردم بخرم. فرمود می بخشم. همه رو آوردن. عرض کرد آقا جان ما بین این ها نیست. فرمود کس دیگه رو هم داریم؟ عرض کردن آقا تو اصطبل یه نفره، حیوان ها رو تیمار میکنه. فرمود بیاریدش. تا اومد این مرد دگرگون شد. گفت آقا همین رو میخوام. حضرت فرمود از امروز غلام این آقای. چشم آقا. بیرون اومدن بغض کرد. قدری از خونه دور شدن گریه اش گرفت. آی مرد چی شد منو از اربابم جدا کردی؟ گفت اشتباه متوجه شدی. من تو رو نیاوردم غلامم باشی. تو رو آوردم از امروز تو ارباب باشی من غلام.

ترک 02 - شعر ۵۷

نغمه سر کن که جان دین آمد حضرت زین العابدین آمد
 عین حق ار فروغ عین است این علی دوم حسین است این
 این پسر یادگار پنج تن است شمع محفل فروز انجمن است
 دل نورانی اش یم رحمت هر دو چشمش دو زمزم رحمت
 بوسه های دعا به لعل لبش گشته بر دور سر نماز شبش
 روح و ریحان سید الشهداست این پسر جان سید الشهداست
 لطف عادت، کرم وظیفه او کل توحید در صحیفه او
 سخنانش همه اخ القرآن سر به سر نور و سر به سر برهان
 وحی منزل نهفته در نگه اش وحی ساعد دعای شام گه اش
 این گل سرخ دامن زهراست بعد بابا امام عاشوراست
 کعبه عابدین سلام سلام سید الساجدین سلام سلام
 قطب عرفان و قبله ایمان جان دین و حقیقت قرآن
 یوسف یوسف رسول الله جان شیرین سید الشهدا
 خون خون خدا به رگهایت شاهدم خطبه های غرابت
 از دهان تو بانگ یا سبوح می دهد بر تن عبادت روح

ای مسیح دعا دعای مسیح ای نفسهات خوش تر از تسبیح
 تو به عرش جلال قائمه ای تو حسین حسین فاطمه ای
 پنج میقات و چار رکن و حرم حجر و مروه و صفا زمزم
 به مقام تو عارفند همه ز جلال تو واقفند همه
 هر گیاهی به مدح اهل البیت دعبل است و فرزدق است و کمیت
 حج کعبه طواف خانه توست رکن خشتی ز آشیانه توست
 حجر الاسودت سلام کند بر کف دستت استلام کند
 وارد مسجد الحرام شدی بهتر از کعبه احترام شدی
 کعبه و خیل حاجیان به مطاف همه دور سرت به حال طواف
 پور عبد الملک از این تجلیل ایستاده بسان عبد ذلیل
 نرهی تا که استلام کند نه کسی از وی احترام کند
 مانده بر جای خویشتن چو جسد بر دلش سخت خورده تیر حسد
 عربی از هشام کرد سوال این که باشد؟ بدین مقام و جلال
 با تجاهل به سوی او نگریست گفت شناسمش ندانم کیست؟!
 شد فرزدق خروش سر تا پا جست از جای خود سپند آسا
 خواند در شأن یوسف زهرا با فصاحت قصیده ای غرا
 گفت هی هی تجاهلت از چیست گوش کن تا بگویمت این کیست
 حجر و رکن و زمزم و میقات مروه سعی و صفا، منا، عرفات
 کوه های حجاز سر تا سر همه ریگ های در محشر
 مستجار و مقام و حجر و حطیم مکه تا هر کجا که هست حریم
 ناودان و مطاف و شازربان کل حجاج بیت پیر و جوان
 جبل الرحمه، خیف، غار حرا میشناسند یک به یک او را
 همه دل بر ولایتش بستند در مسیر هدایتش هستند
 این فروغ حقیقت ازلی ست این جگر گوشه نبی و علی ست
 دل مومن پر از محبت اوست نص حکم خدا مودت اوست
 به تولای او گرفته حیات حج و صوم و صلوات، خمس و زکات
 این گل سرخ گلبن زهراست میوه قلب سیدالشهداست
 گرم از بزل او گرم گشته حرم از فیض او حرم گشته
 از دم او دعا کند پرواز بی ولایتش قبول نیست نماز
 حجت حی سرمدش خوانند گل باغ محمدش خوانند
 حق فرستاده در همه اوقات به آب و جد و مادرش صلوات
 این خداوند را ولی ست نام نیکوی وی علی ست
 تا جهان بوده است و خواهد بود به فرزدق درود باد، درود

سینه خصم را نشانه گرفت چوبه دار خود را به شانه گرفت
بین دشمن سرود مدح امام میثمش می دهد همواره سلام

ترک 03 - شعر ۵۸

حق پرستی، می و سبو سجاد حق معماست، رمز او سجاد
در همین گاهواره میگیرد با همین اشک ها وضو سجاد
چشم از عباس بر نمیدارد آمده عاشق عمو سجاد
اسم این نو رسیده هم علی است صد و ده مرتبه بگو سجاد
واقعا اسم با مسمی ایست مرحبا هب لا ابو سجاد
نخل او هر چه میوه داشته است اسمشان را علی گذاشته است

به لب عرشیان ترانه کیست؟ مسجد اهل بیت خانه کیست؟
این صحیفه که آبروی دعاست با خدا حرف عاشقانه کیست؟
این مقامی که شیعیان دارند اثر ناله شبانه کیست؟
روزی سفره حسینی ها برکت لطف بی کرانه کیست؟
چشم دل باز کردم و دیدم سر اربابمان به شانه کیست
سر و سری ست بین او و حسین عالمی زیر دین اوست و حسین

تو شدی سایه سرم خیر است هر چه دادی تو از کرم خیر است
این که با این زبان غرق گناه از شما نام میبرم خیر است
گریه شیعه یادگاری توست حاصل دیده ترم خیر است
گریه کردم دلم سبک تر شد اشک ها ذاتشان قدم خیر است
خواب دیدم برات ساخته اند صحن و گلدسته و حرم خیر است
آنقدر روزگار تاریک است شک ندارم که صبح نزدیک است

بر بلاها دلت تمام رضاست دلت آقا به این مقام رضاست
اذن دادی و کار ما دست پسر چارمت امام رضاست
در دم و دستگاه آل علی اسم ایرانیان غلام رضاست
کربلا و مدینه و نجف و کعبه و مسجد الحرام رضاست
صاحب کل این حسینیه ها یک نفر است و والسلام رضاست
عاشقی عرصه بهشتی هاست کشورم سرزمین مشتی هاست

اشک هایت به اشک قیمت داد به دل شیعیان هویت داد
پدرت آن ودیعۀ حق را به تو در خاک و خون امانت داد
عمه جان با تو دست بیعت را به تو در لحظۀ اسارت داد
از همان لحظه که امام شدی خصم فرمان به قصد غارت داد
عَلَم افتاد بر زمین و همین بهشان جرأت جسارت داد
تا ابد قلب دوستان تو سوخت روسری های خواهران تو سوخت

ترک 04 - شعر^{۵۹}

مهتابِ شگفت شب طاعات رسیده
خورشید خداوند عبادات رسیده
سر حلقه ای از حلقه ی سادات رسیده
فصل می و مستی و مباحات رسیده
زین بعد چنین بزم مگر خواب ببینیم
لبخند تماشایی ارباب ببینیم

ای باغ محبت گل محراب نیایش
عیسی نفسان را نفس ناب نیایش
ای چشمه ی جوشنده ی سیراب نیایش
ای قبله ی تابنده ی ارباب نیایش
ای آینه حی جلی حضرت سجاد
ای زین حسین ابن علی حضرت سجاد

خورشیدترین قبله ی خورشید تویی تو
آسوده ترین ساحل امید تویی تو
عیدانه ترین عید در این باده تویی تو
آن سوی سراپرده ی توحید تویی تو
از روز ازل بود که با چشم تو مستیم
تا جام به دست تو بود باده پرستیم

فانوس خیالیم همه در سر راهت

دنبال دل گمشده بر زلف سیاهت
تنها دل ما نیست به دنبال پناهت
جبریل کبوتر شده در چتر نگاهت
خم را همه با نام تو سر مست شکستند
در عرش به عشق تو سر و دست شکستند

ترک 05 - سرود ۶۰

امشب خدا تو امامت، ما ایرانیا رم سهیم کرد
ارباب یه نظر خاصی، به ما که ازش دورتریم کرد
یکی امشب پیدا میشه هم از ارباب داره ریشه هم با ماها قوم و خویشه
کرم این خانواده، خداییش بی حد و مرزه
شاه بانوی ما براشون، کنیزم باشه می ارزه
میگه ارباب دست مریزاد
خدا دنیا رو به من داد
علی از ایران فرستاد

رسمه خونواده وقتی، بمونه همیشه قشنگه
اسم سه نفر فامیل، اگه که یکی شد قشنگه
این امیرالمومنینه نوه ش وقتی می بینه به کامش دنیا شیرینه
پسرش باز شد پسر دار، به خودش می باله حیدر
جانشین سومش رو، می بینه خوشحاله حیدر
پسری که نور عینه
سایه سار عالمینه
ولیعهدده حسینیه

اونکه نماز و دعاهاش، آبرو به محراب می بخشه
مثل ماه شب چارده، غلام سیاش می درخشه
نفسش آدم می سازه وقتی مشغوله نمازه خدا هم حتی می نازه
شبای ماه الهی، این آقا میزبانمونه
افتخار نوکر اینه، که ابوحمزه بخونه
از روی دستش فرشته

لا تعدبني نوشته
که الان جاش تو بهشته

ترک 06 - سرود^{۶۱}

دل من، تو مهمون شب لطف خدایی چه بزمی، شبه سومه که کربیلایی
باز اشکای شوقه تو چشمای مهتاب
شد وقت گدایی با لبخند ارباب
میریزم به پاش، همه حاصلم
گدای علی ابن حسین دلم
نور دل حسین ای حاصل حسین

ترک 07 - سرود^{۶۲}

دل آسمونی داری از علی نشونی داری
یجور دیگه میخوامت یه رگ ایرونی داری
کشور ما برات سینه چاکه
مادر تو از این آب و خاکه
عالم گدای دستات، نام خدا رو لبهات
شد با صحیفه تو، دل عاشق مناجات
یا علی یا علی یا علی جان

ارباب ما تا نداره که وارثه ذوالفقاره
گفته رو پسر هاش اسمه علی رو فقط میزاره
از رگ و خون شاه حنینی
تو ولیعهد ارباب حسین
تنها امیر عشقی، نور مسیر عشقی
تو وارث علمدار، هستی سفیر عشقی
یا علی یا علی یا علی جان

عالمیه تو پناهت اسیر یه نیم نگاهت
هستیم میدم بشه کاش یه کاشی بارگاہت

⁶¹. با نوای : حاج سید مجید بنی فاطمه

⁶². با نوای : حاج روح الله بهمنی

با هنرمندی مردم ما
ساخته میشه ضریح تو آقا
صحن و سرا و مرقد روزی شبیه مشهد
توی بقیع می سازیم یه روز چهار تا گنبد
یا علی یا علی یا علی جان

ترک 08 - سرود^{۶۳}

ای سفرهٔ مناجات اسمت سر زبوناس
هر کس که نوکرت شد آقای همه دنیاس
اسوهٔ عبادت تویی معنی سعادت تویی
اونیکه توی دستاشه پرچم شفاعت تویی
جان آقام
نوکر خونه زاده توام آقا بس که کرم داری تو جان آقام
ماه آسمون منی و توی دلم حرم داری تو جان آقام

برق توی نگاهش خیلی دلا رو برده
امشب عروس زهرا یک گل پسر آورده
شکر خدا عمریه از زمرهٔ غلامانتیم
مادر تو ایرانیه پس ما همه سلمانیتیم
جان آقام

عاشق توایم و به کرمت عمریه آقا می نازیم جان آقام
کارگری تو می کنیم و آخر برات حرم می سازیم جان آقام

ترک 09 - سرود^{۶۴}

دوباره می باره اشکای شوق از چشمام تو سینه می سینه شور شیرین آقام
شب سجاده می دونم دستم خدا می گیره
سومین شبه که دنیا بوی کربلا می گیره
منه عاشق امشب دوباره مهمونم منه عاشق اهل حسین آبادم
منه عاشق دیوونه ی ابالفصلم منه عاشق امشب دخیل سجادم
یا علی ابن الحسین یا مولا

⁶³. با نوای : کربلایی حسین طاهری

⁶⁴. با نوای حاج احمد نیکبختیان

میون گهواره خوابیده خورشید عشق رو دست اربابش قرص ماه عید عشق
علی دوم ارباب شده آینه ی بابا
عمو عباس می خنده وقتی که می خنده لبهاس
منه عاشقم مدیون لطف آقامم منه عاشق از بند غصه آزادم
منه عاشق مهمون سفره ی عشقم منه عاشق امشب دخیل سجادم
یا علی ابن الحسین یا مولا

ترک 10 - سرود^{۶۵}

علی دوم آمده دل مدینه پر ز نور
به عشق این علی حسین گرفته محفل سرور
بهار خانه ی حسین ذکر ترانه ی حسین
علی علی
مهی که خانه ی حسین ز مقدمش صفا گرفت
مدال زین العابدین به عزت خدا گرفت
عزت هر دو عالمین نور دو چشمان حسین
علی علی

جلوه ی این سه دسته گل مدینه را مدینه کرد
سه عشق پاک و آتشین مکان به طور سینه کرد
مژده به جمع مومنین رسیده زین العابدین
علی علی

ترک 11 - شور^{۶۶}

به فدای تو، تو که اومدی
هنوز از راه نیومده دلبری
به فدای تو، تو که اومدی
جلوات تو جلوه حیدری
به فدای تو، تو که اومدی
خدایی تو تو دلبری محشری

65. با نوای حاج رضا پوراحمد

66. با نوای : حاج محمود کریمی

سر من خاک کف پای تو و چشم من بسته به دستای تو و دل من مست تولای تو حسین حسین
یه جورایی من ساز ترانه عاشقونتم یه جورایی من دیگه خم و پیاله و پیمونتم
یه جورایی من دیوونه دیوونه دیوونتم

به فدای تو، تو که اومدی
یه بهون برای نماز اومد
به فدای تو، تو که اومدی
توی بندگی راز و نیاز اومد
به فدای تو، تو که اومدی
توی عاشقی سوز و گداز اومد

تو خودت بردی دل مجنونم و تا ابد از لطف تو ممنونم و به تو و زینب تو مدیونم حسین حسین
یه جورایی من دیگه بخوام و نخوام غلامتم یه جورایی من دیگه بخوای و نخوای به نامتم
یه جورایی من منتظر یه جواب سلامتتم

به فدای تو، تو که اومدی
با تو عطر بهشتی سیب اومد
به فدای تو، تو که اومدی
برا درد همه یه طبیب اومد
به فدای تو، تو که اومدی
آشنای دلای غریب اومد

تو سفیر قافله عشقی تو مسیر مرحله عشقی تو امیر سلسله عشقی حسین حسین
یه جورایی من عاشق و هلاک این گداییم یه جورایی من همیشه برای حرم هواییم
یه جورایی من دیگه کبوتر کربلاییم

ترک 12 - شور ۶۷

بین داره میاره نقل عشق روی هر سجاده
خرابه دل هامون با دست آقامون آواده
نور حیدر بین از اون بالا تا زمین
ولیعهد حسین اومد جانم زین العابدین

قنوتش از گلهای زیبای زهرایی سرشاره

مته داداشش اکبر، سربازه رزمنده ست، سرداره
امشب سومین شبه که جامم لبالبه
اونیکه امشب اومده نور چشم زینبه
چشم عنایت خداست دست دعای عاشقاست
خونش توی مدینه و اونجا سفیر کربلاست

بقیع دل از شوق آقامون سر تا سر گل پوشه
همیشه جای خالیش معلومه گوشه شیش گوشه
ما دلدادۀ حسین مست از بادۀ حسین
همه ما غلام این آقا زاده حسین
هر چی پسر داره حسین به عشق والی الولی
گذاشته اسمم همه رو علی علی فقط علی

ترک 13 - شور^{۶۸}

مادر شدن سیده نسا عالمین و بی بی جانم ام البنین و
شهربانوی روی زمین
علی قمر دار شده حسین پسر دار شده
شبا شبای جلوۀ حیدر کرار شده
حسین باب المراد علی زین العباد ابالفضل خیر العمد

خورشید اومد، ماه اومد، ستاره اومد اونکه برام عاشقی میاره اومد
تو دست توست از آسمون جبل المتین و خیر و شر و دنیا و دین و

پره پرواز روح الامین

چشام که دریا میشه دره حرم وا میشه

توی هوای شما بال و پرم وا میشه

حسین روح الحیات علی سر و الصلات ابالفضل باب نجات

یابن الحسین جلوۀ خدایی داری آقا بین این همه فدایی داری

ترک 14 - شور^{۶۹}

⁶⁸. با نوای : حاج محمود کریمی

⁶⁹. با نوای : حاج محمد رضا طاهری

هرچی که داریم ما رو می کنیم نذر بی بی شهربانو می کنیم
با اشکا و لبخندامون با دست هنرمندامون
می سازیم ضریحی زیبا تو ایران برات ای آقا
میادش اونروز به زودیا
با مرگ آل سعودیا
علی علی علی علی علی ابن الحسین

من مجنون و تو لیلائی منی من نوکر و تو آقای منی
مناجات تو مشهوره صحیفه ات کلام نوره
دعا کن برامون امشب قسم به حسین و زینب
یه نیم نگاهی کن بهمون
که نزدیکه ماه رمضمون
علی علی علی علی علی ابن الحسین

هستم محتاج دست کرمت ارباب زاده خیلی دوس دارم
هم اسم علیه نامت به زهرا قسم می خوامت
دعا کن حسینی باشم فدایی عاشورا شم
حسین حسینه روی لبم
یه کربلا باشه طلبم
علی علی علی علی علی ابن الحسین

ترک 15 - شور ۷۰

نگا کن به آسمون عجب ماهی اومده
رو دست شاه نجف عجب شاهی اومده
دلبر اومده، دلدار اومده سرور اومده، سردار اومده
دل عاشقا، مست و بی تاب
زیر بارشه، نوره مهتاب
داره میرسه، جان ارباب
باز دل من اسیره، یا قمر العشیره

به لبخند شیرینش میره قربونه حسین

با چشماش می‌گه منم بلا گردونه حسین
ای جان حسین، جانان حسین ای آینه، حیران حسین
افق نگاش، محو یاره
از قد و بالاش، نور می باره
از همین الان، پرچمداره
با تو دعام میگیره، یا قمر العشیره

ترک 16 - شور^{۷۱}

شب امید و توسل تو دلای عالمینه
سائلای دل شکسته شب پسر حسین
دل من، تا ابد، دخیل، علمته
می دونم، که بدم، منم و کرمته
رحمی به دل و بال و پرم کن آقا من راهی حرم کن
بازم مئه همیشه کرم کن
مولا مددی یابن زهرا

ترک 17 - شور^{۷۲}

باز، اگه اومدی برا گدایی این درگاه شدی به علی و اولاد علی خاطرخواه
بگو لا حول ولا قوه الا بالله بابا شده باز ابا عبدالله
پور امیرالمومنین اومده قبله گاه اهل یقین اومده
امام زین العابدین اومده
مولا مولا مولا مولا
دلهم آرومه، سر و سامونم
تا وقتی ابوحمزه تو رو می خونم

باز، داره یکی دل شیدام هدف میگیره علی علی که میگم دلهم شغف میگیره
داره کاسه گداییش به کف میگیره داره بهونه نجف میگیره
ذکر لبهای من علی یا علی خواب و رویای من علی یا علی
دین و دنیای من علی یا علی
مولا مولا مولا مولا

71. با نوای : کربلایی محمد حسین پویانفر

72. با نوای : کربلایی محمد حسین پویانفر

به تو مدوینم، تویی قانونم
تا وقتی که نفس دارم علی میخونم

ترک 18 - شور ۷۳

هرجا که حرف تو باشه غصه میره تو آگه نباشی دلم باز می گیره
پر می زنه دلای ما تا آسمون به زیر سایه ی شما ماه رمضان
صحیفه ی تو می سازه قلب منو هر روز و شب
نافله ی شبه منه آقا به تو عرض ادب
الهی که آقاجون باشه دلم خونه ی تو
منو همه بدونن اسیر و دیوونه ی تو
قبله ی سیار زمین جلوه ای از جبل المتین یا زین العابدین
انت سرور العارفین انت نجات المذنبین یا زین العابدین

تو مکتب عشق تو زانو می زنم من که با مادر تو هم وطنم
تا که دوتا دست توئه یاورمون ترسی نداره از کسی کشورمون

یه جور دیگه داری عنایت به ما ایرونیا
الهی که ضریح تو ساختن بشه قسمت ما
خداکنه تو بقیع بشم یه روز کارگرت
بگیره دست منو دعای خیره مادرت
ماه امیرالمومنین عشق یل ام البنین یا زین العابدین

ترک 19 - شور / سرود ۷۴

شبه آیه های سجده شبه تسبیح و مناجات
مژده مژده مژده مژده اومده قبله حاجات
صورتش سوره نوره نور چشمای حسین
نفسش نسیم طوره همه رویای حسین
شبه میلاد روح عبادت شبه میلاد راز سجده
شبه میلاد حضرت سجاد شبه نابودیه آل سعوده
ارباب ارباب حالا منو دریاب

73. با نوای کربلایی حنیف طاهری

74. با نوای : حاج سعید حدادیان

آیینہ بندونہ امشب از زمین تا عرش اعلیٰ
آیہ الکرسی بخونید همگی بگید ماشاالله
ایشالا باهم می سازیم تو بقیع کرب وبلا رو
می بریم روی ضریحش پرچم امام رضا رو
همه کهکشونا چشمک زنونن شبه جشنه هنوز اول کاره
همه ملائک با هم می خونن نوه فاطمه نظیر نداره
ارباب ارباب حالا منو دریاب

پسر فاطمه امشب سفره ولیمه داره
باز میخواد به عشق مولا اسمش علی بزاره
ببینید روح دعا رو وارث خون خدا رو
ای فرشته ها ببینید عشق ما ایرانیا رو
پیچیده امشب تو عرش اعلیٰ نازنین فریاد اهل ایران
یا حسین از این بهتر نمیشه که تویی داماد اهل ایران
ارباب ارباب حالا منو دریاب

نفس گرم تو آقا کربلا رو زنده کرده
رُخ ماه هاشمی رو نور تو تابنده کرده
همه عاشقا تو امشب کرمت شرمنده کرده
من اسیرتم نگاهت ما ها رو رزمنده کرده
نسخه لیلۀ قدر من از توست با دعای تو شب زنده دارم
امشب از عشقت با آسمونا از دوتا چشمام بارون می بارم
ارباب ارباب حالا منو دریاب
به شبه تار و ظلمتِ قبرم آقا جونم خودت شمع سحر باش
تو قیامت نزار غریب بمونم واسه حوریه من پدر شوهر باش

بخش چهارم؛ ولادت حضرت علی اکبر (علیه السلام)

فصل اول؛ اشعار منتخب

امیر عظیمی

جمال حضرت حق بی نقاب می آید
ز مشرق دلمان آفتاب می آید
به ربنای قنوتم جواب می آید

گل محمدی بوتراب می آید
خدا به خانه ی ارباب احمد آورده
بیا حسین که لیلا محمد آورده

رسیده تا که شود جلوه ی جلال حسین
جلال ذات خداوندی جمال حسین
علی اکبر آقا، بزرگ آل حسین
موذن پسر فاطمه، بلال حسین
حسین، اکبر خود را بگیر از لیلا
خودت به گوش علی ات، اذان بگو آقا

چه آفتاب نجیبی، چه مهربان قمری
چه سرو خوش قد و بالایی و عجب ثمری
تبارک الله از این معجزه، از این هنری
کسی که هستی خلقت، طفیلی سر اوست
تمام هستی او این علی اکبر اوست

«علی اکبر ربّ و علی اکبر بالا
علی اکبر یاسین، علی اکبر طاها
علی اکبر حیدر، علی اکبر زهرا
علی، علی حسین و علی زینب کبری»
به لوح سینه نوشته حسین، این مضمون
شدند عالم و آدم به این علی مجنون

علیست کوثر زهرا، حقیقت حیدر
عنایتش به دو عالم، عنایت حیدر
کسی که در جگر اوست، جرأت حیدر
شجاعتش شده مثل شجاعت حیدر
علیست جلوه ی حیدر، علیست خیرالناس
شده است محو نبردش، عموی او عباس

ظهور کرده که حق بر کفش علم بدهد

به دشمنان پدر، کیفر عدم بدهد
علی شده که شکوهی به باورم بدهد
خدا هزار پسر بر حسین هم بدهد
به اذن أمّ آبیها، همه علی هستند
شبیبه حضرت حیدر همه یلی هستند

اگر که باد بیفتد به سمت گیسویش
اگر که موج نشیند به طره ی مویش
خدا نکرده، خم افتد به روی ابرویش
حسین می شود آشفته، می دود سویش
مباد آنکه علی زخمی گزند شود
تنش به ناز طیبیان نیازمند شود

کنار اهل حرم سایه اش نقاب شده
به دور زینب کبری، علی حجاب شده
برای عمه ی خود، چون عمو رکاب شده
چقدر حال حرم بعد او خراب شده
نوشته اند سه ساله بدون او خسته است
رقیه بر علی اکبر چقدر وابسته است

علی ناظمی

در محبت گاه بیماری ز درمان بهتر است
یار وقتی نیست حال نابسامان بهتر است
بی محلی های لیلی دار مجنونست آه
گاه دشنام لبی از گفتن "جان" بهتر است
حسرت اشک جوان از چشم پیرم می چکد
در بهار آثار باران از زمستان بهتر است
با مژه جاروکشی آستان خوبست لیک
گردگیری با سر زلف پریشان بهتر است
زیر پای یار ما حاجت فراوان ریخته
دست خالی را گرفتن پیش دامان بهتر است
این کرمخانه بعید است از گدا خالی شود

هرچه سائل بیشتر لطف کریمان بهتر است
گنج را با بردن رنج فراوان می دهند
کربلا را زائر پاره گریبان بهتر است
هر اذان صبح ما را میبرد پایین پا
بی علی اکبر نخوانیدم مسلمان بهتر است

محمد مهدی رافع

هرگز ندیده چشم فلک چون تو دلبری
پور حسین فاطمه و روح پروری
لب و اکنم به مدح کدامین صفات تو
کز حدّ وهم و فهم خلائق تو برتری
ای آفتاب عارض تو گفتگوی مهر
مه راست آرزو که به رویش تو بنگری
از خاندان عصمتی و نسل بوتراب
در بحر علم و حلم و شجاعت شناوری
نی فرشیان بسان تو دیدند گوهری
نی عرشیان چو روی تو دیدند اختری
آن قامت است نی به حقیقت قیامت است
سرو بلند قامتِ بستانِ حیدری
خویت حسن، جمال دل آرای تو حسن
در خَلق و خُلُق و منطق خود، چون پیمبری
مرآت مرتضائی و هنگام کارزار
والله یک تنه دو سپه را برابری
چون راه می روی به نظر پای تا به سر
چون آینه مقابل زهرای اطهری
یوسف خطاب گر کنمت مدح یوسف است
کز صد هزار یوسف مصری فراتری
من روسیاه و غرق گناهان بی شمار
تو... کشتی نجات به دریای محشری

جواد پرچی

پسران جلوه بیشتر دارند همگی خصلت از پدر دارند
پدرانی که دل به حق دادند مهر اولاد در جگر دارند

همه خانواده زهرا دور خود چند تا قمر دارند
نوه های عشیره حیدر همه جنگاورند و سردارند
با علی این پسر بزرگ شده که شبیه پدر بزرگ شده

دست لیلا بهار آورده دامن افتخار آورده
اسدالله زاده این مادر واقعا ذوالفقار آورده
به گداهای شهر مژده دهید پسری سفره دار آورده
گفت ام البنین به لیلا که فاتح کارزار آورده
هر کجا رو به سوی میدان برد خصم رو به فرار آورده
عمه اش مشک و مجمر اسفند دور این گاهوار آورده
عمه اش شادمان تر از همه است یار، رو سوی یار آورده
دور گهواره اش عجب حالی است جای مادر بزرگ او خالی است....

رینا رینا کنیم همه همه شکر خدا کنیم همه
حضرت شاهزاده آمده است نیت کربلا کنیم همه
باید از خاک پاش برداریم دل خود را بنا کنیم همه
علی اکبر حضور غرق خداست خویش را مبتلا کنیم همه
دسته جمعی از این حسینیه عزم پایین پا کنیم همه
آمده اشک حسرت ارباب عرض تبریک حضرت ارباب

غلامرضا سازگار

امشب به شباب رهبر آمد میلاد علی اکبر آمد
در ماه نبی علی عیان شد یا آمنه را پیمبر آمد؟
یا فاطمه باز مجتبی زاد؟ یا آن که حسین دیگر آمد؟
خورشید حسین و ماه لیلا با چهره نور گستر آمد
از گلبن سبز عشق و ایثار بوی گل و عود و عنبر آمد
از مدح ملک بسی نکوتر از وصف بشر فراتر آمد
در دامن کعبه ولایت امروز دوباره حیدر آمد
عقلی که به دیده اش توان دید روحی که بود مصور آمد
با دیدن او عزیز زهرا جان دگرش به پیکر آمد
از دامن مادری مکرم زیبا پسری مطهر آمد
آئینه روی احمد است این سر تا به قدم محمد است این

وی نخل کمال، بر مبارک	ای بحر شرف، گهر مبارک
بر برج ولا، قمر مبارک	بر چرخ ادب، ستاره و در
با خوی ملک، بشر مبارک	در حسن بشر، ملک گرامی
دیدار پیامبر مبارک	بر شیر خدا و بر حسینش
بر حجت دادگر مبارک	مرآت جمال دادگر باد
سر سبزترین شجر مبارک	در باغ نبوت و ولایت
بر آل علی ثمر مبارک	از این شجر همیشه سر سبز
بر مادر و بر پدر مبارک	فرزند بدین جلالت و قدر
عباس گرفت روی دستش	زینب شده بود پای بستش

این تیغ علی است یا دو ابروست؟	این حسن نبی است یا رخ اوست
این سلسله دل است یا موس؟	این رشته جان ماست یا زلف
یا سرو بلند بر لب جوست؟	این قامت اوست یا قیامت
در مصحف روی آن خدا روست	زیبائی انبیا خلاصه
هم ختم رسل و را ثناگوست	هم چار امام محو رویش
از بس که حسین داردش دوست	در بر بگرفته همچو جانش
کویش همه را بهشت مینوست	رویش همه را چراغ ایمان
هر چیز به جای خویش نیکوست	گلبوسه باب برجینش
دشمن کند از تنم جدا پوست	از او نشوم جدا اگر چه
هر جا که روم کنار اویم	خاک در اوست آبرویم

عشق از تو نموده سرفرازی	ای یوسف مصر عشق بازی
گردیده گدات بی نیازی	افتاده به پات سربلندی
در مصر به نغمه حجازی	یوسف به ثنات لب گشوده
از توست همیشه چاره سازی	از ماست هماره چاره جوئی
لبخند تو روح دلنوازی	رخسار تو شمع دلفروزی
پیش از شهدا پیشتازی	بر دادن جان به راه جانان
یک عمر نماز، بی نمازی	بی فیض محبت تو باشد
عشق دگران، بود مجازی	جز عشق تو ای حقیقت عشق
با قلب حسین کرده بازی	لبخند تو از شب ولادت
ما را نرسد زبان درازی	اوصاف تو را حسین گوید
زهرا و حسین و حیدری تو	تنها نه علی اکبری تو

مهدی نظری

عطر خدا دوباره در عالم وزیده است
کاسه بیاورید که باران چکیده است
امشب خدا دوباره زمین را بهشت کرد
این هم ز برکت قدم نورسیده است
خورشید بهر بوسه زدن بر قدوم او
از آسمان بسوی مدینه دویده است
سجده بیاورید به شکرانه عاشقان
امشب خدا دوباره علی آفریده است
حال تمام هاشمیان خوب و عالی است
صد حیف جای حضرت صدیقه خالی است

گرچه حسین بود به مادر شبیه تر
اکبر ولی شده به پیمبر شبیه تر
جمع علی و احمد و زهراست این پسر
جاریست مثل رود به کوثر شبیه تر
عباس مرتضای دگر بود تاکنون
اکبر ولی شده ست به حیدر شبیه تر
در بین خاندان علی چون عموی خویش
بازوی او به شیر دلاور شبیه تر
ای غنچه های لب همه وقت شکفتن است
وقت مدینه رفتن و تبریک گفتن است

یوسف کجاست یوسف زهراست این پسر
یونس کجاست مونس دلهاست این پسر
عیسی کجاست تا که بگیرد نفس از او
موسی کجاست ماه دلاراست این پسر
از یک طرف شبیه ترین به پیمبر است
از یک طرف شبیه به مولاست این پسر
مثل عموی خویش حسن با سخاوت است
از بسکه با کرامت و آقااست این پسر
در اوج گریه ساکت و آرام می شود
آن لحظه ای که خیره به سقااست این پسر

کربلا رسید و دلش بیقرار بود
روی عقاب حیدر دلدل سوار بود
مانند رعد و برق به قلب سپاه زد
لشکر نگو بگو همه جا تار و مار بود
اکبر نگو بگو اسدالله کربلا
تیغش که هیچ هیبت او ذوالفقار بود
سربند یا علی به سرش بسته بود پس
روز تمام لشکریان شام تار بود
هر کس که در مقابل او صف کشیده بود
با دیدنش هر آینه فکر فرار بود
از این طرف کنار حرم عمه زینبش
پیش حسین خسته و چشم انتظار بود
یک مرتبه زعالم بالا خبر رسید
آقا برس که عمر عزیزت به سر رسید

فصل دوم؛ گلچین مجالس مداحان ولادت حضرت علی اکبر (علیه السلام)

ترک 01 - شعر ۷۵

ای ماه رخسارت نمایان کن
وقتی که مردم روی پنهان کن
ای ساقی از خم خانه وحدت
یک جرعه در جام خماران کن
رویم به سوی قبله کن آنگاه
با تیغ ابرو ذبح ایمان کن
اسلام من شور ولای توست
سلمان خود را خود مسلمان کن
بیمار حجر خویش را از لطف
با شوکران ناز درمان کن
ای یوسف مصر دل ارباب
جامی به رحل اهل کنعان کن

تو اکبر اربابی ای اکبر
هم شأن اکبر لطف و احسان کن
ای پادشاه کشور دلها
فکری به حال ما گدایان کن
از مأذنه بفرست ابر مهر
بر این بیایان عزم باران کن
این است شور عرصه محشر
الله اکبر از علی اکبر

وجه علی، خُلق حسن داری
خون خدا را در بدن داری
عطر دهانت مانده از بوی
شیری که در کنج دهن داری
هر چند در بین غلامانت
آقا تر و بهتر ز من داری
آواره عشق توام مولا
پس تو اوپس بی وطن داری
من حرز عشقت را به دل دارم
تو حرز یازهرا را به تن داری
از اشک های دیده زینب
ای بی کفن آقا کفن داری

ترک 02 - شعر^{۷۶}

پیدا شدی حسین گوهر در بیاورد طوبی شدی که عشق ثمر در بیاورد
یا آسمان که شمس و قمر در بیاورد از راز چشم های تو سر در بیاورد
امشب ز خنده های تو پر در بیاورد

سر تا به پا حسن شده پا تا به سر حسین از هر طرف پیمبری، از هر نظر حسین
با برگ و بار و روی تو شد بارور حسین شیرین تر از غسل شده ای تا مگر حسین
با بوسه از لب تو شکر در بیاورد

فطرس دویده تا به سلام شما رسد شاید به فیض حظ کلام شما رسد
جایی نداشت تا سر بام شما رسد خواهد اگر به پای غلام شما رسد
باید که چند بال دگر در بیاورد

محراب ابروان تو شد قتلگاه ما شد مشتبّه ز قبله به میخانه راه ما
ای بهتر از هزار یقین اشتباه ما در دست چشم توست تمام صلاح ما
تا جان ما به نیم نظر در بیاورد

پیغمبرانه خَلْقاً خَلْقاً فقط تویی اعجاز بیت های مطمئن فقط تویی
طوفان تند باد تهمتین فقط تویی کابوسِ سخت زهره دشمن فقط تویی
تیغ کجاست تا که جگر در بیاورد

تفریح میکنی به همین تار و مارها بگذار تا کمی بنشیند غبارها
تا بنگرم که پُر شده خاک از مزارها پیچیده است ناله شان الفرارها
حیدر رسیده است پدر در بیاورد

ای در سُرادقات الهی محافظت سجاده حسین شکوه نوافلت
ای جلوه جمالی اش اخلاق کاملت ای جذبه جلال خدا در حمایت
اما نگاه توست که زر در بیاورد

از پشت در ببین که گدا سر به شانه است از پشت در ببین که بهانه اعانه است
از پشت در ببینی که گدایی بهانه است در غیبت پدر پسر آقای خانه است
ارباب دست معجزه گر در بیاورد

عرشی شدیم با نفس جاودانه ات با بوی سیب زمزمه های شبانه ات
از اشک های نیمه شب عاشقانه ات تو در دعا و دامن تو بین خانه ات
صد ها شکوفه وقت سحر در بیاورد

ما را که کشته کرب و بلایت هنوز هم ما را به خون نشانده صدایت هنوز هم
پایین پا فقط شده جاییت هنوز هم ارباب زاده ای و گدایت هنوز هم
سر را گرفته است که بر در بیاورد

ترک 03_ شعر ۷۷

ای طلعات حق از طلوع تو پیدا
وی زهق الباطل از عدوی تو گویا
ای لمعات نبوت از تو ملمع
ای جلوات امامت از تو مجلا
گرچه پیمبر نه ای ولی به پیمبر
اشبه ناس آمدی تو خَلْقاً و خُلُقاً
بر سر قبرش گذر مکن که هراسم
رای دهد بر نبوت تو بحیری
عقل و خرد را به وصف تو طلبیدم
دل به قضاوت دوید و با همه گفتا
بر سرتاج عزیزمصر نویسد
یوسف کنعان غلام یوسف زهرا^{۷۸}

ترک 04_ شعر ۷۹

نیمه شبها سجده بر پروردگارش دیدنیست
خضر در قاب زلال چشمه سارش دیدنیست
مثل وقتی که پیمبر بود با آن احترام
بین مردم در مدینه اعتبارش دیدنیست
دست و دل بازیش رفته به کریم اهل بیت
نور آتش سر در دارالقرارش دیدنیست
خود به استقبال مهمان عزیزش می رود
لقمه ای از دستهای سفره دارش دیدنیست
زندگی هشت معصوم خدا در یک کتاب
حاصل عمر حسین و انتشارش دیدنیست
به به این شاگرد ممتازِ یل ام بنین
کم ندارد چیزی از آموزگارش دیدنیست
میمنه تا میسره وقتی که جولان می دهد
لشکری از ترس خشم این جوان جان می دهد

77. با نوای : حاج حسن خلج

78. شاعر: سعید حدادیان

79. با نوای : حاج محمدرضا طاهری

با دو ابروی کجش شمشیر بازی می کند
 لحظه های غارت دل یکه تازی می کند
 انتظار دیگری هم نیست از این طایفه
 این پسر مثل پدر بنده نوازی می کند
 در مسیر بازگشت از محضر بخشنده اش
 سائل احساس سرور و بی نیازی می کند
 داده لیلا را ز آقایی خود حس غرور
 پای این بالا بلندش سرفرازی می کند
 وقت قرآن خواندنش چشم حرم بارانی است
 شورشی با نغمه ی شور حجازی می کند
 بچه ها دل گرم و اهل خیمه خوش وقتی که هست
 بین گهواره علی هم خواب نازی می کند
وقت میدان رفتنش کار پدر را ساخته
آتشی بر دامن اهل حرم انداخته

ترک 05_ شعر^{۸۰}

منطقتش منطق رسول خدا
 در نهییش ولی صدای علی
 پدر ارجمند او فرمود
 بس که دارم به دل ولای علی
 پسران مرا نباشد اسم
 بجز از ع و ل و یای علی

ترک 06 - سرود^{۸۱}

آی مدینه بخت باهات یار شد حیدر کرار که تکرار شد
 حضرت ارباب پسر دار شد اکبر اومد عشق علمدار شد
 بعد از بابا کی مرد خونه ست
 از این دلبر فقط یه دونه ست
 میوه دل حسین نوبره والا هر چی من بگم بازم بهتره والا
 چهره ای جذاب اومد سایه آفتاب اومد

⁸⁰. با نوای : حاج احمد واعظی

⁸¹. با نوای : حاج محمد رضا طاهری

شازده ارباب اومد

لیلا قرار شده که مجنون بشه خدا میخواد دنیا گلستون بشه
اسم علی باید فراوون بشه اکبر اومد این کارا آسون بشه
ماشالله بگو به قدش
اکبر رفته چقدر به جدش
سر تا پاش میگن که پیغمبره والا هر چی من بگم بازم بهتره والا
باز توی چاه افتاده یوسف امشب دلداده
دست این ارباب زاده

بین صحابه باز بگو مگو شد باز یه محمد تو مدینه رو شد
یه قصه خیلی قشنگ شروع شد اکبر اومد امام حسن عمو شد
عمه زینب چه ذوقی داره
از خوش حالی حنا میذاره
بچه برادرش محشره والا هر چی من بگم بازم بهتره والا
این جوون پیر دلهاست خاک پاش تاج دنیاست
مثل اجدادش آفاست

ترک 07_ سرود ۸۲

کبوتره، دلم بازم شده هوایی از تو سینه می پره
خوشا به حال، دل کسی که، اسیر دستای علی اکبره
مؤذن حسین، به سمت کربلا، همه دلا رو می بره
دلی که عاشقش شد از تو چنگ غم آزاده دوباره پر شده پیاله های عشق از باده
دل حسین فاطمه بین که امشب شاده خدا بهش علی داده
علی اکبر علی علی علی

صدا بزن، امیرت، برو تا خونه علی گدایی کن
با یک نگاه، علی اکبر، دلت رو باز دوباره کربلایی کن
تو جمع نوکرا، واسه کرامتش، بیا و هم صدایی کن
میگن که خونه حسین دوباره حیدر داره نمیتونه پدر نگاهش ازش برداره
تو صورتش نشونه از رخ پیمبر داره مثل علی جیگر داره

علی اکبر علی علی علی

ترک 08 - سرود^{۸۳}

علی علی علی اکبر بابا خوش آمدی
علی علی علی دلبر لیلا خوش آمدی
ای بی همتا علی علی علی علی
عشق زهرا علی علی علی علی
علی یا علی

تویی تو آمدی حضرت شهزاده اکبری
و یا که سر زده ماه جمال پیمبری
حسین و کربلا هر دو دل آرا و دلبرند
ولی علی علی از دوتاشون دل تو می بری
ای بی همتا علی علی علی علی علی
عشق زهرا علی علی علی علی
علی یا علی

علی اکبری یوسف محبوب کربلا
اسیر عشق تو حضرت یعقوب کربلا
اگر عموش شده امیر لشکر برای او
تویی تو یا علی وزیر یعسوب کربلا
ای بی همتا علی علی علی علی علی
عشق زهرا علی علی علی علی
علی یا علی

ترک 09 - سرود^{۸۴}

بار دیگر دل به سینه با صفا شد
کوچه کوچه شهر یثرب دلربا شد
صدای شور و غوغا به عشق پور لیلا
زکوی آل هاشم رود تا عرش اعلا
ای گل حیدر شبه پیمبر یا مولا علی اکبر
یا علی اکبر

⁸³ با نوای : حاج حسن خلیج

⁸⁴ . با نوای : حاج احمد واعظی

ماه شعبان آسمان را کن نگاهی
پور زهرا دارد امشب قرص ماهی
ماه حسین بهتر ز هر چه ماه و اختر
همان که اسم نازش بود علی اکبر
ای گل حیدر شبه پیمبر یا مولا علی اکبر
یا علی اکبر

بار الها دست ما را پر عطا کن
قسمت ما مدینه و کربلا کن
خدا به نور مهدی به راه دور مهدی
بیا به رسم عیدی رسان ظهور مهدی
ای گل حیدر شبه پیمبر یا مولا علی اکبر
یا علی اکبر

ترک 10- سرود^{۸۵}

دنیای من به تو وابستگی داره و دنیای تو تب دلواپسی داره و
دنیای من بی تو داغونه
شور عشقت با دل من چه ها کرده و اسمت آقا شده نقش قلب عاشق و
دنیا بی تو مثل زندونه
من بی تاب توام تو دنیای منی
من مجنون توام تو لیلای منی
من از اول بخوای نخوای مبتلاتم من از اول یکی از اون نوکراتم
من از اول دیوونه ی کربلاتم

چشم عالم شده مبهوت چشم تو ماه ارباب شده ماه جمال تو و
دنیا مجنون و تو لیلای
تو ارباب دل پاک جوونایی و روی ماهت شده آینه ی احمد و
تو آروم جون بابایی
ای عشق مادر و ای دنیای حسین
دل بردی از پدر ای لیلای حسین

من از اول دیوونه و جون فداتم من از اول گدای لطف و عطاتم
من از اول دیوونه ی کربلاتم

ترک 11 - شور^{۸۶}

شور علوی توی خون منه مجاهدم و به کف جون منه
حرارت آتیشه غیرت من خون برادر گلگون منه
مرز ما شده خیبر من هستم تو این لشکر
سربندم ذکر یا حیدر
من اویس قرنم دل به دریا میزنم
اهل عالم بدونن من هم اهل یمنم

قصد سازش نداریم با نصارا و یهود
خیلی نزدیکه به خاک بینی آل سعود
آقا اشاره کنه سر میاریم یا علی میگیریم و لشکر میاریم
جلوی همشون میگیریم و دمار همشون در میاریم
این حقه که پیروزه این ظلمه که میسوزه
عاشورای ما هر روزه

این ندای خوده حق از عراق و یمنه
این نوید قدمه حجت ابن الحسنه
تو تاریکیه شبا ماه میرسه داره نور امید از راه میرسه
داره به گوش همه اهل جهان صدای بقیه الله میرسه
میپیچه ندای حق از کعبه صدای حق
آوای هل اتی حق

ترک 12 - شور^{۸۷}

ذکر خدا و بنده شه یا علی همه بهم میگویند به حرف دلی
ضریح شیش گوشه تو دنیا تکه پایین پاش به چیز دیگه اس ولی
دل و دلبر علی علی سر و سرورو علی علی
علی اکبر علی علی

86. با نوای : حاج محمود کریمی

87. . با نوای : حاج روح الله بهمنی

یکی می‌گه که حیدره یا که اصلا پیمبره
دل اربابُ می بره علی علی
ستاره بارون آسمون شده مدینه حرف این و اون شده
انگاری ارباب باز جوون شده علی علی
حسین علی ابن الحسین

اومد تموم مشکلا رو حل کرد کاممون شیرین مته عسل کرد
یهو صدای صلوات بلند شد بابا بزرگش تا اون بغل کرد
در خونش نفس بزن پادشاهی رو پس بزن
شب میلاده کف بزن علی علی
تب عشق و تب جنون داره می بینه آسمون
در گوشش می‌گه اذن علی علی
و این یکاده رو لب همه خالیه امشب جای فاطمه
اومد شاگرد شاه علقمه علی علی
حسین علی ابن الحسین

اگه می‌خوای دل تو حیدری شه گناه نکن هی نگو آخریشه
خدا و کیلی پسره حسینه هر جوونی که علی اکبری شه
گل لیلا علی علی ماه زهرا علی علی
بگو مولا علی علی علی
اومده اهدنا الصراط ساحل کشتی نجات
کلید قفل مشکلات علی علی
تا دنیا دنیاس من مدیونتم جوون لیلا من مجنونتم
حسینی ام پس من از خونتتم علی علی
حسین علی ابن الحسین

ترک 13 - شور^{۸۸}

بازم دل مجنون شده شیدا امشب پره نوره همه دنیا
فدای قدم گل لیلا
مستم از لطف ساقی گره گشا
رفته غم بازم حاجتا شده روا

بابا شد آقای کربلا
محشر علی اکبر دلبر علی اکبر
پیغمبر و ریحانه و حیدر علی اکبر

خوردم روز اول می کوثر هستم خونه زاد آل حیدر
صاحب دلمه علی اکبر
تا وقتی هستم بی نوا و نوکرم
مجنون یارم با دعای مادر
خاک زیر پای اکبرم
والا علی اکبر اعلی علی اکبر
شه زاده و شاهنشاه و مولا علی اکبر

مثل آسمونه بی کرونه همتاش نداره این زمونه
می بره دلا رو بی بهونه
وای از خشم این پهلونه با وقار از ناز شصتس شد بنی امیه خار
لایق دستاشه ذوالفقار
سالار علی اکبر دلدار علی اکبر
همسنگر و شاگرد علمدار علی اکبر

ترک 14 - شور^{۸۹}

از عرش خدا فرشته ها هی میرسن بادلای بی تاب
چه خبره امشب تو خونه ارباب
دوباره داره نسیم سحر برای ماها میاره خبر
آی عشاقا، آی عاشقا خدا به حسین داده یه پسر
پسر نگو، برا خودش آقاست
همه میگن آیینۀ زهراست
نیومده تاج سر دنیا شده نیومده دلبری کرده نیومده لیلا شده
به به به مبارک ارباب هزار ماشالله چه قد و بالایی داره
به به به مبارک ارباب هزار ماشالله چه روی زیبایی داره

این اشک خجالت چیه که حلقه زده تو چشای مهتاب
 چه خیره امشب تو خونه ارباب
 محاله دیگه خدا دوباره مته این علی علی بیاره
 مثل خودش بابا حسین یکی یدونه اس وتا نداره
 ولایتش، ولایت مولاس
 کرامتش، خدایی که غوغاس
 یه عالمی دیونه احساسشه تو عالم غیرت و مردی مته عمو عباسشه
 به به به مبارک ارباب هزار ماشالله چه چشم و ابرویی داره
 به به به مبارک ارباب هزار ماشالله چه دست و بازویی داره

بخش پنجم؛ میلاد امام زمان (عج الله)

فصل اول؛ اشعار منتخب

غلامرضا سازگار

آفرینش از گل نرگس گلستان است امشب
 آسمان دریا ولی دریای غفران است امشب
 سامره سرسبزتر از باغ رضوان است امشب
 گام گامش بوسه گاه حور و غلمان است امشب
 گوش جانم این شنفته جبرئیل وحی گفته
 قوموا ای دلهای خفته لاله نرگس شکفته

قبله کن بیت الحسن را تا ببینی ذوالمنن را
 گوش شو تا بشنوی مداحی روح الامین را
 چشم شو تا بنگری آئینه حق الیقین را
 سرو بستان تمام لاله های باغ دین را
 طفل دلبند عروس رحمة للعالمین را
 پای تا سر داور است این یا مگر پیغمبرست این
 حیدر است این، حیدر است این، یا حسین دیگر است این
 یا که نرگس در بغل بگرفته چون زهرا حسن را

هستی از نور خدا شد نائره با یاد مهدی
 لحظه ها دارند صدها خاطره با یاد مهدی
 لاله افشانده بتول طاهره با یاد مهدی

کعبه می‌گردد بدور سامره با یاد مهدی
شاهد مقصود آمد، جود بخش جود آمد
حجت معبود آمد، مهدی موعود آمد
انجمن انجم شده جوئید ماه انجمن را

بوی گل در بوستان می‌آید از پیغام نرگس
زنده گردیدند خونین لاله‌ها از نام نرگس
حُلّه‌های نور پوشاندند بر اندام نرگس
نور مهدی می‌رود بر آسمان از بام نرگس
آسمان‌ها چون ستاره، گرد آن دارالزیاره
زائر آن ماه پاره، تا مگر با یک اشاره
غرق در موج نگاه خود کند چرخ کهن را

محو او شد مست او شد هم ملاحظت هم حلاوت
لاله را گفتا قضاوت کن قضاوت کن قضاوت
سرو دیدی گل فشاند؟ گل سخن بر لب براند؟
نسترن هستی ستاند؟ یاسمن قرآن بخواند
من به چشم خویش دیدم گرم قرآن یاسمن را

ای هزاران آفرین بر حُسن از حُسن آفرینت
ای زده گلبوسه وجه الله اعظم بر جبینت
ای به گرد شمع رخ پروانه جبرئیل امینت
کعبه عمری چشم در راه صدای دل نشینت
پر گشا و دلبری کن، رخ نما روشنگری کن
سر بر آر و سروری کن، داوری کن داوری کن
داوری کن تا بر آری ریشه نخل فتن را

رخ نما ای یوسف گم گشته کنعان کعبه
جلوه کن ای آفتاب حُسن از دامان کعبه
بازاً تا بازگردانی به پیکر جان کعبه
سر بر آور تا به سرآید غم هجران کعبه
ای خدا پیدا ز ذاتت ای ملک محو صفات
ای همه حجاج ماتت کعبه مشتاق صلاتت

بر سر پا نه که تقدیم تو سازم جان و تن را

آفتاب عالم آرایی نمی دانم کجایی
دور از مائی و با مائی نمی دانم کجایی
در دل جمعی و تنهایی نمی دانم کجایی
پیش من با من هم آوایی نمی دانم کجایی
تو امام عالمینی، جان جانی عین عینی
سامره یا کاظمین، زائر قبر حسینی
کعبه را گردم به شوق یا مزار بوالحسن را

ای خزان دین بهار از فیض چشم اشکبارت
ای بسان لاله‌ها دل‌های خونین داغدارت
ای معطر آفرینش یاد گل‌های بهارت
مصلح عالم بیا ای عالمی چشم انتظارت
وارث ملک نبوت سرو بستان مروّت
مشعل بزم اخوت گوهر بحر فتوت
کی شود عدل تو گیرد هم زمین را هم زمن را

تا بکی از لاله‌های باغ خون عطر تو بوییم؟
تا بکی با اشک هجران گرد غم از رخ بشویم؟
تا بکی در اشک خود گم گردم و روی تو جویم؟
تا بکی نادیده وصف روی زیبای تو گویم؟
ای بخاکت جان فدایی، از تو زبید مقتدایی
تا بکی اشک جدایی؟ بت زند لاف خدایی
کن برون از آستین یکباره دست بت شکن را

چشم شیعه پر بود از اشک گوهر بار تا کی؟
آه زهرا آید از بین در و دیوار تا کی؟
صوت جدت بر سر نی از لب خونبار تا کی؟
شیعه بر مظلومی اسلام گرید زار تا کی؟
سینه‌ها را آه تا کی؟ پشت پرده ماه تا کی؟
هجر وجه الله تا کی؟ یوسف اندر چاه تا کی؟
پاک کن از دیدگان «میثمت» اشک مَحَن را

سید هاشم وفایی

باز قدسی نفسان زمزمه پرداز شدند
به سوی سامره آماده پرواز شدند
چهره ها با گل لبخند همه باز شدند
بلبلان چمن حُسن در آواز شدند
نور شادی به زمین و به فلک موج زند
از فلک تا به زمین فوج ملک موج زند

باز هم شاهد غیبی به شهود آمده است
پیک شادی به سلام و به درود آمده است
چه وجودی است که اکنون به وجود آمده است
این خبر چیست که جبریل فرود آمده است
محشری گشت پیا گر که قیامت کردند
همه در هاله ای از نور اقامت کردند

نوری از بیت ولایت شده پیدا امشب
که از او گشته جهان غرق تجلا امشب
همه عالم شده چون وادی سینا امشب
مات از این نور بود دیده موسی امشب
عشق پرسید چرا همه‌مه برپا شده است
همه گفتند که مهدی است هویدا شده است

بر همه خلق جهان خیر کثیر آمده است
سوره ی نور خداوند قدیر آمده است
به محمد به علی باز نظیر آمده است
هاشمیون همه را ماه منیر آمده است
او بود جنت ما، کعبه ی ما، مقصد ما
خال رخساره ی او شد حجرالاسود ما

هستی از یمن قدومش ز غم آزاد بود
خرم از جلوه او گلشن ایجاد بود
این همان وعده موعود و خداداد بود

هر که شد منتظر مقدم او شاد بود
آری ای اهل ولا موسم دیدار شده
آیت نصر من الله پدیدار شده

غرق آیات مبین است رخ رخشانس
شب نشینان سماوات همه حیرانش
عرشیان مات ز قدر و شرف و ایمانش
کرده در عرش خداوند سه شب مهمانش
در سماوات کنون فصل گل و هم عهدیست
میزبان خالق و مهمان عزیزش مهدیست

خیز کز مقدم مولا همگی بنده شویم
همچو گلها ز نسیم سحری زنده شویم
پیرو مکتب آن دولت پاینده شویم
نکنند روز وصالش همه شرمنده شویم
دل او را همه با پیرویش گرم کنیم
همه در محضر اوئیم از او شرم کنیم

همه گویند «وفائی» گل توحید کجاست
مروه پرسید کجا کعبه پرسید کجاست
آن دل انگیزترین مایه امید کجاست
آفتاب دل زهرا گل خورشید کجاست
کاش ما را ز وفا ره به حضورش بدهند
عیدی ما همه را حکم ظهورش بدهند

ناصر شهریاری

شب شکست و نور حق شد جلوه گر
در دل شب پرتو افشان شد قمر
خاک پای او همه در و گهر
آمد آنکه از پی اش آید سحر
نام او همانم ختم المرسلین
وارث علم امیر المومنین

آمده مشکل گشای دیگری
کوثری دیگر ز نسل کوثری
حیدری با جلوه ی پیغمبری
احمدی با جلوه های حیدری
شد ز بوی نرگسی اش سینه مست
وز جمالش دیده ی آینه مست

عالم امشب جان پر احساس داشت
عطر نرگس جلوه های یاس داشت
عسکری در خانه، خیرالناس داشت
در بغل آینه ی عباس داشت
سامرا شد رشک جنات برین
شد بهشت دیگری روی زمین

در رکابش عالمی حلقه به گوش
برده خالش از دو عالم عقل و هوش
دشمن حیدر بگو دیگر خموش
خون حیدر در رگش اندر خروش
در میان معرکه باشد چنین
هم علی و هم یل ام البنین

هر نفس با یاد دلبر می زند
در هوایش مرغ دل پر می زند
چون گدا این خانه را در میزند
می ز جام پور کوثر می زند
فاش می گویم امامم مهدی است
تا دم آخر کلامم مهدی است

جواد پرچمی

ما را در این شب ها تمنا می نویسند
مجدوب وصف و وصل لیلا می نویسند
من قطره ای ناچیزم اما مطمئنم
آخر مرا هم پای دریا می نویسند

ایل و تبارم را که نوکر می نویسند
ایل و تبارت را که آقا می نویسند
امشب برای ما کمی باران بخواهید
هر آنچه می گویی همان را می نویسند
این طاق نصرت ها که بالا رفته ما را
پروازهای رو به بالا می نویسند
چشم من و دست کریمت مهربانا
امشب صدایت می زنم من یا ابانا

باید فراق و سوختن باشد همیشه
در به دری از مرد و زن باشد همیشه
پیغمبرانه دلبری کن مثل اینکه
باید اویسی در قرن باشد همیشه...
آواره ی صحرا نمایدم چه باک است
مجنون اگر دور از وطن باشد همیشه
بی یوسفش تا کی دمامد چشم یعقوب
دلخوش به بوی پیرهن باشد همیشه
من خواستم ذکر نمازم تا دم مرگ...
یا بن الحسن یا بن الحسن باشد همیشه
اصلا میان ما دو تا باید همیشه
حرف حسین بی کفن باشد همیشه
امشب سخن از جمکران جایی ندارد
جز کربلا این دل تمنایی ندارد

غلامرضا سازگار

امشب دل بیدارم دارد سحری دیگر
وز زمزمه ام بر دل ماند اثری دیگر
در سامره می بینم قرص قمری دیگر
وز بیت ولا بر لب دارم خبری دیگر
از نسل علی آمد خیر البشری دیگر
یا آمنه آورده پیغامبری دیگر
طوبا ثمر آورده سینا شجر آورده
چشم همگان روشن نرجس پسر آورده

من رحمت بی حد را در سامره می بینم
من خلد مخلّد را در سامره می بینم
من جلوه ی سرمد را در سامره می بینم
من عبد مؤیّد را در سامره می بینم
من طلعت احمد را در سامره می بینم
من حسن محمّد را در سامره می بینم
ای منتظران خیزید با خصم در آویزید
در مقدم مهدی گل از پاره دل ریزید

ای گمشده پیدا شو پیدایش حق را بین
آئینه شو و آنگه آئینه ی یکتا بین
رخسار دو صد یوسف در آن رخ زیبا بین
بالای دو صد آدم در آن قد و بالا بین
هم نوح پیمبر را در دامن دریا بین
هم موسی عمران را در وادی سینا بین
در یک رخ زیبا بین خوبان دو عالم را
خوبان دو عالم نه پیغمبر خاتم را

امشب من و دل گشتیم در کوی گل نرگس
برگرد گل روی دلجوی گل نرگس
خُلق نبوی دیدیم در خوی گل نرگس
خوردیم شراب نور از جوی گل نرگس
تا روی خدا دیدیم در روی گل نرگس
دل گشته بهشت گل از بوی گل نرگس
ای دسته گل نرگس از مات سلام الله
ای زینت هر مجلس از مات سلام الله

پیوسته درود از ما بر نرجس و مولودش
بر نرجس و مولودش بر مهدی موعودش
بر مهدی موعودش بر حجّت معبودش
بر حجّت معبودش بر مقصد و مقصودش
بر مقصد و مقصودش بر سیرت محمودش

بر سیرت محمودش لطف و کرم و جودش
لطف و کرم و جودش حکم و سخن و عزمش
حکم و سخن و عزمش تیغ و علم و رزمش

مهر رخ دلجویش هنگام سحر تابید
روشنتر و زیباتر از قرص قمر تابید
از قلب ملک سر زد در چشم بشر تابید
گفتی یم هستی را پاکیزه گهر تابید
چون شعله به کوه طور از شاخ شجر تابید
هنگام طلوع فجر بر دست پدر تابید
در طلعت او دیدند آئینه ی احمد را
مانند علی می خواند قرآن محمد را

اول سخن توحید از خالق اکبر گفت
هم حمد الهی کرد هم وصف پیمبر گفت
هم آیه ی قرآن خواند هم مدحت حیدر گفت
هم نام امامان را تا خویش سراسر گفت
از ظاهر و باطن گفت از اول و آخر گفت
آنکه به زبان دل آن حجّت داور گفت
من شاهد و مشهودم من حجّت معبودم
من مقصد و مقصودم من مهدی موعودم

من طوطی گویای گلزار شهیدانم
من روشنی چشم بیدار شهیدانم
من آینه سرخ رخسار شهیدانم
من محیی ایثار و آثار شهیدانم
من وارث مظلوم انصار شهیدانم
من منتقم خون سالار شهیدانم
گلوآزه ی جاء الحق بر دست جهانگیرم
نقش زهق الباطل بر تیغه شمشیرم

حق وعده به من داده تا ملک جهان گیرم
بر دوست امان بخشم از خصم امان گیرم

مهر آرم و خشم آرم جان بخشم و جان گیرم
یار همگان باشم داد همگان گیرم
در سلک شبان آیم در کعبه مکان گیرم
حلقوم ستمگر را در پنجه چنان گیرم
تا نقش زمین گردد اهریمن خود کامی
و ز ظلم و ستم هرگز باقی نبود نامی

ای روی تو نادیده دل برده ز دلداران
ای کار تو پنهانی یاری ز همه یاران
بشکفته دل از نامت چون لاله که در باران
از جام تولایت سر مستی هوشیاران
بازاً که براندازی بنیاد ستمکاران
با تیغ تو ریزد خون از سینه خونخواران
خورشید رخت در ابر پوشیده چرا مهدی
ای کعبه دل رویت از کعبه درآ مهدی

ای با همگان مونس ای در همه جا تنها
ای بی تو ز خون دل دریا شده دامن ها
تا چند زمام دین در سلطه ی رهنها
تا چند جهان لبریز از گریه و شیون ها
تا چند خزان حاکم در دامن گلشن ها
تا چند بود قرآن بر نیزه ی دشمن ها
ای ناله مظلومان در گوش تو یا مهدی
ای پرچم ثارالله بر دوش تو یا مهدی

بازای که بنمائی بر ما رخ زیبا را
بازاً که کنی از عدل پُر عرصه ی دنیا را
بازاً که همه بینند آن روی دل آرا را
بازاً که کنی پیدا دو گمشده ما را
هم تربت محسن را هم تربت زهرا را
حیف است نبیند عبد رخسار تو مولا را
من «میثم» این کویم اوصاف تو را گویم
اوصاف تو را گویم تا وصل تو را جویم

سید محمد میرهاشمی

یک شب که عشقت باز از دل در گذر شد
نام تو را بردم پیاپی تا سحر شد
تا صبحدم آن شب به یادت گریه کردم
هر قطره اشکم در پی تو در سفر شد
قابل نبودم تا جمالت را ببینم
اما قسم بر تو که شوقم بیشتر شد
شد علت دوری من از تو، غیوبم
دل مبتلا هر روز بر عیب دگر شد
هر بار آهم شد مؤثر بر دل تو
کار بدی کردم که آهم بی اثر شد
خود واقفم یاری ز من بدتر نداری
دست ولایت از سر من بر نداری

زاده شدم تا با غم خوبان بمیرم
زشتم، به پایت، خوبتر از جان بمیرم
خواهم به محرابم به هنگام نماز
یا در تلاوت کردن قرآن بمیرم
آلوده باشد دیده‌ام اما مدد کن
در موقع جان دادنم گریان بمیرم
سلطان عشق آید به بالینم بگوید
خوش آمدی، با دیدنش عطشان بمیرم
من دوست دارم مرگ را با دیدن تو
هر غصه را با لحظه ای خندیدن تو

من دوست دارم تا حضورت را ببینم
مستی ایام ظهورت را ببینم
ای عابر پس کوچه های دل کجایی؟
خواهم متانت در عبورت را ببینم
من دوست دارم در شعاع نور پاکت
سر خوردگی خصم کورت را ببینم
منت کش عالم نگردم لحظه ای من

در خانه ی دل گر حضورت را ببینم
ای حاضر و ناظر به اعمالم، کجایی؟
گریه مکن دیگر به افعالم، کجایی؟

ای گمشده در کوچه های غفلت دل
ای گوهر نشناخته در حیرت دل
ای سفره دار آفرینش بی نگاهت
شد رزق ما محدود، رفته برکت دل
ما را برای انتظارت آفریدند
ممزوج شد با انتظارت فطرت دل
جانا به راه عشق تو، ایمان ببازیم
یادی ز ما کن تا بیادت جان ببازیم

ای آیه ها صبح و مساء در انتظارت
قرآن، مناجات و دعا در انتظارت
دست خدا، دیگر به در از آستین شو
ای ذوالفقار مرتضی در انتظارت
ای ذره های آفرینش بی قرارت
مروه، صفا، زمزم، منا در انتظارت
کو پرچم هل من معین آل زهرا؟
ای سرزمین کربلا در انتظارت
ای شارع احکام دین برگرد برگرد
ای رشته حبل المتین برگرد برگرد

گویند می آیی ولی مُردیم، بازاً
در شام هجران تو افسردیم، بازاً
بی تو صفا از زندگی ها رخت بسته
از دل طراوت رفت، پژمردیم، بازاً
عشق علی و شیعه گی جرم است، آری
ارثِ غریبی از علی بردیم بازاً
طعنه کیش ایام هجران تو گشتیم
ما خون دل در خون دل خوردیم، بازاً
بشنو تمنای دل بیچارگان را

گرچه تو را صد بار آزرديم، باز
ما مجرميم اما تو خوب و با گذشتي
ديدي بدی از ما فزون، اما گذشتي

نور خدایی تو، به بدخواه تو لعنت
بدرالدجایی تو، به بدخواه تو لعنت
سر تا قدم تصویر قرآن خدایی
شمس الضحایی تو، به بدخواه تو لعنت
هر جا که هستی، جان ما، جان سلامت
اصل بقایی تو، به بدخواه تو لعنت
بین قنوتت یک دعا بهر گدا کن
روح دعایی تو، به بدخواه تو لعنت
بر سرزمین قلب عشاق حسینی
فرمانروایی تو، به بدخواه تو لعنت
اصل ولایت در وجودت منجلی شد
لعنت به هر کس مُنکر آل علی شد

بگذار تا چشم انتظار تو بمانم
بگذار من هم بی قرار تو بمانم
جان را به کف بنهاده و سوی تو آیم
اذنم بده تا جان نثار تو بمانم
جانم سپر گردد تو را در هر بلایی
گردم فدایی، پای کار تو بمانم
ننگت نباشم، گل شوم بر سینه تو
تا زنده‌ام در انتظار تو بمانم
از حق بخواهم «تا مرا پاکم نمایی»
در کربلا با دست خود خاکم نمایی

فصل دوم؛ گلچین مجالس مداحان

ولادت امام زمان (عج الله)

ترک 01 - شعر^{۹۰}

ای آخرین امید رسالت خوش آمدی
خورشید آسمان عدالت خوش آمدی
سر تا به پات قدر و جلالت آمدی
بنیان کن اساس ظالمت آمدی
**با مقدم تو گشت زمین رشک آسمان
عجل علی ظهورک یا صاحب الزمان**

اسلام با ولادت تو باز جان گرفت
روی ندیده تو دل از آسمان گرفت
دین با ولایتت شرف جاودان گرفت
حُسنّت به اتفاق ملاحظت جهان گرفت
**جا الحقت رسید به گوش جهانیان
عجل علی ظهورک یا صاحب الزمان**

ای از خدا سلام به جسم و به جان تو
آوای وحی میشنوم از زبان تو
دل برده از پدر ز ملاحظت بیان تو
قرآن بخوان که بوسه زند بر دهان تو
**ای عمر وحی از نفست گشته جاودان
عجل علی ظهورک یا صاحب الزمان**

میلاّد تو ولادت خوبان عالم است
عید هزار موسی و عیسی بن مریم است
میلاّد اهل بیت رسول مکرم است
میلاّد دیگر شهدای مقدم است
**میلاّد سید الشهداء را دهد نشان
عجل علی ظهورک یا صاحب الزمان**

باز آ که اولیا خدا چشمشان به توست
یاران سید الشهداء چشمشان به توست
سرهای تشنه گشته جدا چشمشان به توست
مکه، مدینه، کرب و بلا چشمشان به توست

**کعبه گشوده چشم به راه تو همچنان
عجل علی ظهورک یا صاحب الزمان**

ما از تو دور و جای تو پیوسته بین ماست
روی ندیده ات همه جا نور عین ماست
چشم انتظار ماندن ما دین و دین ماست
جمعه گواه نالهٔ این الحسین ماست

**یک جمعه این سوال نیفتاده از زبان
عجل علی ظهورک یا صاحب الزمان**

تو خود شبان و این رمه در انتظار توست
چشم جهانیان همه در انتظار توست
مولا بیا که فاطمه در انتظار توست
خورشید نهر علقمه در انتظار توست

**بر بازوی عموی خود این جمله را بخوان
عجل علی ظهورک یا صاحب الزمان**

تو غایبی و خلق جهان در حضور توست
مُلک خدای عز و جل غرق نور توست
جای تو خالی است و جهان پر ز نور توست
آقای عیدها، همه روز ظهور توست
از چشم ما نهانی و در عالمی عیان
عجل علی ظهورک یا صاحب الزمان

بی تو شب سیاه شده روزگار ما
بی تو شده ست خندهٔ گل نیشه خوار ما
رنگ خزان گرفته سراسر بهار ما
بازای ای قرا دل بی قرار ما
بازاً که شده ذکر ما الغوث الامان
عجل علی ظهورک یا صاحب الزمان

کی میشود که پای به چشم بشر نهی

عمامه رسول خدا را به سر نهی
بر قلب دشمنان ولایت شرر نهی
تا یک نظر به جانب اهل نظر نهی
رخ بر تمام منتظرانت دهی نشان
عجل علی ظهورک یا صاحب الزمان

ای زخم پیکر شهدا بیقرار تو
چشم علی به دست تو و ذوالفقار تو
فریاد انتقام شهیدان شعار تو
لبخند میزند عمومی شیر خوار تو
که ای دست انتقام خداوند لا مکان
عجل علی ظهورک یا صاحب الزمان

دست حقی و کاتب لوج و قلم تویی
بهر ظهور بین امامان علم تویی
بگشای رخ مکه هادی کل امم تویی
مولا بیا که امام حرم تویی
گوید بلال بر تو به بام حرم اذان
عجل علی ظهورک یا صاحب الزمان

ای دست اولیا الهی به دامت
جوشن کبیر در صف پیکار جوشنت
پیراهن حسین برازنده تنت
میثم تمام چشم شده بهر دیدنت
چشمش بود به راه تو اشکش به رخ روان
عجل علی ظهورک یا صاحب الزمان

ترک 02_ شعر^{۹۱}

برخیز که باز هم خدایی باشیم
در حال و هوای کبریایی باشیم
سرمست ز جام آشنایی باشیم
یعنی که مهیای گدایی باشیم

سلطان کریم انس و جان آمده است
بر خیز که صاحب الزمان آمده است

امشب رخ مهر و ماه همراه بین
خورشید به شام نیمه ی ماه بین

...

منقوش بود در آسمان این کلمات
بر ماه رخ حضرت مهدی صلوات

هر چند که در شور و نواییم همه
مشتاق حریم سامراییم همه
از لطف خدا غرق صفاییم همه
در خطه حضرت رضاییم همه
در این حرم انوار خدا می جوییم
تبریک به حضرت رضا می گوییم

ترک 03_ شعر ۹۲

هر دل شده را بگو فرستد صلوات
خواهد اگر آبرو بگو فرستد صلوات
هر کس صلوات می فرستد یکبار
ده بار خدا بر او فرستد صلوات

عالم شده لبریز ز بوی گل نرگس
ای ماه بزن خنده به روی گل نرگس
جبرئیل زند بال به سوی گل نرگس
فردوس شده زائر کوی گل نرگس
ای منتظران شاخه نباتی بفرستید
نذر گل نرگس صلواتی بفرستید

در بزم سحر شمس به جای قمر آمد
وز غار حرا باز رسول دگر آمد

طوبای امید نبوی را ثمر آمد
ای منتظران منتظران منتظر آمد
این یوسف زهراست شتابید حضورش
باشید همه منتظر روز ظهورش

دامان جهان باز گل ناز شد امشب
صبحی که خبر دادند آغاز شد امشب
با دست خداوند گره باز شد امشب
رازی که خدا گفته ابراز شد امشب
جان هدیه بیارید برای گل نرگس
ریزید گل و لاله به پای گل نرگس

در بزم خدا بوی خوش عود مبارک
بر بحر شرف گوهر مسعود مبارک
لطف و کرم حضرت معبود مبارک
دیدار رخ مهدی موعود مبارک
بُشرا که امام شهدا عید گرفته
تبریک بگویند خدا عید گرفته

عید است ولی عید جهان بشریت
برگشته به تن روح و روان بشریت
جان داده خدا باز به جان بشریت
این بیت شده ورد زبان بشریت
ای مردم عالم ره توحید بگیرید
امشب شب مهدیست همه عید بگیرید

ترک 04_ شعر ۹۳

لب ما و قصه ی زلف تو چه توهمی چه حکایتی
تو و سر زدن به خیال ما چه ترحمی چه عنایتی
به نماز صبح و شبت سلام و به نور در نسبت سلام
و به خال کنج لب سلام که نشستند با چه ملاحظتی

به جمال وارث کوثری به خدا محمد دیگری
 به روایتی خود حیدری چه روایتی چه اصلتی
 بلغ العلی به کمال تو کشف الدجا به جمال تو
 به تو و قشنگی خال تو صلوات هر دم و ساعتی
 شده پر دو چشم تو از ازل یکی از شراب و یکی عسل
 نظرت چه کرده در این غزل که چنین گرفته حلاوتی
 تو که آینه تو که آیتی تو که آبروی عبادتی
 تو که با دل همه راحتی تو قیام کن که قیامتی
 زد اگر کسی در خانه ات دل ماست کرده بهانه ات
 همه جا گرفته نشانه ات به چه حسرتی به چه حالتی
 غزلم اگر تو بسازیم و نی ام اگر بنوازیم
 به نسیم یاد تو راضی ام نه گلایه ای نه شکایتی
 نه مرا نبین رصدم نکن و نظر به خوب و بدم نکن
 ز درت بیا و ردم نکن تو که از تبار کرامتی^{۹۴}

ترک 05- شعر^{۹۵}

مجنونم و راه خانه می گیرم	از لیلی خود نشانه می گیرم
صیدم که ز دست های صیادم	آزادم و آب و دانه می گیرم
چون اشک روان گاه بی گاهم	بارانم و بی بهانه می گیرم
هر بار که یاد یار می افتم	با آتش دل زبانه می گیرم
یک روز چنان غبار می آیم	بر دامن آشیانه می گیرم
من گرد و غبار راه دلدارم	دریاب مرا که دوستت دارم

در سینه ام امشب آسمان دارم	صد حرف نگفته بر زبان دارم
از کوفه و سهله می روم تا قم	زیرا که هوای جمکران دارم
عمریست گدای خانه ات هستم	عمریست از این تنور نان دارم
می خواهم که تمام هستم را	می خواهم هر چه در توان دارم
در پای نگاه دوست بگذارم	دریاب مرا که دوستت دارم

در عید رسیدن تو حیرانم	هم شادم و هم کمی پریشانم
از اینکه تو هستی و نمی بینم	از اینکه کجایی و نمی دانم

⁹⁴. قاسم صرافان

⁹⁵. با نوای حاج محمد رضا طاهری

سر گرم به کوچه و خیابانم	دل گرم به ریسه و چراغانی
بی تاب در انتظار مهمانم	مشتاق شبیه طاق نصرت ها
عرضی است برای نیمه شعبانم	این چند خط ارادت من هم
دریاب مرا که دوستت دارم	ای مقصد حرف های بسیارم

کی تشنه عشقت آب میخواهد	سرمست تو کی شراب می خواهد
باغ دلم آفتاب می خواهد	در باغ تمام میوه ها کالند
این پرسش من جواب می خواهد	تا آمدن تو زنده می مانم
از خون جگر خضاب می خواهد	سربازی دولت کریم تو
رزمنده پا رکاب میخواهد	هرچند که دولت تو چون عیسی
دریاب مرا که دوستت دارم	با این همه من فدایی یارم

ترک 06_ شعر ۹۶

می شود از عشق دلم ریشتر	بیشتر از بیشتر از بیشتر
وقت ندارم به خدا بیشتر	من که اویسم ز قرن آدم
کاش قرار تو شود پیشتر	لیله قدرحسن عسکری
سوره العصر علیک السلام	وای که دیوانه شدم یک کلام

بوی گل نرگسی آورد باد	تا که پدر بر لب تو بوسه داد
لطف تو شد از سر عالم زیاد	در شب میلاد تو جودت شکفت
بال زدم از در باب الجواد	دم پر جبرئیل شدم بال زد
برد مرا کرب و بلا بامداد	برد مرا اول شب کاظمین
سوره العصر علیک السلام	ای علوی جود و جوادی مرام

خط امانی ز گناهم بده	آدم ای شاه پناهم بده
جان رضا خوانده و راهم بده	پنجره فولاد مرا راه داد
باز از آن لطف نگاهم بده	کنج حرم یا دم پایین پا
سوز جگر آتش آهم بده	ماه مبارک من و دست تهی
سوره العصر علیک السلام	می رسد عطر رضوی بر مشام

باب حوائج شد و خیرات داد	کعبه هفتم شد و حاجات داد
--------------------------	--------------------------

مادر من سفره نذرش گرفت	حاجت ما اکثر اوقات داد
ندبه تعجیل فرج رزق ما	با نفس جدۀ سادات داد
افضل اعمال بود انتظار	ذکر فرج حال مناجات داد
من به مناجات توام مستدام	سوره والعصر علیک السلام

کاش که مردان ظهورت شویم	صاحب یک سیرت و صورت شویم
کاش که در غیبت تو استوار	مثل زمان های حضورت شویم
حضرت صادق تویی و کاش ما	شیعۀ تو، مرد تنورت شویم
گفت که دربانی تو می کند	کاش کمی خاک عبورت شویم
تو خود معراجی و ما زیر گام	سوره والعصر علیک السلام

با قلمت علم تناور شود	علم و عمل ریشه باور شود
شام غم و جهل و خرافات ها	با نفس باقری ات سر شود
فصل شکوفایی عقل است و دل	جای روایات پیمبر شود
نور زمین، نور زمان، سایه نور	خاک از این معجزه ها سر شود
لحظه شماریم برای قیام	سوره والعصر علیک السلام

دست من و برکت آبادی ات	از پر سجاده سجادی ات
لطف دعای تو شده مستدام	بر سر ما سایه شمشادی ات
مثل علی ابن حسینی تو و	می رسد آوازه آزادی ات
فخر خدا می کند از سجده ات	کاش شوم محرم این وادی ات
روی تو شد سجده بیت الحرام	سوره والعصر علیک السلام

چشم تو در کار حسین است و بس	کار تو تکرار حسین است و بس
بیرق سنگین تو وقت قیام	دست علمدار حسین است و بس
قلب تو انگار گرفتار اوست	هر که گرفتار حسین است و بس
پرده گشا دیدن روی شما	لحظه دیدار حسین است و بس
رو به دل زینبی ات صبح و شام	سوره والعصر علیک السلام

ترک 07 - شعر ۹۷

زائر همسفره غم ها حسن	عشق تو آقای کرم ها حسن
-----------------------	------------------------

روز ظهور تو مهم است چون
 می رسد آن روز که بینیم باز
 روی ضریحی که تماشایی است
 ای حسنی جلوه و حُسن تمام

دارد از آن روز حرم ها حسن
 بین بقیع نقش علم ها حسن
 نقش نمایند قلم ها حسن
 سورة والعصر علیک السلام

جای حرم غربت زهرا که هست
 پیش تو گیریم نداریم جای
 گرچه گره در گره ام نیست غم
 ما که نباشیم چه غم تو بیا

یک نفر از عترت زهرا که هست
 خب قسم حضرت زهرا که هست
 دست شما تربت زهرا که هست
 دیدن تو قسمت زهرا که هست

سورة والعصر علیک السلام

هیبت تو رفته به مولا علی
 می رسد از هر دو لب ذوالفقار
 خاطره رزم علی در نبرد
 نیست تو را کعبه ای الا حسین

حیدری و وقت تماشا علی
 لات و هبل را بشکن یا علی
 مثل تو می گشت مهیا علی
 نیست تو را قبله ای الا علی

سورة والعصر علیک السلام

جلوه گر قامت ختمی مآب
 خاتم انگشتی خاتمی
 جاذبه گنبد خضرا بیا
 ای شرف الشمس پیمبر لب

حضرت خورشید، محمد بتاب
 جذبه فیروزه احمد رکاب
 تا بدرد سینۀ خود آفتاب
 راز مسلمانی اهل کتاب

سورة والعصر علیک السلام

ترک 08 - زمزمه^{۹۸}

بیا آفتاب پس ابر تا
 یه حسی همش داره میگه بهم
 یعنی میشه آقا یه روز بشنوم
 اگه اونی باشم که از من میخوای

تموم شه غروبای دلواپسی
 یکی از همین جمعه ها می رسی
 که از جمع یارا یکیشون منم
 خود تو میای واسه ی دیدنم

به این حس دلتنگی جمعه ها
 به این دلخوشی راضی عاشقت
 دیگه ما کی باشیم تو این معرکه
 اگر بهجت و قاضی عاشقت

همین چشمای خیس کم طاقتم
 نشونه است که حتما ندیدن تو رُ

چقد را که چشم انتظار پیر شدن چقد را که رفتن ندیدن تو رُ
خودم می دونم با گناهام چقدر همیشه توی زحمت انداختمت
خدا می دونه تو همین کوچه ها چقد دیدمت اما نشناختمت
یه روزایی توی همین آب و خاک شنیدم علی اکبرا دیدنت
میگن که همین بیست، سی سال پیش یه عده توی سنگرا دیدنت

ترک 09 - سرود⁹⁹

منجی عالم شاه مکرم اباصالح بقیه الله الاعظم
ای گل نرگس بهشت خرم اباصالح بقیه الله الاعظم
یا مهدی

ای که به عیسای نبی روح سلامی ای که کلیم الله را روح کلامی
نیمه ماه شعبان ماه تمامی خوشا به حال ما که ما را تو امامی
من برگ زردم سر تا پا دردم
کجایی تا خودم پیام دورت بگردم
یا مهدی

یه عمریه به عشق روی تو اسیرم تویی امیرم بخدا تویی امیرم
خدا می دونه به همین امید زندهم که تو بیای و در رکاب تو بمیرم
تو جاودانی سیر نهانی
تو حضرت مهدی صاحب الزمانی
یا مهدی

ترک 10 - سرود¹⁰⁰

ای ولی عصر امام زمان ای سبب خلقت کون و مکان
ای گل زهرا کجایی سرور من کی میایی
یابن الحسن گل نرگس بیا بیا

همه عالم صفا گرفت به صفای نگاه تو
بوده است و بود هنوز چشم عالم به راه تو
شادی دل های پر از غم تویی منجی عالم گل عالم تویی

99. با نوای: حاج احمد واعظی

100. با نوای: حاج احمد واعظی

پرچم پیغمبری تو ذوالفقار حیدری تو
یابن الحسن گل نرگس بیا بیا

چه شود ای عزیز من جان به جسم جهان دهی
به گدای همیشه ات خیمه ات را نشان دهی
عشق تو آقا به سرشت من است خیمه سبز تو بهشت من است
با تو چیزی کم ندارم تا تو هستی غم ندارم
یابن الحسن گل نرگس بیا بیا

همه دنیا فنا شود گر نباشد حضور تو
تو دعا کن که زود بیاد روز خوب ظهور تو
بی تو بود کار دو عالم فلج الهی عجل لولیک الفرج
تو دعا کن چون بگیرم در رکاب تو بمیرم
یابن الحسن گل نرگس بیا بیا

ترک 11- سرود ۱۰۱

بازم زیر بارونم قدم قدم می خونم تو لیلی من مجنونم مجنونم
عجب شبی حالا که قصه به پایان می رسه
عجب شبی داره یوسفم به کنعان می رسه
عجب شبی یار من نیمه شعبان می رسه
دوریم از هم ولی آقا تو دلم یاد تو سبزه
آبی آسمونی هم واسه میلاد تو سبزه
امشب به سوی تو دل من داره پر می کشه
پیمونه رو میخواد یه دفعه بره سر بکشه

بهار دل ها مهدی امید زهرا مهدی شعار ما یا مهدی یا مهدی
آقا بیا همه جهان در انتظارته
آقا بیا شیعه تو رکاب ذوالفقارته
آقا بیا زینبیه خیلی بی قرارته
آقا چون روز ظهورت روز جشن عالمینه
علم سرخ قیامت یا لثارات الحسینه

شمشیر حیدر تو باید توی دست بگیری
برگرد تا حق مادرت دیگه پس بگیری

حکم تو از قرآنه ولایتت میزانه عدالتت طوفانه طوفانه

به خاطر دلای پر شور و واهمه بیا

به خاطر دعای هر شب فاطمه بیا

به خاطر ماه بی افول علقمه بیا

بیا از کنار کعبه انقلابت بپا کن

با انا بقیه الله یاورانت صدا کن

آماده جهاد میتونی ببینی ماهار

از جمکران به کرب و بلا برسون دلار

ترک 12- سرود^{۱۰۲}

شب شب قدره قدر خودت بدون شب نمازه نماز بارون بخون

دنیا که پیره ولی تو جوون بمون آهای جوون آهای جوون

یوسف زهرا که سحر دم اذن میاد ابرای نور و رحمتش تو آسمون میاد

چتر گناهت بند داره بارون میاد

میاد یه روزی اونی که دلار بهاری کرده

میاد به همراهش اونی که نشون داد که خیلی مرده

دوباره آسمون پر از ستاره ها همیشه رو به زمین در بهشت دوباره وا همیشه

تموم روزا یه روزی روز خدا همیشه

میاد یه روزی که یه نفر از عشق خبر میاره تو این شب تار دوباره یه خورشید سحر میاره

باید که امشب بخونی دعای عشق ایشالله دستت برسه به پای عشق

پیچیده عطرش تو حال و هوای عشق خدای عشق خدای عشق

یوسف زهرا که میاد دلا آروم همیشه هرچی به جز رحمت و عشق دیگه حروم همیشه

قصه این شب سیاه دیگه تموم همیشه

میاد یه روزی که دیگه غمامون خاطره همیشه یه روز میاد که دوباره زمین خوش منظره همیشه

ای آرزوی دل عاشقا بیا کبوتر خوش خبر خدا بیا آسمون امشب میخونه بیا بیا آقا بیا آقا بیا

ترک 13- سرود ۱۰۳

دیده به راهم از آسمون منتظرم خبر بیاد
می خواد یه ماه مهربون از دل ابرا در بیاد
میاد ذخیره ی خدا آقا آقا پناه همه عاشقا آقا آقا
آیه های جاء الحق رُ روی شونش بیا ببین
خال زیبای سیاهی رو گونه اش بیا ببین
نسیم عاشقی وزیده دلم صدای پا شنیده پسر فاطمه رسیده
اباصالح آقام ای آقام

آرزومه ببینمت ای آخرین نور خدا
کنار تو با تو باشم یه شب تو صحن کربلا
تویی که صاحب منی آقا آقا تو یار غائب منی آقا آقا
تو همونی که دلارُ می بری با یه اشاره
منم اونی که یه عمره برای تو بی قراره
عاشقونه برات می خونم منتظر شما می مونم بیای به پات خون بریزم
اباصالح آقام ای آقام

به عشق طاووس اهل بیت بهشتُ کردن چراغون
برای مهدی فاطمه ملائکه مدیحه خون
نغمه همه لبها آقا آقا قرار همه دلا آقا آقا
دلای ما زبون ما برای تو غزل خونه
مهربونیت منو سوی خیمه تو میکشونه
آیه نور تو یا علی ذکر ظهور تو یا علی نعمه شور تو یا علی
علی علی علی یا علی

ترک 14- سرود ۱۰۴

شب داره به سر میشه نوبت سحر میشه
از تن همه یک روز خستگی به در میشه
یه روزی میشه دوا تموم دردای ما
یک شب جمعه میریم با آقامون کربلا
اللهم کن لولیک حجت ابن الحسن خبر پیچیده تو آسمونا داره میاد آقای من

103 . با نوای حاج حسین سازور

104 . با نوای : حاج سید مهدی میرداماد

تو دلا صفا میاد بوی آشنا میاد
 یک غروب جمعه ای خنده رو لبها میاد
 ساحل دریا میاد خوشی دلها میاد
 گریه نکن آسمون یه روزی آقا میاد
 اللهم کن لولیک حجت ابن الحسن خبر پیچیده تو آسمونا داره میاد آقای من
 شر غصه کم میشه قد کینه خم میشه
 آخرش امام حسن صاحب حرم میشه
 یوسف گمگشتمون می رسه از آسمون
 یه روزی پیدا میشه یه تربت بی نشون

ترک 15- سرود ۱۰۵

عمریه هر جمعه آقا عاشق تو چشم به راهه
 یا که تو هر روز و هر شب کشته یک نیم نگاهه
 دل سرگردون شده باز حیرون از فراق
 با چش گریون می گیره مجنون باز سراغت
 آقا عاشقت شده بی قرار آقا می خونه شب انتظار
 آقا بیا آقا بیا

از قدم پاک مهدی آسمونم غرق نوره
 حسی بهم میگه دنیا منتظره یک ظهوره
 آخرین خورشید شمیمت پیچید کی میایی
 با دوریت ساختم خودمو باختم کی میایی
 آقا انیس خواب و رویاهام آقا کی میشه پابوسی بیام
 آقا بیا آقا بیا

عهدم اینه با تو آقا تا دعای عهد می خونم
 جون می گیرم با نگاهت منتظر تو می مونم
 بیا آقا جون به ما امشب تو یک نظر کن
 بیا با ما تا حرم ارباب یک سفر کن
 آقا زائر حرم حسین آقا وارث علم حسین
 آقا بیا آقا بیا

ترک 16 - سرود ۱۰۶

با ذوالفقار حیدر با هیبت پیغمبر بیا به پا کن محشر بیا بیا
دلَم می گیره آقا به غم اسیره آقا بیا که دیره آقا بیا بیا
تویی تو شمس الضحی قسم به خون خدا
می شه به روز مرکز حکومتت کربلا
العجل العجل ای غریب جمکران
ای امام عاشقان صاحب الزمان

به زیر طاق نصرت شده دعای شیعه ت تموم شه کاش این غیبت بیا بیا
نباشی تا وقتی که جهان ما تاریکه ظهور تو نزدیکه بیا بیا
العجل العجل ای غریب جمکران
ای امام عاشقان صاحب الزمان

دعای ندبه بر لب به یادتم من هر شب بیا به حق زینب بیا بیا
میایُ میشه پیدا با دستای تو مولا مدینه قبر زهرا بیا بیا
کاری ندارم به این که دشمنت چی میگه
اگه بیاد کربلا حلالِ خونش دیگه
العجل العجل ای غریب جمکران
ای امام عاشقان صاحب الزمان

ترک 17 - سرود ۱۰۷

اشک شوق تو چشای پر ستاره ام تو شبی که غرق شور و انتظارم
میارم سبد سبد گلای نرگس می نویسم رو همه ش دوستت دارم
اگه برگردی لیلی مجنون میشه اگه برگردی لب خندون میشه
اگه برگردی همه شهرمون پیش پای تو آینه بندون میشه
ای که روشنای شام انتظاری
وقتی برمی گردی علم عموتُ داری

روز میلاد تو روز عشق دنیاست اومدی تو دلامون چه شوری برپاست
می ریزم پای تو پولک ستاره شادتر از همه بی بی حضرت زهراست

106 . با نوای : حاج عبدالرضا هلالی

107 . با نوای حاج سیدمجید بنی فاطمه

اگه برگردی گره ها وا میشه اگه برگردی دنیا زیبا میشه
اگه برگردی تربت مخفیه مادرت زهرا دیگه پیدا میشه
عشق مادری تو روح کوثری تو
دوست دارم بینم هیبت حیدریت

برا کل انبیا هم نور عینی وارث تیغ یل بدر و حنینی
بنازم به بازوی حیدری تو چون فقط تو طالب خون حسینی
اگه برگردی پا به غم می زنی اگه برگردی یه حرم می زنی
اگه برگردی با دم یا علی بالای کعبه یه علم می زنی
من هستم غلام و تو هستی امیرم
کاش روز ظهورت رکاب تو رو بگیرم

ترک 18- سرود^{۱۰۸}

دلمون شاده خونمون آباده
خدا به ما یاورى غیره تو نداده
ای که قدمات رنگ خنده هات مژده فصل گرماست
وقتی که از راه می رسی آخر عمر سرماست
هیچکی مته تو به خدا هوامون نداره
تا تو دعامون می کنی هر روزمون بهاره
نگاه مهربونت صد تا مسیح نداره
منتظره اومدنته شبای بی ستاره
به خدا آقا بدون تو دنیا دنیا نمی شه
تا نباشی تو درد دل خسته دوا نمی شه
بعد هزار سال هنوزم وقتی میای جوونی
ما هر چی ام عوض بشیم تو هر دفعه همونی
بازم پا در میونی کن آشتی بده دلارو
وقتشه از راه برسی نگاه کن آدما
یا اباصالح مولا اباصالح مولا اباصالح ای گل نرگس

ای کس و کارم مونس و غمخوارم

جز تو نداره دلخوشی این دل بیچارم
وقتی بیای جوون میشه دل تموم دنیا
زمین دل مرده میشه مثل بهشت به مولا
وقتی تو از راه می رسی غصه و غم می میره
کوچه به کوچه شهرمون بوی خدا می گیره
تا نباشی تو روزای ما آقا شبای تاره
از همه دنیا هر روز و شب بی تو غصه می باره
قیامتی به پا شده میون قلب تنگم
تمام آرزوم اینه برای تو بجنگم
من که آقا یه عمریه میگیرم از تو روزی
ایشالله تو رکاب تو شهید بشم یه روزی
یا اباصالح مولا اباصالح مولا اباصالح ای گل نرگس

الهی بشه قسمت منم کنار تو بشینم
آرزومه که لحظه ظهورت ببینم
تویی خورشیدم تموم امیدم
موی سرم سفید شد و خوابتم ندیدم
بیا بده نجاتم از مردم این زمونه
اسیر بی کسی شده این دل پر بهونه
بیا برا امام حسن با هم حرم بسازیم
پیش تموم دشمننا فقط به تو بنازیم
ای گل زهرا تا تو نیای آقا همینه دنیا
یا عزیزالله متی ترانا و نراک مولا
یا اباصالح مولا اباصالح مولا اباصالح ای گل نرگس

وقتی به دنیا برسی همه روزا بهاره
دشنه دستات به خدا شمشیر ذوالفقاره
تکیه به کعبه بزن و کوری چشم دشمن
مثل علی مرتضی همه بتا رُ بشکن
یا اباصالح مولا اباصالح مولا اباصالح ای گل نرگس

ترک 19 - سرود ۱۰۹

اگه حس می کنی که شبات شب تاره اگه حس می کنی که دلت گرفتاره
به کویر دلت بارون نمیاره
حالا وقتشه، دیگه آماده بشی غمها تیار تا که دلداده بشی
یه نگاهش، یه سلامش آرزوی قلب من
هرجا رفتم، هر جا بودم همه از خویش میگوین
گل نرگس گل نرگس ضربان قلب من

تو میای و همه دنیا با خبر میشه روزای دوری ما یه روز به در میشه
شبای بی تو آخر یه روز سحر میشه
وقتی که میای تو یه روزی پیش ما عشاق بیر شب جمعه کربلا
تا ظهورت، مئه مجنون چشم به راهت می مونم
تا که دنیا، دنیا باشه چشم به راهت می مونم
گل نرگس گل نرگس ضربان قلب من

ترک 20 - شور ۱۱۰

تو باغچه پاییزی من قاصدکی خبر میداد شادی مثل غصه مرده
امشب دره خونم و زدن خونه دل در وا شد دیدم یکی نامه آورده
تو نامه نوشته از معشوق به عاشق
نقش دور نامه ست گلبرگ شقایق
نمیدونم از شادی چیکار کنم سرم میخوام فدای یار کنم
تو کوچه برم اذون عشق بگم از مستی هوار هوار کنم

از دلتنگیای دلم دم نزدم با کسی که از عاشقی خبر نداره
کل دعا های منی و روح دعا خود تویی بی تو دعا اثر نداره
اسم تو محاله از لبهام جدا شه
میمیره دلی که دلتنگت نباشه

تو میای و ماه به آسمون میاد به تن زمین دوباره جون میاد
تو میای و هر کسی که عاشقه دره خونت دوون دوون میاد

ای بارون بهار خدا تا تو نیای دلای ما می مونه تا ابد کویری

109 . با نوای : کربلایی حسین طاهری

110 . با نوای : حاج محمود کریمی

اینجایی و به خوده خدا هر دفعه که تنها میشم دست من خودت میگیری

دل از ساحت عشق نداره جدایی

هر کی عاشقت شد میدونه کجایی

تو میای و تا ابد بهار میاد تو میای و عشق موندگار میاد

تو میای و لشکر شهیدامون دنبالت قطار قطار میاد

ترک 21 - شور^{۱۱۱}

فصل بهارانه دنیا گلستانه شب طلوع ماه

ذکر لب عالم هم نوا و هم دم یا بقیه الله

عاشقا باید مژده بدید جوونه زده یاس امید

که می رسه اون صبح سپید ان شاءالله

آهای دلای جمکرونی عاشقای صاحب زمونی

میاد آقای آسمونی ان شاءالله

ایشالله موسم هم عهدی میاد از افق بانگ انا المهدی میاد

اباصالح بیا

دیگه ندارم غم خوب این می دونم که روشن این راه

هر طپش قلبم هم نوا با عالم یا بقیه الله

با نور پیمبر می رسه با شکوه حیدر می رسه

با دعای مادر می رسه اباصالح

عدالت همراش میاره تو دست اقام ذوالفقاره

هیبت ابالفضلی داره اباصالح

میاد آقا سوی بین الحرمین با شعار یا الثارات الحسین

ترک 22 - شور^{۱۱۲}

من و هر جمعه ندبه و یارم اینه تنها سفارشت امشب

و علیکم بعمی العباس و علیکم بعمتی زینب

کاش جشن ظهور تو زود تر به پا شه

پایتخت دولتت کربلاشه

معلوم نیس که تو بیای من زنده باشم

کاش پا رکاب تو رزمنده باشم

111. با نوای : حاج مهدی سلحشور

112. با نوای : حاج محمد رضا طاهری

آقا بیا آقا بیا آقا جان

یکم از عاشقی سرم میشه با تو دنیا پر از کرم میشه

سامرا و بقیعُ می سازیم مادرت صاحب حرم میشه

می خونم دعای عهد هر روز با گریه

ای منتقم بیا جان رقیه

می بری روز ظهور از دل تو غم رُ

سید علی میده دستت علم رُ

آقا بیا آقا بیا آقا جان
